

# انقلاب



دوره دوم سال دوازدهم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: ۱۲۰ ریال شماره ۸۵ فروردین ماه ۱۳۷۰

سرمقاله

## برای رویارویی

### با آنچه در راه است!

سالهای هفتاد ایرانی در حالی آثار مشهود که مومنت جمهوری اسلامی اگر محکمتر از آثار سالهای شصت دورجیترین سالهای تاریخ معاصر ایران بودند، نه فقط برای مبارزان سیاسی که هزار هزار در رندابهای رژیم قتل عام شدند با یکی از دشوارترین دورههای مبارزه را در خارج از زندانها و عدای در خارج از کشور از سر گذراندند، بلکه برای اکثریت قاطع مردم ایران که فلع کمترین فلاکت، گسردترین ویرانی و وحشت و سوخترین تاریخ اندیشی تاریخ معاصر این کشور را تحمل کردند، سالهای دورجی دهه شصت در يك كلام، سالهای جمهوری اسلامی بودند و اکنون در آثار سالهای هفتاد، جمهوری اسلامی همچنان بایر حاست، اگر جنگ اول خلیج فارس، جنگ ایران و عراق - نفول خمینی - "برکتی" بود که در سنت ماهه آخر دهه بیجاه بر جمهوری اسلامی نازل شد تا بتواند رسنه قلع و نفع مخالفتی را تراشم آورد. جنگ دوم خلیج فارس که رسنه آن در هفت ماهه آخر دهه شصت با بحران کویت شکل گرفت، "برکت" دیگری بود که بکار دیگر جمهوری اسلامی را نجات داد. بقیه در صفحه ۲

## شورش در قلعه حسنخان

★ ساختمان شهرداری به تصرف

زحمتکشان درآمد.

★ بیش از ۶ هزار نفر به تظاهرات

دست زدند.

در صفحه ۱۶

## قطعنامه کمیته مرکزی

\* در باره نشریات سازمان

\* در باره جنبش کارگری و دوران بازسازی

در صفحه ۵

## پیام نوروژی مشترک!

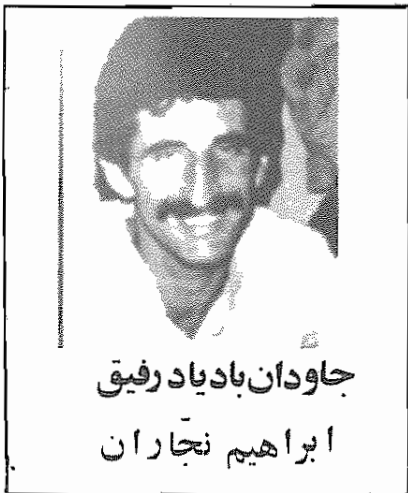
بها بختیاری

کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران  
کمیته مرکزی سازمان فدائی - ایران  
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## تناقضات ساختاری حکومت اسلامی

ویژگیهای ساختاری جمهوری اسلامی، از آثار پیدایی رژیم تا کنون، موضوع بحث انکیر و قابل بررسیای بوده است. هر چند این ویژگیها در طول زمان و بیسبب تحولات گوناگون سیاسی - اجتماعی دستخوش تغییرات زیادی شده، با ابعالی خصوصیات اصلی ساختاری رژیم، همچنان با بر حا مامده است. در چند سال اخیر، بویژه پس از مرگ خمینی و آثار ریاست جمهوری هاشمی رفسحانی با شروع سیاستهای جدید در عرصههای داخلی و خارجی، تناقضات موجود ساختاری، خود را بصورتی برجستهتر نشان داده است. جناح مسلط رژیم در تلاتی بیکر برای شکست بن سنتها، تغییراتی را در بارهای از ساختارها بوجود آورده است. این جناح برای نه سرانجام رساندن اقداماتش در صدد است ابتدا تاثیرات بایه نمودن رژیم را از طریق حتی ساری جناح حرسالله علی نازد، سپس به آتاری حاکم در دستگاه شبعه بایان بدهد با دست کم، آنرا محدود سارد تا اراده حکومتی روحانیت را تقویت کد و در این راستا مناسبات خود با بورژوازی سمانه طفند مسلط جامعه را ندرستی تنظیم سابد. در این مقاله، نظری به این ویژگیهای ساختاری و تحولات کبوی آن براندازم.

منترین مشخصات ساختاری رژیم اسلامی کدامند؟  
۱- رژیم اسلامی، حکومتی است اندئولوژیک که در آن برداشت خاصی از اسلام و مذهب شعه اشی عشری، سببوا خط راهمای حکومتی برگزیده شده است. این اندئولوژی توسط قشر روحانیون شعه در حکومت بکار گرفته میشود و آسفا قدرت اصلی در دولت و نظاه اسلامی را در دست دارد و بر کشور حکومت مسکند. بقیه در صفحه ۱۲



جاودان بادیاد رفیق

ابراهیم نجاران

★ اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران را هر چه با شکوهتر برگزار کنیم!

در صفحه ۶

★ تغییرات اقتصادی مهم در دوره پس از انقلاب

در صفحه ۱۸

★ آریستید: فیدل کاسترو یا آکینو؟

در صفحه ۲۱

★ فاجعه اجتماعی در آلمان شرقی ★ تلفات انسانی جنگ خلیج

در صفحه ۸

در صفحه ۸

پیام نوروری مشترک

# بهار آزادی مبارک

کمیته مرکزی سازمان جنبشهای فدائیان خلق ایران  
کمیته مرکزی سازمان فدائیان - ایران  
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

مردم آزاده ایران!

بهار آزادی در راه است و شما به درسی نورور را شادمانه جشن میگیرید تا ما بهار در هم آییم. و ساز استود محبا مانده از ساهی سسکین رژیم اسلامی را از تن بزدانند. و برای براندازی کینه ساز رژیم اسلامی-شادمان و نامکومان، فدائی روشن را به شادگویی بی افکند. دهنم که به ماان حسگ، به، مرگ حبسی، به برقراری صلح، و به نوران باوراری. به همحک از صائب ستماری که شما ترکیر آبد ماان بناد. هر سال که میگذرد تاهدی است بر اسگ تا رژیم حبیروزی اسلامی سرتگون نشود، آزادی و بهروزی شما امکان بدیر نخواهد بود.

ما انقلاب سرتگون نودنای سس. که در آن شما رژیم خودکامه سلطنتی را به آمد رهائی و بهروزی واژگون کردید. بهروز و بهار ما نسیم آزادی شکوفا شد و تازگی طسعت، ما صفا و شادمانی حقیقی مردمی که آزادی را نخرید مکرده همراه گشت. سالهاست که خاطره آن "بهار آزادی" در بادها رسده مانده است. بهار آزادی دیری مانبد و تکرار بند، برپا آزادی نوام ساورد. رژیم اسلامی که حای رژیم استبدادی سلطنتی را گرفت. حیات و نقالی را در سرکوب آزادی و تاهی مظاهر سادی حسنجر کرد و در اس راه تا حاتی ستر رفت که حتی بهروز سالی نکرور را هم بر شما حرام نمود. اس رژیم شما در حصار جوبمهای دار، در سناه برج و ناروهای رسدایا و نسکجه گاهیا مسواند حابه کند؛ شما در تاریکی مسواند سبب؛ شما در سکوت مسواند نسمود؛ و شما در کورسنان مسواند رسدگی کند. برای همین اس که دوام این رژیم، آزادی و سوز و سوا و رسدگی را از شما به شما برده است.

بهروز برای شما مردم ایران. مظهر بهروزی، نحمدت، حیات، شادمانی و شادمانی است. نورور سام رسدگی و دوام رسدگی است. برای همین اس که اس رژیم، بر روی بهروز نسبسر کسبده اس. از رسدگی خود. بهروزی خود. از حق شادمانی خود دفاع کنید! از بهروز دفاع کنید! اس رژیم رفتنی است. شما ماندی. گل و سرده نگارند؛ زردی روی. به سرحی آتس بدهند؛ ماهی نمر به آب اندرند؛ و ما حمده و رفی و سوا به استقبال بهروز بروند! از تریزای که به خاطر سعادت شما و برای دوام بهار آزادی حان ناچند. و با در رسدایا حاسبه مقاومت برآورند. ما شادمانی باد کنید! آمان بندرهای آزادی، ما صدا و نراند آسارستان کنید! جارو بردارند و حابه تگای کنید! سونت حابه تگای از لاند این رژیم طانوسی فرا خواهد رسد. آری بهار آزادی در راه است.

معدتان مبارک باد!  
اسعد ۱۳۶۹

## عیدتان مبارک!



بهرای سبب نرس گشت! با دانا و سوا  
دخت بهر شاد و مرغ و سوزش  
تو ز لاله چنان بر دخت با دها  
که غنچه غرق عشق گشت و گل سوسش آمد



ما ارتباط با سوراها دهقانی در سازماندهی دهقانان رحمتگر مطفه طالقان تلاش نمود. ما همکاری نمدادی از فعالین مطفه موفق به سازماندهی کتابخانههای سراسری و متعدد در سطح مطفه طالقان شد که از آنها استقبال وسیعی عمل آمد و در ادامه همکاری اش با دیگر سورههای انقلابی محلی انتلانی نحت نام "انحاد رحمتگنان طالقان" ایجاد کردند که ما نعالبنهای مرتب نلمعانی نامتد آندنگی تمامی ارکابهای سرکوبگر رژیم در سطح مطفه شده بود. در سال ۱۹۹۱ رفیق شما به ضرورتیهای تشکلاتی و سیر محدودنهای امستی که در مطفه دانست؛ نعالبتش را در تشکلات شهر کرخ سازمان آثار نمود و ما تلاشی حسنگی نامدیر وظایف تشکلاتی انقلابی خود را همده حاسبه هم در شهر کرخ و هم در ارتباط با سازماندهی سورهها در مطفه طالقان پیش میبرد. سر از حرداد ۶۰ اسعدداد انقلابی رفیق ستر از

همان ابتدا کسب عشق او را سسب به بی عدالتی و نظام نسمی و استعمار برانگخت. کسب مقدسی که آتس آن تا آخرین لحظه حیاتش در سماعی سطفه مسکند. دوران نحصل را ابتدا در طالقان و بعد در بیجان گذراند و سس در رشته جبرانی سانه دانشسرایعالی نیوان ادانگاه برست مطفه بدیرتد شد. در دانشگاه رفتی ابراهیم ما سوجد به رسد گاهلا مساعتی که دانست خدمت نعلانهای انقلابی سد و در اس زمان که مغازین با اواخر سلطت ستم شاهی و اوجگیری سارزات نودنای بود در نعالبنهای صفتی و ساسی ما سعام سوا سرک حسب و هورمان ما بدیرتی مارکسم سعمون شما راه رهائی کارگران و رحمتگنان، اندونویزی سطفه کارگر را برحم و راهمهای سارزده انقلابی خود نزار داد. بعد از سروزری ضاد سسج و مدت کوتاهی سر از شروع نعلاب "راه کارگر" او سعموان سکی از نعالبن سیر سوز آن ما سده سوا خود به سازمان ما سوست.



## جاودان باد یاد رفیق

در سپهر ماه سال ۱۳۶۷ رفیق ابراهیم بجاران سر از سد سال و سد ساروت در حراس نوظنه قتل عام رسداسان ساسی سوسد جلالان رژیم اسلامی اشاده شد و ما نهادیم او سرامان ما سکی از رسدنگی وفادار و ناسد قدم خود را از دست داد.

رفیق ابراهیم که در سازمان ما او را ما نامهای مسعمر محس و سوجهر سمشاحسد در سال ۱۳۳۶ در روسنی کوچ طالقان در سگ جانوده رحمتگر رسدما آمد. شرایط سحت رسدگی جواندگی و حیرومس حاکم بر رسدگی روسستان از

## برای رویارویی با . . . دنبال از صفحه ۱

کر چه "نظم" بعد از جنگ هنوز در منطقه استقرار یافته و احتمالاً هنوز حوادث زیادی در راه است ولی تا همین جا روشن شده که جمهوری اسلامی یکی از بزرگان اصلی جنگ خلیج فارس است. نگاهی به عنوان جبهه‌های سیاسی کشور در دو ماهه اخیر نشان میدهد که رابطه جمهوری اسلامی با کشورهای عربی با جد شتابی در حال بهبود است. برای نمونه کافی است از میان این جبهه‌ها به سد حبر اشاره کنیم: امریکا نام جمهوری اسلامی را از لیست حکومتی حامی تروریسم حذف کرد؛ گزارش کالبدنویس درباره نفوذ حقوق بشر در ایران در سایه بحاره و سهمی احزاب کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد دربار پدید گرفته شد؛ عربستان سعودی و جمهوری اسلامی با برقراری مجدد روابط دیپلماتیک، درباره تعداد حجاج ایرانی و نحوه اجرای مراسم حج به توافق رسیدند. اگر عوامل دیگری این روند را بهم برزند، جمهوری اسلامی خواهد توانست از انزوای طولانی خود خارج شود و موقعیت بین‌المللی‌اش را تحکیم کند. و نزدیکی بیست که همراه با آن میتواند فرصتهایی برای تحکیم موقعیت خود در داخل کشور نیز بدست آورد. تحکیم موقعیت بین‌المللی و داخلی جمهوری اسلامی صلباً تحولاتی در عرصه سیاسی ایران سار می‌آورد که نوحه به آنها یکی از ضروریات صافه برای آزادی و سوسالیسم در کشور ماست. عناصر اصلی این تحولات اینها هستند:

۱- حجاج رادیکال (یا حرباللیبی) رژیم هر چه بیشتر تضعیف میشود. تضعیف و مهار کامل جناح رادیکال بوسیله جناح حاکم نه رهبری رفسحایی و حامضایی یکی از نتایج مشهود جنگ خلیج فارس و در عین حال یکی از شرایط لازم برای تحکیم موقعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی است. صفوف حرباللیبیان هر چه در این چنین برآینده و سردرگم نموده است، با استفاده از این پراکندگی و سردرگمی، جناح حاکم می‌کوشد آنها را از تمام مواضع حساس، حکومت کنار برود. هم اکنون وزارت شدیدی بر سر آینده مجلس شورای اسلامی جریان دارد. سائله این نیست که آیا در مجلس چهارم به غلبه جناح رادیکال پایان داده خواهد شد یا نه، صا له این است که آیا همین مجلس سوم خواهد توانست تا پایان دوره ادامه یابد و زیر نفوذ جناح رادیکال ناتی ماند؟ مهار جناح رادیکال در "نهادهای انقلاب" و مخصوصاً در نیروهای مسلح رژیم اکنون دیگر بدون مقاومت بیش می‌رود. و جناح حاکم می‌کوشد در تمام عرصه‌ها آشنی طلب جناح رادیکال را از عناصر سر سخت و ستیزه جو تفکیک کند و اولیها را سوازد و دومیا را به "مد مالی" سپارد.

۲- سرخوردگی وسیعی در میان باسهای

احتمالی جمهوری اسلامی در جریاست که ما حا انتادن سباسبهای جدید رفسحایی، دامه مار هم سنتری پیدا خواهد کرد. بخشی از انتشار مانیی جامعه که گول عوام تریبی‌های "مستضعفان" ناهاهه جمهوری اسلامی را حورده بودند. بعد از تحمل فشارها و بندسحیهای زیاد اینک نرمی‌یاسد که نظام اسلامی یوشخی است برای بدترین نوع بهره کشی طمقانی. گسترش این سرخوردگی حادثه مهمی است که احتمالاً به رودی بارتابهای آرا در صحنه سیاسی کشور مشاهده خواهیم کرد. ماند نوحه دانسه ناشیم که ما تکیه بر همین بخش ترب حورده انتشار نهیست جامعه بود که جمهوری اسلامی سکوشید در صفوف کارگران و رحمتکشان نرفد بیراكد و از فطم بندی طمقانی حامد حلوکبری کد. در یروزه سال گذشته یکی از مشکلات حسر انقلابی کشور ما مقلبه ما تترقیای بوده که جمهوری اسلامی در میان طمقات زحمتکش بوخود می‌آورده است. هر چند در جریان جنگ ایران و عراق ما سرخوردگی و نرسودگی حسر وسیعی از نابگاه اجتماعی رژیم در سن طمقات رحمتکش، قدرت سیج و مایور آن شدت کاهش یافته بود، ما ابهمه بحضی از آنان صحنان از رژیم حمایت می‌کردند و اکنون حتی علف ماندبترین بخشهای ترب حورده سیر در می‌یاسد که رژیم فقط بصواب گوشت دم نوب در جنگ و جانی سرکوب در داخل کشور. از آنها استفاده کرده و حالا دیگر بیاری به آنها ندارد. رهبران جمهوری اسلامی برای مقلبه ما عوانت این سرخوردگی حزباللیبیان ناگریزده محاری کنترول شدهای برای میان و بروز گرایش آنها بوخود آورد. بریا بخوبی مسادد که اگر این سیرو تربیون قانونی کنترول شدهای برای بیان نارضاای خود در اختیار نباشته باشد، می‌تواند در مسیر رویارویی‌های انتحار آمیزی ما رژیم ببنفد. در اسجاست که رمبد ساعدی برای بک رشته فعالیت‌های علی بوخود می‌آید که بیسروان حسر کارگری سیر می‌توانند از آن بهره برداری کنند.

۳- تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی و تشح زدائی سسی در رابطه آن ما کشورهای عربی می‌توانند بر بیروه‌های ایورسیون اثر بگذارند. حربانهایی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی فعالیت میکنند، مسلماً سن از همه ریر فشار تراز میگیرند و حربانهایی که تا کنون ماها محتلف در پی آشنی ما جمهوری اسلامی بوده‌اند ما صراحت و وقاحت بیشتری در این سیر بیش می‌رود. مخصوصاً اگر رهبران رژیم برای بزرگ کردن حوره آن در صحنه بین‌المللی، از فشار تا کوسشان بر رندگی عربی مردم نگاهند، خواهند توانست حربانها و عناصر متزلزل و فرصت طلبی را که در یکی دو سال اخیر برای نزدیکی به رژیم سیر تری رده‌اند. ما سهولت به همساری ما رژیم و حتی حماست از آن نکشانند. در حسین شرایطی مسلماً سروهای انقلابی

و جب سن از بیس ریر فشار تراز خواهند گرفت و مانداری در مبارزه علف جمهوری اسلامی از طرف همه آبهایی که حسین صاورضای را ماسی بر سر راه آشنی ما رژیم تلقی میکنند. نحت عنوانی محکوم کنند و شحاتت آسیر. ریر حطه تراز خواهد گرفت.

۴- ادامه آزادی کنی. همراد ما سارمانحضی‌ها هزار و بی سائفه بهره کنی سرمایه داری بوسط جمهوری اسلامی. صنواست کنسرت صاورزات و حواسنهای مطالبانی طمق کارگر و عموم رحمتکشان را در بی نداسند ماند. این صاورزات و حواسنهای هر چند در کوتاه مدت نتواند گامی‌یوسد. بی تردید کنسرت خواهد ماند. حسر حد ما تنها در بطی حسین صاورزاتی صنواست رستاحر خود را مار ماند. ما کارگران و رحمتکشان در آمد و مد بیرجم رهائی آنان ننیدل شود. صاورزات رشد دوامدن در ستر این سگن اقدام و ازاده رهائی حسر نودهای اولویت بی حور و حرای ماست.

دس یکی از نتایج جنگ خلیج فارس مطح شدن حقوق طی خلقی کرد و حماست وسیع بین‌المللی از حسر طی کرده‌است. هر نحولی که در حسر خلقی کرد بوخود آید مسلماً به عراق محدود نخواهد شد و در کردستان ایران و ترکند سیر اثر خواهد گذاشت. ما نوحه بهیسی وضعست بود که دولت ترکند که تا کنون فاسسنی‌ترین برخورد را ما حسر خلقی کرد ترکند دانسه و ما شیونای کاملاً نژاد پرستانه کرد بودن کردها را انکار و سرکوب میکرد، در کرمانکره حوران طمق فارس ناگریز شد بوضع فدسی خود را نوسر دهد و مستطفر سارود. حسر خلقی کرد در ایران می‌تواند ما استفاده از این وضعست نحرک حددی بسا کند و مخصوصاً بانه نودهای خود را کنرندسز سارود و ارناط خود را ما کارگران و رحمتکشان کرد تقوس کند و حسر نودهای هر چه وسیعتری را برای مقلبه ما آزادی کنی جمهوری اسلامی سبج کند. گسترش بیوسد میان کارگران و رحمتکشان خلقی کرد و کارگران و رحمتکشان سراسر کشور و حلب حماست هر چه وسیعتر نودهای از حق طی خلقی کرد. بی تردید یکی از اولویتهای اصلی حسر حب ایران است که بی نوحی به آن حر بنت ما ردن به اصولبنیای دمکراسی در کشور ما معنای دیگری خواهد داشت.

در رویارویی ما این تحولات، حسر حب ایران حه منواند و ماند بکد، تردیدی سست که تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی حر ادامه احتتانی و سرکوب معنای دیگری ندارد. بوخودست جمهوری اسلامی ما هر نوع دمکراسی و آزادیهای سیاسی صاورزات است و رهبران آن هر قدر دست نارتزی دانسه باشند. ما کساحی سنتری اسناداد قلمحی را سن خواهد راند. آنها سبتر از هر کر دیگر بقیه در صفحه ۴

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

## رفیق ابراهیم نجاران دنباله از صفحه ۲

بیت شکوفا شد و او نشان داد که در شرایط سخت سرکوب سیر انقلابی تواناست. او در هر فعالیت ریز و درشتی که امکانش را صیانت تعالیه شرکت محبت در سازماندهی نیروها، وصل مجدد رفقای قطع ارتباط ندهد، شعار سوسی. بخش اوزاق تلفیقی، ارسال اعلامد و نرسد به منطقه و با هر فعالیت دیگر. و در کنار همه اینها معاون کارگر کارمیکرد. شعارهایی که رفیق با خط رباش در محلات رحمتکوشی کرج پیوسته است سالها پس از آن هم حنان بر روی دیوارهای این محلات به چشم محدود. در اوایل سال ۶۱ رفیق ابراهیم در همکاری با دیگر نیروهای انقلابی منطقه موفق به انتشار جیرانهای نحت عنوان "حیر نامه کرج - تروین - زحان و طالقان" شد که از کار آئی خوبی برخوردار بود. تمام اینها در شرایطی صورت میگرفت که به علت حساسیت پلیس او بصورت محلی زندگی میکرد و محدودیتهای زیادی برای بشیرد فعالیتش داشت و به همس علت محبوب سد مدنی فعالیت خود را تسخیر دهد. همراه ما بعد پیویولسم در سازمان و سختگیری کارگری رفیق ابراهیم محدود در یکی از محلات کارگری کرج مستقر شد. در این دور او قادر شد بعنوان سازمانگری توانا و موفق با نودمهای مردم در آمیود و مبارزاتشان را سازماندهی نماید. وی با شرکت در تشکیلهای مختلف. با ارتباط گیری وسیع و با تلاش در جهت حل مسائل و مشکلات و خواستههای مردم محل بروی تبدیل به یکی از چهرههای محبوب و مورد اعتماد آنان شد. با وجود آنکه مدت کوتاهی از سکونتش در محل نگذشت مخابرات دلسوری، محبت و همپارشی که سست به مردم نشان میداد خابنیش محل رفت و آمد و مراجع اهل محل برای حل مسائل و مشکلات شخصی و اجتماعیانشان شد. از کارگر. راننده، سرباز محبو شوای محل، گردانندگان معاومی و تیرد برای صحت و همفکری به وی مراجعه میکردند. در این مدت او نواست حرکات موبری را در راستای خواستههای مردم. تشنگ بانی و مبارزه با افعال نفوذ حاسوسان رژیم در محل سازماندهی نماید و همراه با این. رفیق کمترین امکان برای گسترش ارتباط را کارخانجات مطلق را از دست میداد و بیسی دتل همشد در جریان احبار و مسائل تعداد قابل بوحیی از کارخانجات مطلق بود و در جهت سازماندهی سازمان کارگران این کارخانهها بستریی تلاش را عمل می‌آورد. رفیق ابراهیم در تابستان سال ۶۱ ازدواج نمود. همه کسانی که با رفیق ابراهیم فعالیت تشکلات، دانشمند او را رفیق سر رنده. با نشاط. مصمط و با شنگار افتخارند. یکی از رفقای نحت مسئولترین مکتب هر وقت او را می‌بسم روحه عالی و با نشاطی کی در من تاثیر مکنارند و به من روحه مسخده. او سازماندهی توانا. در تشکلات شهر کرج سازمان بود. حساسیت و دقت رفیق در رصد مسائل امنیتی یکی از

## برای رویارویی دنباله از صفحه ۳

مدانند که میدان دادن به آزادیهای سیاسی مقدمه سرکوبی ولایت فقه است. از این رو تا جمهوری اسلامی با برحاست دمکراسی و حقوق سر در ایران لگندال خواهد شد. سر تا جمهوری اسلامی با برحاست، مبارزه طلبه آن و برای سرکوبی آن شرط مقدم و حسانی مبارزه برای حق حیات و حاکمیت مردم در کشور ماست و یابداری و بیگیری در این مبارزه وظیفه مقدس و نخطی نابدیر حسن کموستی و کارگری ایران است. وظیفهای که هر قدر شرایط. مبارزه دشوارتر گردد و مداخلان درونی دمکراسی و حقوق بشر با وقاحت بیشتری در پی آئنی تا جمهوری اسلامی باشد. بر اهمیت و ضرورت آن افزوده میگردد. حسن کموستی و کارگری تنها در صورت بگیری در مطلق مبارزه برای سرکوبی جمهوری اسلامی و تاکید بر اصولیتهای مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم میتواند به تحمید سازمان خود بپردازد.

استادگی و بیگیری در اصولیتهای مبارزه انقلابی معنای بی نوجهی به امکانات و فرصتهای فعالیت غنی سست. هیچ حسن انقلابی بدون استفاده از حسی امکانات و فرصتهای نمیتواند با باید احتمای خود در آمیود. همانطور که گفته شد کنش سازمانزات و خواستههای مطالبانی کارگران و رحمتکشان و ناگریبهای رهبران جناح مسلط رژیم در مقاله ما جناح مقابل، به احتمال زیاد. امکانات و فرصتهای وسیعی برای گسترش فعالیتهای علمی و سمد غنی عناصر انقلابی بوجود خواهد آورد. با تمام نیرو و مشیونای سنجیده باید از این فرصتها برای گسترش سازمانزات توده‌ای کارگران و زحمتکشان و بالا بردن آگاهی سیاسی آنان استفاده نمود. حسن ما ضمن بابداری بر اصولیتهای خود و بدون غلغله به فرصت طلبی و سارشکاری باید از همه امکاناتی که بوجود می‌آید و از کوچکترین محاری فعالیت علمی سشتری بهره برداری را بکند. ما بی از هر چیز به در آمیختن ما باید احتیاتی خود بیار داریم و بدون استفاده از این محاری در آمیختن ما حسن و سازمانزات واقعی طیفه کارگر مردم امکان نابدیر است.

هر چند در کوتاه مدت فشار رژیم بر حسن حد و تمام حرابهای انقلابی ممکن است افزایش یابد. ولی حسن ما میتواند با تکیه بر سه اصل این فشارها را با سر بلندی سخت سر بگذارد و خود را برای سازمانزات گسترده‌تر تجدید سازمان بدهد. این سه اصل عبارتند از: استادگی بر اصولیتهای مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم؛ در آمیختن هر حد وسیعتر ما طیفه کارگر و عموم رحمتکشان در جریان گسترش ماسده سازمانزات و جوانیهای مطالبانی روبرو آمان؛ بهره برداری هرحد وسیعتر از فرصتها و امکانات فعالیت علمی برای گستراندن بیوند ما باید احتمای. فراموش نکنیم که آرمونیهای دشواری در پیش است و حسن حد ما گذشتن از این آرمونیهاست که میتواند بار دیگر به برحصدار اصلی دمکراسی و رهائی مردم ایران تبدیل

نست عمومی کمیته مرکزی سازمان در اسفند ماه ۶۹ برگزار شد. در این نشست فعالیت سازمان در هشت ماه گذشته؛ مسائل سیاسی مهم، مخصوصاً نتایج و آثار جنگ خلیج فارس در عرصه سیاسی کشور؛ مسائل تحدید سازماندهی نیروهای سازمانی متناسب با نیازهای دوره جدید مبارزه؛ مورد بررسی قرار گرفت و سیاستهای لازم اتخاذ شد. قطعنامه‌های زیر از حلقه مصوبات نشست عمومی کمیته مرکزی هستند که جهت اطلاع عموم، بطور علنی انتشار می‌یابند. دبیرخانه کمنه مرکزی سازمان  
فروردین ماه ۱۳۷۰

## قطعنامه در باره جنبش کارگری و دوران بازسازی

### قطعنامه در باره نشریات سازمان

برای تسهیل تدارک و دستیابی به بختگی کافی در موبه‌گیریهای سازمانی و برای آنکه هر مطلب مطرح در نشریات سازمانی، خودمحدود نمید نشکلائی، برای تمام اعضای سازمان مبارز و همحسین برای فعال کردن تلاشها و ابتکارهای نظری در سازمان؛ کمیته مرکزی لازم میداند مطالب مطرح در نشریات سازمانی بطریق زیر مشحون و از هم متمایز شوند:

الف - نصیحتات، ساستها و رهنمودهای سازمانی در حوزههای مختلف، عموماً با اعضای ارگان تصمیم‌گیرنده انتشار یابند.

ب - مطالب سیاسی اضافی در نشریات سازمانی، باین کسند؛ نظر شورای بوسندگان یا هات سرسری نشریه تلقی شوند.

ج - تمام مطالبی که در ترویج و توضیح نصیحتات، ساستها و رهنمودهای ارگانهای سازمان با عنوان تدارک در حجت تدوین و اتخاذ آنها نوشته میشوند با اعضای بوسنده انتشار یابند.

د - صفحات ویژه‌ای برای انعکاس نظرات اعضای سازمان، فعالان جنبش کارگری و طرفداران همکارسی و سوسالیسم در نشریات سازمانی گشوده شود و با استفاده از همکاری قلمی همه آنها، تلاش شود در نشریات سازمان ما تریبون آزاد و فضای مساعدی برای مادلند تمام طیف اندیشه‌های پیشرو فراهم گردد.

ه - برای ارتباط فعال با جوانان، صفحه یا صفحاتی برای درج نامه‌های آنها گشوده شود.

زحده سازماندهی سدهای (د) و (ه) معبده؛ شورای بوسندگان با هات سرسری هر يك از نشریات خواهد بود که اهداف این قطعنامه را متناسب با اولویتهای تعیین شده و امکانات مالی و منی هر نشریه عملی سازند.

۱ - با آغاز دوران بازسازی، جنبش کارگری مرحله بویی از تکامل خویش را در کشور ما آغاز میکند. مهمترین تعبیر در این دوره نسبت به سالهای قبل، گسترش تولید و باان تضعیف طبقه کارگر و انحلال بخشهای پیشرفته و منورکز است. همراه این تغییر، رمیندهایی اقتصادی (فردینتر شدن صفوف طبقه کارگر و برجسته‌تر شدن نقش آن در جامعه و تحولات اجتماعی، فراهم میگردد.

۲ - آغاز دوران بازسازی، در عین حال به معنای تشدید استثمار کارگران و بار تولید تمام منابع تخریب شده برپایه شلاق کش نمودن آنان است. تضعیف بخش منورکز صنعت طی ده سال گذشته، ارتش ذخیره کار در اعداد چند میلیویی، رشد لجام گسیخته جمعیت و فقدان تشکیلهای سراسری طبقه کارگر، بنترین زمینه را برای پیشبرد این سیاست از سوی سرمایه داران و دولت حامی آنان فراهم میسازد.

۳ - تشدید استثمار کارگران در شرایط گسترش تولید، طبعاً جنبش مطالباتی کارگران را دامن خواهد زد. بنابراین دوران بازسازی، دوران گسترش جنبش کارگری نیز می‌باشد. اگر حد این جنبش از مطالباتی چون افزایش دستمزد یا کاهش ساعات کار، آغاز میگردد، اما در ایران نیز همانند سایر کشورها، مهمترین دست آورد آن، پی ریزی تشکل صنفی - طبقاتی کارگران در ابعاد سراسری، میتواند باشد.

۴ - از سرکوب سال ۶۰ بایسو، برپایه زایش مداوم سل جدیدی از کارگران پیشرو در طبقه جنبش کارگری، تشکیلهای توده‌ای کم و بیش پایداری در سطح واحدهای تولیدی، باتوقتهای کارگری و میدانی کار شکل گرفته‌اند که در مرحله جدید مبادد ممانه اهرمی برای عبور به سطح بالاتری از تشکل صنفی - طبقاتی و بهم بیوسن اجزا؛ برآکنده کبوسی کار گرفته شود. عبور به سطح بالاتری از تشکل و اتحاد، نه تنها برای تکامل جنبش کارگری، بلکه برای تداوم حیات همین نطفه‌های مجزا سیر ضروری است. با توجه به تجربیات تا کنونی جنبش، در مرحله کنونی، اولین قدم بسوی تشکل سراسری کارگران، سازمانیابی کارگران هر رشته در سطح مناطق تولیدی معین میباشد. اگر حد بنا به دلایل ویژه، استثنائاتی را بر این قاعده میتوان مشاهده نمود.

۵ - دوران بازسازی، به معنای پایان سرکوب جنبش کارگری نیست. بنابراین توجه به اشکال مناسب سازماندهی برای خنثی سازی سرکوب همچنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محافل کارگران پیشرو همچنان ستون فقرات تشکیلهای کارگری محسوب میگردد و ما باید بیشترین تلاش را بر گسترش رابطه ما محافل کارگری منورکز ممانیم. هسنمهای مخفی کارگری تنها بر رأس جسی محافظی منبواند معنا یابند و عطلگرد واقعی خود را در جهت سازماندهی جنبش کارگری به احكام رسانند. در عین حال این محافل میتوانند نقطه تلاقی کارگران صنفی با کارمندان حر؛ ممانه بخشی از طبقه کارگر و به همین ترتیب روشنفکران انقلابی، باشند؛ از این تماس و رابطه طبعی باید در جهت ارتقا؛ سطح آگاهی و کیفیت جنبش کارگری بهره‌برداری نمود.

۶ - دامن رن به فعالیت عملی در شرایط کنونی، یکی از ضروریات حیاتی گسترش و سازمانیابی جنبش کارگری است. تشدید تضادهای درونی رژیم اسلامی

و تلاش سردمداران رژیم برای حلگیری از سرخوردگی توده حرساللمهان از طریق تحمل انتقادات و طرح مطالبات آنان در محازی کنترل شدتای جوی "خاند کارگر" و امثال آن، رصنه مساعدی جهت گسترش فعالیت عملی بوجود می‌آورد که مشروان کارگری منبواند از آن بهره‌برداری ماسد. بنابراین صصی تاکید بر اصولیتهای جنبش و بدون غلبیدن به سازشگری و سیر رعایت مخفی کاری در سطوح بالاتر تشکیلهای و محافل کارگری، باید بیشترین استفاده ممکن را از چنین فرصتهایی در جهت گسترش دامنه فعالیت سازمانگرا نه عمل آورد.

۷ - گسترش امکانات فعالیت عملی، انعکاس مطالبات و انتقادات کارگران در ارگانها و مطبوعات وابسته به رژیم و بالاحرد تصویب قانون کار. تصویب قانون بیمه بیکاری و افزایش حداقل دستمزد اسمی کارگران - طریعم افت سسی در حرکات انضباطی و اعتراضی کارگران تحت تاثیر بحران خلیج فارس و نسیر نیارن قوا به بقع رژیم اسلامی - آشکارا بیانگر برجسته‌تر شدن موفعت طبقه کارگر در معادلات سیاسی و ظرفیت بویی است که در شرایط کنونی، جنبش کارگران از آن برحویز دار است.

اول ماه مه فرا میرسد. اسناد اما در شرایطی کاملاً متفاوت با گذشته به استمال این روز میرویم. مهمترین تغییراتی که در شرایط کومی مستقماً بر جلوگیری برگزاری مراسم اول ماه مه تاثیر میگذارند عبارتند از: اولاً پذیرش رسمی روز اول ماه مه سنوای روز کارگر از طرف رژیم ولایت فقه که با تصویب قانون کار این رژیم صورت گرفت. این پیروزی بزرگ برای جنبش کارگری، طعناً امکانات تازمائی در رابطه با برگزاری هر چه با شکوهر این روز توسط کارگران فراهم می‌آورد. ثانیاً تشدید اختلافات درونی جناحهای رژیم اسلامی، حذف جناح حرسالله از مواضع اساسی حکومت و تدارک برای حذف بهائی و تمام و کمال آن باعث گردیده که

اساسی برخوردار است.

اما برای برپائی چنین اقدامی، همکاری گسترده محافل کارگران پیشرو در تمامی رشتههای تولیدی ضروری است. اگر در سالهای گذشته، عمدتاً کارگران متعلق به یک واحد تولیدی یا یک صنف معین مراسم اول ماه مه را برگزار میکردند. در شرایط کومی باید به عبور از سطح احزاب پراکنده اقدام نمود و اساس کار را بر بهم پیوستن بخشهای مختلف کارگران قرار داد. ما توجه به مواسمی که بر سر بهم پیوستن کارگران واحدهای تولیدی قرار داد، در حال حاضر مناسبترین کاتال برای بهم پیوستن کارگران و برپائی جمععات گستردهتر، بهره برداری از امکاناتی است که در رابطه با سندیگهای

تراز کرده و ما جلب همکاری آنان صفوف جنبش کارگری را تقویت نماید.

اول ماه مه، اما، تنها در برگزاری مراسم از طریق تجمع یا تظاهرات و غیره خلاصه نمیشود. جشن همستگی کارگران در عین حال روزی است برای تعیین برنامه آتی سازنده، ارائه پلاتفرمی برای جنبش کارگری طی سالی که پیش روست، اهدائی که باید برای آنها خنکید و برای دستیابی به آنها دست اتحاد بیکدیگر داد. بدین ترتیب بخش مهمی از تدارک برگزاری اول ماه مه تعیین شعارها و مطالباتی است که با انگشت گذاشتن بر کمبودترین مسائل توده کارگر اولاً تعداد هر چه بیشتری از آنان را به اقدام متحد فرا میخواند و ثانیاً اراده

## اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران را هر چه با شکوهرتر برگزار کنیم!

ارگانهای واسند به این جناح هر چه بیشتر استناد از ساستهای جناح مصلط را تشدید نمایند. انعکاس این مسئله در قالب فعالیتهای نهادهای چون خانه کارگر و تعدادی از شوراهای اسلامی در محیطهای کارگری منتهیست که ربهه سیاسی برای گسترش فعالیت تملنی بشروان کارگری فراهم نموده است. بدین ترتیب، ما توجه به دو عامل فوق میتوان گفت که در مقطع کومی میتوان با تدارک حسابشده و با هشیاری تمام، برگزاری مستقل مراسم اول ماه مه را در اسعادی گسترده و در سطح یک اقدام تودمائی کارگران سازمان داد و به رژیم تحمیل نمود.

برگزاری مستقل مراسم اول ماه مه بطور تملنی البته اقدام تازمائی نیست. بررسی تحربه جنبش کارگری طی سالهای اخیر بیانگر این مسئله است که کارگران در این زمینه گامهای بزرگی به پیش برداشتهاند. چه در فرون کارخانجات و چه در سطح بانوقهای کارگری منعلی به صوف مختلف. برگزاری مراسم اول ماه مه دیگر امری عادی و بیش با افتاده است. کارگران چندین سال است که در جمععات خویش که تعداد شرکت کنندگان در آن گاه در مواردی به چندین هزار تن میرسد است، اول ماه مه را بطور مستقل جشن میگیرند و مطالبات خویش را طرح میکنند. طعناً هر گاه این تجربه را بر آشن امکانات جدید در نظر بگیریم. تصور یک اقدام گسترده برای برگزاری مراسم مستقل و تحمیل آن، به تنیا بلند پروازی با ماحواحوئی نیست، بلکه ضرورتی است که برانه روند رو به رشد جنبش کارگری خود را می‌نماید. اهمیت سازمانداندن جنبش اقدامی در حال حاضر بویژه از آنروست که، بی از پذیرش رسمت اول ماه مه از سوی رژیم اسلامی، دیگر به ندر برگزاری مراسم اول ماه مه بلکه حفظ استقلال جنبش رسمی از احمیت

صوف ما بانوقهای کارگری وجود دارد. میتوان بانوق معنی را که فضای کافی برای تجمع کارگران چندین بخش را دارد در نظر گرفت و کارگران واحدهای تولیدی مختلف را برای شرکت در مراسم اول ماه مه به آنها دعوت نمود. با اینکه کارگران چندین بانوق و کارخانه را که هر کدام جداگانه مراسمی برگزار میکنند، ترغیب نمود که برای تیریک حسن همستگی سمت بانوق مورد نظر حرکت کنند و در نتیجه یک تجمع بزرگ کارگری حاصل گردد. اسکد این حرکت و تجمع چه شکلی به خود بگیرد آیا احازده قابوسی و به اصطلاح نمت شده دارد یا نه صائلی است که در جریان سازماندهی جنبش حرکتی متواحد حل گردد. تنها میتوان سفوق و احتمالات متعددی را برای سازماندهی بهتر و موثرتر جنبش اقدامی در نظر گرفت و احاطه کامل به تحریبات تملنی در رابطه با برگزاری اول ماه مه داشت تا واکنش مناسب ما هر حرکت از سوی کمیته یا جمع برگزار کننده انجام شود.

در رابطه با همکاری محافل کارگری باید به دور از هر گونه تعزفه افکی عمل نمود و خواهان همکاری تمامی محافل کارگری که طعناً هر کدام متعلق به گرایشهای مختلف سیاسی، فرهنگی و مذهبی هستند، شد. برای گسترش دامنه اقدام متحد کارگران در اول ماه مه، همحسب باید به این واقعیت توجه گردد که محافل کارگری واسند به حرساللهان، بی از تحولات سیاسی تازمه و اختلافات نیرویی رژیم، هر چه بیشتر توجهات سانش خویش را از دست مدهند و به سگر اصلی خود باز مگردند. بنابراین تا آحاثی که این محافل از مواضع ازنحائی خود دست برمدارند و از کلیت رژیم اسلامی و از رهبران فاشستی خویش محتشمیها و کروبویا روگردان نشوند. کارگران پیشرو نیز باید دست دورسی و اتحاد بسوی آنان

بیکارچه آنان را در حمت کس این مطالبات به نمایش مگذارند.

اما مهمترین مسائل در حال حاضر کدامند؟ قبل از هر چیز مسائل مربوط به برگزاری روز اول ماه مه باید مد نظر قرار گیرد و بهانه شعار محوری این روز تنظیم گردند. این واقعیتی است که تا همین دیروز، رژیم اسلامی تلاش مذبوحانهای را برای حلوقیری از جشن همستگی کارگران جهان، انجام میداد. بیش از یک دهه، سردمداران رژیم سعی کردند حدا و زنبور را نیز در زمره کارگران محسوب نراند تا شاید هویت طقاتی کارگر را انکار نمایند. بر همین مناس از پذیرش روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) بهانه تعطیل رسمی کارگری سرپار میدادند. دقیقاً همان مسیری که رژیم منهور بیلوی سیر مدهنها در آن گام برداشته بود. از همین رو شعار اصلی ما در رابطه با این روز عارتیویدر تعطیل کار، تحریم مراسم فرمایشی و تجمع مستقل کارگری، امروز اما، وضع بگونه دیگری است. ققهای حاکم بیاز دوازده سال تلاش مذبوحانه، عقب نشسته و سیاق شاه گور نگور شده. سرانجام روز اول ماه مه را بهانه تعطیل رسمی کارگری مذبرفتنادند. بنابراین شعار تعطیل کار از این پس نمیتواند در زمره شعارهای محوری ما قرار گیرد. شاید در برخی از واحدها، مدیران با استفاده از نیاز مالی کارگران با پیشنهاد اضافه کاری و امثالهم از تعطیل کار سرپار زسند. اما روشی است که کار احضاری در این روز مانند سالهای قبل نمیتواند مطرح باشد و هرگاه کارگران مایل باشند میتوانند از کار سرپار بزسند. اما در مقابل این عقب نشینی، سردمداران رژیم تلاش خواهند کرد از طریق برگزاری مراسم فرمایشی ما هویت مستقل کارگری به حداقل برحیرد و آرا انکار نماید. بنابراین است که

## نزاکتهایی از سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر) به مناسبت سالگشت اول ماه مه

### کارگران!

در صد و پنجمین سالگرد اول ماه مه برای مبارزه در راه افزایش دستمزد متناسب با تورم بیمه بیکاری برای تمام بیکاران و آزادی تشکل و اعتصاب متحد شوید!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

کارگران! رژیم ولایت فقیه پس از شکست مفتضحانه در انکار هویت طبقاتی شما و پذیرش روز ۱۱ اردیبهشت بعنوان روز تعطیل کارگری، همچنان با جلوگیری از تجمع مستقل شما برای بزرگداشت جشن همبستگی، هویت طبقاتی شما را انکار خواهد کرد.  
در اول ماه مه امسال با تحریم مراسم فرمایشی و برپائی گستردهترین تجمع مستقل خود از هویت و منافع طبقه خود دفاع کنید!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

### کارگران!

در سنگر مقدم مبارزه علیه استبداد و استثمار از کارگران اخراجی از کارگران مبارز زندانی از زندانیان سیاسی و خانوادههای آنان حمایت کنید!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

کارگر پراکنده هیچ است و کارگر متحد همه چیز!  
کارگران! با برپائی هر چه با شکوهتر جشن همبستگی در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) امسال، تلاش پیگیر خود را برای دستیابی به وحدت گسترده و پی ریزی تشکل آهنین خود به نمایش بگذارید.  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

### کارگران!

برای مقاومت یکپارچه در برابر جبهه متحد رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران، برای پایان دادن به اختناق، بیکاری و فقر، برای تامین حق تشکل، بیمه بیکاری و آزادی زندانیان سیاسی جبهه واحد کارگری تشکیل دهید!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

طبقه کارگر از زنان و مردان تشکیل میشود.  
بدون مبارزه متحد و یکپارچه کارگران مرد و کارگران زن، علیه استبداد و علیه سرمایه داری، اتحاد یکپارچگی طبقه کارگر ناممکن خواهد بود.  
پس مردان و زنان کارگر متحد شوید!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

طبقه کارگر تنها مدافع بیکار حق تعیین سرنوشت خلقهاست،  
و از مبارزه همه خلقهای ایران برای خود مختاری دفاع میکند.  
پرتوان باد همبستگی طبقه کارگر ایران با مبارزات ملی همه خلقهای ایران!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

روز جهانی کارگر، روز تشدید مبارزه علیه استبداد و استثمار است.  
کارگران! جشن همبستگی اول ماه مه را به روز تشدید مبارزه در راه دستمزد بیشتر، ساعت کار کمتر، بیمه بیکاری برای همه، کار برای زنان، و آزادی تشکل، اعتصاب و بیان تبدیل کنید!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)

# جهان

## نگاهی به رویدادهای مهم ماه

### فاجعه اجتماعی در آلمان شرقی

احبا' مساسات سرمایه‌داری در آلمان شرقی سر از وحدت دو آلمان طیبرعم امکانات محصر بترد آلمان غربی این باصطلاح"مبیر اقتصادی اروپا" فاجعه اجتماعی همه حاسنای را در بحر نرمنی آلمان متحد آوریدد است. سگری اکون ۳۰٪ سروی کار"شرفیا" را شامل مشود و براساس برآورد کوشناسان تا ناستان سگری احتمالا به ۵۰٪ رند خواهد بافت. اگر در سال گذشته بحر قابل نوحی از شهروندان شرق سابق شمار دطخ از کپل را سر میدادند اکون اعنصانات و مظاهرات کسترده بحر شرقی آلمان را فرا کردند. دبسمسختای لاسیرک در مخالفت با انثلاف حاگد براه اناده و سکه حشمکی و بیکار ناسزاهائی بطیر"دروفتکو" و"حوک"نثار صدر اعظم میکنند!

بخر سنجیهای حدید نشان میدهد که تقریبا سد چهارم سگند آلمان شرقی و صفت شهروندان آلمان غربی از کپل سرخورده شدهاند. برخلاف وعدههای نل از استخانات نوسط انثلاف راست حاگم که وحدت دو آلمان هرینه و فشاری برای مردم غرب در بر خواهد داشت و مجموعه هرینه آن ۱۵۰ سلنارد مارک خواهد بود. اکون اقتصاد دانان جناح حاگم بهیان میکنند که هرینه وحدت سر به ۱۰۰۰ سلنارد خواهد زد و مردم آلمان غربی ماند از طریق افزایش مالیاتها بهای آرا بپردازند.

بهشت سرمایه‌داری آلمان غربی دوزخ بیکاری و سقوط سطح زندگی را نصیب مردم"آلمان شرقی" سانغ موده است. آنها که در خیال آب دروازه امپراطوری مارک را کشودند اکون سراب را هر روزه آرمن میکنند. اضطراب و نگرانی هولناک دانشی برای تردادگی که صاحبان حدید اقتصاد شرق حکم بیکاری آنها را صادر کنند. اما حوانههای آگاهی در بطن انتراصات، مظاهرات و اعنصانات در حال بطفه سنن است. روانشناسی تودهای طلبه صدراعظم که جرحش حریت آوری را نشان میدهد بهترین گواه این خفت است.

### تلفات انسانی جنگ خلیج فارس

مجموع ۱۳۶ نفر و سعداد گمشدگان در حین عطبات ۵۶ نفر است. ما توجه باسگد بحر اعظم تلفات سربازان عراقی در مزارمهای هوائی صورت کردند است. شمار تلفات سیر نظامان عراقی در مزاران کسترده حی و سد روره عراقی قاعدتا باید حد برابر این رقم باشد. نظامان امریکائی در رورههای جنگ منعی بودند که در کوسدن سورههای عراقی از سببهای باصطلاح"اسمارت"استفاده میکنند و هدنگریهاسان کاملا دنیی است و بنابرین سیر نظامان سسار کم از مزاران سیرهها و آبادیهای عراقی آسیب می‌سند، ولی حالا آنها انتراف میکنند که ۷۰ در صد سببهای که بر خاک عراق ریختند به حدت بحوردهاند و سببهای"اسطراب"فقط ۷ در صد مجموع ۸۸۵۰۰ نفر سبی را تشکیل میدهند که در این جنگ موبد استفاده قرار گرفتند. سانه محاسد زبزال طمسک از برماندهان سروی هوائی آمریکا ۶۲۱۳۷ تن از سببهای که در جنگ خلیج موبد استفاده قرار گرفتند به حدت اصابت بگرداند اند بقل از رورناده واشگتس بست ۱۹ ماری ۱۹۱ ما نوجه به این ارقام وحشتناک مینوای بریادت که تلفات اساسی جنگ خلیج فارس حد اعداد فاحسد باری داشته است. ما وجود این آرا شادامای دولتیای غرب دربارد شمار اسلک کنند سدگاشان در جنگ خلیج فارس، وانعا بترب انگیز سس!

ساسوری که"دمگراسیهای غربی"در جنگ خلیج فارس بر دسا نحسین کردند به لحاظ اعداد جهان سمول آن در تمام تاریخ اساسی بی سافند موبد. ار برکت اس ساسور، مردم دسبا سهور هم از اعداد تلفات انسانی جنگ بی اطلاع هستند. در رورههای جنگ، آمریکا و متحدان آن به بیاند حفظ اسرار نظامی بکذاشند مردم دسا بجهسد که آنها ما مردم عراقی حد میکنند و اکون که جنگ تمام شده است. آنای که ما مزاران تمام ریر سبای اعنصادی عراقی. مردم اس کسور را به اعطاق نرور بوردند مار گردانند، بنول خودشان. نرجح میدهند به "یوربوتراپی جنگ"نردارند. آنها فقط از اعداد تلفات اسلک خود ما شادامای سحر سکوبند جناگد کوفی گسنههای عراقی آدم سوزانند. اما نحسببهای که دربارد تلفات فقط نظامان عراقی داده مسود نشان دهمد آستند که تلفات اساسی جنگ خلیج فارس به صدها هزار کشته و محروم بالغ مینوبد. بنا به آمار نحسی که در رورناده گردین انگلیسی(۴ طری ۱۹۱) سشتر شده، شفا نظامان عراقی جنگ حسی بوده است:

حدود ۸۵ تا ۱۰۰ هزار سرباز عراقی در این جنگ کشته ما محروم شدهاند. سخی از رورنانههای براسد اس رنه را ۱۴۰ هزار نفر نحسی میزند. اعداد اسرای عراقی ۱۷۵ هزار نفر نحسی زده مینوبد. اعداد کشتههای متحدان در

### "زباله" سرانه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته نمایی از جامعه مصرفی و انباشتن زمین با "زباله"

ثروت این کشورها رابطه مستقیم دارد. ولی آیا لروا رفاد با رمالک سسندر باید همراه باشد.

برابر گزارش"سارمان همگاری اقتصادی و نوسد" (OECD) که هس جنگسده فعالیتهای اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری سشترند است، مجموعه رمالک خاسگی در مهمترین کشورهای صنعتی معادل ۴۲۰ سلن تیر در سال است. و اگر حجم سسار برکتر تصولات صنعتی و سیر خاسگی در این کشورها را هم در بخر بگورم متوجه حطر بزرگی حواهم. سد که از طرف این حجم اعظم رمالک منوجه محیط رست و حیات در سارده ما مینوبد. در این گزارش میزان رمالک سرانه هر کنام از کسور، به تفکک آورده شده و همانطیر که در سوادار سسسم سسمرس رمالک سرانه - ما ۸۶۴ کلو گرم به آرا هر متر در سال ضلعانی به کسور ابالات منحد و کمترین آن ما ۲۲۸ کلو برای هر متر در سال مربوط به کسور انرس است. همانطیر که ملاحظه مینوبد سسار رمالک ما میزان





## کنترل تسلیحات یا فرصت طلایی برای تسلیحات؟

یکی از وجود نظم جدید بین‌المللی اعلام ندهد در خاورمیانه مسئله کنترل تسلیحات بود که نسل از بایان جنگ خلیج فارس بوی مقامات آمریکائی با آب و تاب درباره آن سخن گفتند و سخنوار یکی از چهار پایه اصلی نظم جدید در خاورمیانه مطرح استی خلیج فارس، حل و فصل فاصله کشورهای غنی

و فقیر. حل نزاع اعراب و اسرائیل و کنترل تسلیحات! وعده آتریا سار مکروند. واقعیت این است که خاورمیانه یکی از بزرگترین و بیسوختهترین بازارهای حذب کشنده اسلحه بوده است. نگاهی به جدول زیر این ادعا را به اثبات میرساند:

مدور سلیحات به مناطق کوزاکون جهان سوم از ۸۹-۱۹۸۲ (به میلیون دلار آمریکائی)

کشورهای صادر کننده	آسیای شرقی و پاسیفیک		خاورمیانه و آسیای جنوبی		آمریکای لاتین		آفریقا (بدون آفریقای شمالی)	
	۸۲-۸۵	۸۶-۸۹	۸۲-۸۵	۸۶-۸۹	۸۲-۸۵	۸۶-۸۹	۸۲-۸۵	۸۶-۸۹
ترانس	۵۸۵۱	۵۹۲۷	۲۲۳۵۸	۱۸۱۳۸	۱۴۰۱	۱۴۸۸	۴۵۵	۴۷۲
انگلسان	۲۴۰	۸۰	۱۴۸۲۰	۶۰۳۰	۷۶۰	۱۱۷۰	۶۲۰	۴۲۰
آلمان غربی	۲۲۰	۱۳۰۰	۱۰۳۸۰	۷۷۳۰	۱۳۰	۲۰۰	۶۱۰	۲۰۰
دیگران	۲۷۰	۱۴۲۰	۱۰۵۰	۹۶۰	۴۸۰	۲۱۰	۲۵۰	۳۰
	۱۳۲۰	۶۰۰	۱۱۰۳۰	۸۵۲۰	۱۵۹۰	۱۱۸۰	۱۱۷۰	۱۲۲۰
دنیای غرب در مجموع	۷۹۲۱	۹۳۹۷	۴۱۷۸۸	۶۲۸۷۸	۲۵۳۸	۲۵۱۱	۲۷۹۲	۳۸۳۵
اروپای غربی*	۹۶۰	۲۸۶۰	۲۹۴۹۰	۱۵۱۳۰	۱۸۷۰	۱۵۲۰	۱۰۰۰	۲۲۱۰
دولتهای سوسیالیستی								
سوروی	۷۸۸۰	۱۰۲۴۰	۲۴۶۵۰	۳۴۲۶۰	۶۴۲۰	۸۷۴۰	۶۴۰۰	۹۸۴۰
چین	۱۹۰	۸۱۰	۳۶۸۰	۸۶۴۰	۰	۰	۱۹۰	۲۳۰
دیگران	۲۷۰	۲۳۰	۷۸۹۰	۹۲۹۰	۱۶۶۰	۱۲۶۰	۷۳۰	۹۰۰
دولتهای سوسیالیستی در مجموع	۸۴۴۰	۱۱۴۸۰	۵۶۲۲۰	۵۲۱۹۰	۸۱۰۰	۹۰۰۰	۷۳۲۰	۱۱۱۷۰
مجموع	۱۶۳۸۱	۲۰۸۷۷	۱۱۹۰۹۸	۹۳۹۷۸	۱۲۶۱۱	۱۳۵۳۸	۱۱۱۵۵	۱۲۶۶۲

\* مسخ، نقل شده از مقاله بتراک س ۸۲  
از مجموعه "طوفان در خلیج" زیر نظر بهمن نیرومند  
(برابر آلمانی).

\* در ابجا چهار کشور ترانس، انگلستان،  
آلمان غربی و ایتالیا منظور شده است.

حدول بالا نشان میدهد که در از ۲۱۲  
میلیارد اسلحه صادر ندهد به خاورمیانه و حوب  
آسا. در طول دهه هشتاد مجموعه مدور اسلحه  
به سایر نقاط جهان سوم تنها ۸۸ میلیارد یعنی  
تقریباً ۴۰٪ میزان صدور اسلحه به خاورمیانه و  
حوب آسیا بوده است و کشورهای مانند عراق،  
ترستان، سوریه، مصر، ایران، اسرائیل، ترکیه و  
پاکستان در رده خریداران اصلی این تسلیحات  
بودند. پس از جنگ دوم جهانی در این منطقه  
ساز از سجاد جنگ بزرگ و کوچک اتفاق افتاده که  
تقریباً یک سوم گند جنگهای پس از جنگ جهانی  
دوم است ایتال و شاح آترقا و همچنین جنگهای  
پاکستان و هند سر در این محاسبت براساس  
اطنای ما سنون مربوطه به حدول بالا منظور

شده است. پس از اروما هیچ مقطعی از جهان  
ملحوظ جغرافیای ساسی و نظامی و همحیی  
نروتهای نظم نفتی اهمیت این مطعه را ندانند و  
بهین ترتیب مورد حادثترین منازعات شرقی و غرب  
نوده است. در اسار تسلیحاتی عظمی همچون  
خاورمیانه که در آن به فقط بزرگترین نوده  
تسلحات متعارفی تسلار کنند بلکه قدرتهای  
مقطعی به انواع تسلیحات نسمنائی، موشکی،  
میکروبی و حتی هستنای نخبیر شده و با در  
ندارک نخبیرید و بر سطره حکومتیهای  
استنادی، رقابتها. قدرت طلبیا و منازعات آسیا  
شعل جنگهای حاسن براسار سبیری را برانروند  
است، سنلا گامی تسلیحات، نامودی سلاحهای کسار

حمعی. ارسب برن کامل سلاحهای اتسی،  
نسنائی میکروبی، و موشکهای دوربرد ضروری انکار  
نادیر است. در خاورمیانه ملتتاریسم همزاد شوم  
استناد، جنگ، فقر، واستگی و تنب گرد همه  
حاسب احتنائی برای نوده مردم و کشورهای است  
که اکثریت نرس به اتفاق آسیا از غف ماسکی فاحش  
سنت به دنیای شرفته در رخ هستند. اما آسیا  
انتای مقامات آمریکائی درباره کنترل تسلیحات  
متواسب وانعت دانسه ناسد. آری همقدر که  
اسلام آوردن باب صنواند وانعت دانسته ناسد.  
لنظایهای دو آتشد درباره کنترل تسلیحات لارمه  
ابجاد برده نودی بود که بر حفاظ آن ناسد  
سلاحی بربرمشانه جنگ خلیج فارس صورت مسکوت  
اما اکنون که دیوان عطی کردن وعدههای قبل از  
جنگ در میرسد معنائی "کنترل تسلیحات" یا یکی از  
ماندهای نظم جدید مقطعی آقای سوش ترمان  
مسود، یکی از واسطنهای بزرگ احصارات تسلیحاتی  
آمریکا در کنگره درباره نوده حمندی که در بش  
روی صنایع تسلیحات قرار دارد مگوند "این کنترل  
تسلحات سنت بلکه فرصت برای تسلیحات  
است".

بگر در ماه نوره در برابر گمته روابط  
خارجی سنا از ضرورت کنترل تسلیحات در  
خاورمیانه سخن نمان آورد. تواسه سر ندمال  
آمریک طرچی برای کنترل تسلیحات از طریق  
"شورای اسند" که بح عضو اصلی آن بزرگترین  
صادر کنندگان اسلحه در جهان هستند ارانه  
کرد. با اعلام موافقت سوروی چین نظر  
میرد که گوما طرح کنترل تسلیحات جدی است. این  
برخی از کارنسانان کنترل تسلیحات اوضاع خاورمیانه  
را با اروپا مقاسه کرده و خلیج سلاح احتنالی را از  
نتایج نابان جنگ سرد. به سر رسیدن رقابت دو  
ابر قدرت و حذب "حضر شوروی" در خاورمیانه و بر  
ننجد مقطعی بحران و جنگ خلیج فارس قلمداد  
مکروند. اما پس از بایان جنگ و سوروی آمریکا به  
اصطلاح "لحظه حقیقت" ترا رسد. بگر در اولیی  
سفر خود پس از نابان جنگ به خاور میانه با  
حرحش ۱۸۰ درحیای اعلام کرد که آمریکا قصد  
دارد ۱۸ میلیارد دلار اسلحه در اختیار خریداران  
خاورمیانه قرار دهد (تاسر مالی ۱۰ مارس). بگر  
برای ماسحالی مواضع قلیان که طسی آن در  
گوشیا هنوز از سس برفته بود حسین استدلال کرد  
که آمریکا نظیر کحاسه صنواند به کنترل تسلیحات  
حامعه عمل صنواند.

دنی نرس دور حدندی از صدور اسلحه به  
خاورمیانه آثار کنند است که در آن نعام صادر  
کنندگان به تاسی از بشقراولی آمریکا به رقابت  
ناهم برحاستنابند.

# در لابلای مطبوعات

## کیهان هوایی و "نگرش مادون تاریخی" راه کارگر!

کیهان هوایی . بلندگوی رزمی تریب و آدیدگش  
 جمهوری اسلامی درخارچ از کشور . در شماره ۲۲۲  
 ۲۲۱ (۶۹) بار دیگر از دست راه کارگر بلند  
 نغان آمده و طی معمول بد سهیل کوئی برداختند  
 است . کیهان هوایی راه کارگر را ۱ دور از حان رزم  
 اسلامی (سپه بد " مگرش مادون تاریخی " کرده .  
 از آنکه با وجود برسر ویکا و نزل جسمی ا ر  
 طرفداران مارکس و دست کنسید ماره ای از آن  
 از سوسائسم . راه کارگر " هور هد ما نرمنده ها  
 و ایده های کمونیستی دهدهای بخت نر بسیم  
 به سیرید و نخلل روده ادها و حریمات سیاسی -  
 انضادی میردارد و ماهیم سوه منحواهد فوایی و  
 اصول ساررد را ساند و جامعه مطلوب خود را  
 محقق ساربد " . ابرار نخب و تاسف کرده است .  
 بد نگر سوسده مانعور مخالف و سردس سا  
 سوز نر کیهان هوایی رسده است کد انگر راه کارگر  
 بد ابر اشام که هور هد ما نرمنده ها و ایده های  
 دهدهای بخت نر بسیم بد بحرت و نخلل سسل  
 روده ادها و حریمات سیاسی - انضادی میردارد و  
 کملک آنها سخواهد جامعه مطلوب خود را متحقق  
 سارد . دارای " مگرش مادون تاریخی " است بی  
 رزم اسلامی خودشان که با ادهها و خراشه های  
 بادده سسان نر نسیم بد سیاست و انضاد و  
 اجنماع مسگرده و در آستانه قرن سست و یکسم .  
 جامعه مطلوب خود را جامعه صدر اسلام نررسی  
 مکد سزاوار جه نسی است ۱۴ اگر دهده های  
 نخلل نر بسیم " مادون تاریخ " است . ۱۲  
 نر سن از نر سننه بد کجای تاریخ سلسلی  
 دارد ؟! و حسان مانس تاریخ و سهیل نرمنده حوتی  
 که باشاوت نماد سگبار مکسد . انگست و دست و  
 با قطع مکسد . با ابراد را داخل کوئی کرده ازکو د  
 نر ب مکسد با نرامس الهی اجرا سوز . اسرار ر  
 سنج و ناست مکسد که حرا ما هور بد ادهدهای  
 دهدهای نخلل نر بسیم جسده اند! انسی  
 آدمخواران نینرای تاریخ . حمان ممد و مسجدده  
 سده اند که دهدهای نخلل نر بسیم سراسان  
 " مادون تاریخ " است ! وللد که حمانه حسرت  
 حسرت !  
 اما جبری که کیهان هوایی از " مگرش  
 مادون تاریخی " راه کارگر نر روی آن ارکس  
 کداسنه و سوزان نرد انسی خود بطرح کرده است  
 اس است که سرامن کارگران انقلابی ایران نر نسیم  
 نوبان برسر ویکا و دکورگوسهای نخلل در کشورهای  
 سلوک نر و اجراء کموس و نرمنده . هور کسد  
 هور است " ما حدس و نطعت کداسنه " سارمان  
 سیاسی طغه کارگر نانی سده و سارماندهی اسس  
 طغه را وظیفه برگری خود سمار سآورد . کیهان  
 هوایی سوسد : " اس کرود همامکوبه که نرمنده

سارمانی اس سداست . هور هم کارگر را سوسوان  
 ابرار اصلی انقلاب سوسائسی سناسد " . سلند  
 کوئی از نجاج اسلامی با ابرار نگرانی از اسکس  
 راه کارگر بر هوب کارگری کارگران سنامه سلطه  
 انگست مکدارد و برای منحد ساحتی آن سوزان  
 سلطه واحد در برابر طغه سرامنده دار سلا ن  
 مکسد . کسه بد کارگری خود را ناحملنه باین هوبت  
 مننرک طقانی کارگران آنکار سسازد و سسرای  
 سی اعشار کرد هوب مننرک طقانی کارگر ان  
 ساره های سی رطی ساند از نسل اسکس " نخلل  
 در کشورهای سرفند سنان سدهد که ۰۰۰ کارخانه  
 داران با اعطای برحی سهیلات زدهی . اسس  
 سروهی انقلابی را بد حریمات محافظه کار سبدل  
 کرده اند " ۰۰۰ " ن " در غرب و سوسط برحی حریمات  
 جب نرند رهبری روضنرکان بجای کارگران  
 ندرننه و انسان نده است " ۰۰۰ " در کشورهای  
 جهان سوز هم سگجه نرند هوب مننرک نر  
 کارگر ننجده نخلل سسرای سداست ۰۰۰ " .  
 از کی تا حالا " نخلل در کشورهای سس  
 رند " و " نرسات خربایان جب در غرب " برای  
 سروز نقه حعفری و نوجه سراسان و سوسد خواسان  
 ملاک سده است . حدا سداست ! ونی هدت . نخلل  
 هوبت طقانی کارگران و کارنکی در وحدت آن ن  
 سنامه سلطه در برابر طغه سرامنده دار سانسد .  
 اسناد بد نخلل در کشورهای سرفند و نرمنده  
 حریمات حبا . اشکال سرفی سدارد ؛ ولی اگر نوسوع  
 نگرانی و حنیق سس در سس ساد . اشکوسه  
 سمدات باطل اند و سی اعشار !  
 ساری ؛ کیهان هوایی سس از اس سسجه  
 کسری ارتحاتی کد از تاکسد بر هوب کارگری دست  
 سابد کسد . حکم ارتحاسر خود را سماره کرده است  
 کد : " نرسات دهدهای احمر در کشورهای اسلامی و

جهان سوم سنان داده است که سح هوبتی جزهوبت  
 نر هکی - مدهس سستواد نسر محروم و معتسر ن  
 جاسد را مننکل ، سسجم و تهسج کد و توان آنان  
 را برای سبل به انقلاب انرون سارد " .  
 هوبت کارگری و طقانی کارگران را نخلل  
 کرد و هوبت مدهی را بجای آن سادن ، موزع  
 تازه ای نست ؛ رزم جمهوری اسلامی ۱۲ سال است  
 کد سهرو سدار ابرایی را با هوبت مدهی دستبه -  
 سدی کرده ؛ اختلافات طقانی راربر بوشن مذهب  
 نوجه و سهان کرده ؛ سرامنده داران و سهره گسنان  
 خون آشام ولی سلمان را هفناد برابر دوران سناه  
 سروز و سولدار کرده و کارگران و رحتسنان ساسه  
 خاکسار سشاده است . نکه بر هوبت مدهی سس  
 سوزان جوهر حکومت مدهی . اصلی نرین و سلسه  
 لکندهای آزادی و دمکراسی و حقوق اساسی از سلطه  
 طرف . و از مهنرین ابزارهای حمان از نظام  
 سهره کتی و سحرط ساختن کارگران از سساره  
 طقانی نر توسط رزم جمهوری اسلامی سوده است .  
 آنچه که نرسات دهدهای احمر در کشورهای  
 اسلامی و جهان سوم و علی الخمووی نجرید انقلاب  
 ۵۷ ایران و سلهای سس از آن ساس سدهد ، این است  
 کد نوسل به هوبت مدهی . انقلاب کارگران و زحمت  
 کسان را بد سراهه مکسد . مبارزانسان را به هور  
 سسرد ، آنان رادر برابر طقات سهره کس منفسرق  
 و ساتوان سسازد و سرانجام سهه روزی و بر دکیشان  
 را نسبت میکند - موقسمت کارگران ایران در سابه  
 رزم اسلامی سهترین گواه این نجرید است . مهم -  
 نرین درسی کد کارگران از اس نرسات ساسد  
 سگبرند این است که هرچه جدی تر سس هوبت  
 کارگری و طقانی خود نکهت کنند و سنامه طقه ای  
 واحد در برابر طغه سرامنده دار و دولت حامی آن  
 مننکل نونده

### سازمان "اکثریت" ، جناح رفسنحانی را قویا "تاکید" میکند!

ما ساد با در نظر داشت سسدر صانع ملی . نضعبت  
 کل حکومت در مقال نغوت ابروسسوی ملی و دمکراسی  
 راهدب حوسن نرادر دده و هسجک از جاحبای  
 حکومت . ناسد سسبایی سروهی نرمنده سوزان  
 کشور سسند " .  
 حالت است که این جملات . در سب ملاناصد  
 سدسال حلالی آمده اند که خط نسی سوزای مرکز ی  
 را در نسال ساسنهای جناح سلط و مخالفت خواسی -  
 های حجاج با مصلح " ندررو " را نوضح سدهد :  
 " ۰۰۰ " ما تاکسوی از اسخاد موانع سرج در  
 اسکوه سوارد خودداری کرده ام اما سسج سراسر  
 است که نسی حفض موزع مخالفت تا سنامه سا

سرد " اکسرت " شماره ۲۲۷ (۲۹) سسین .  
 گزارش حولات سیاسی و عطقرد سوزای مرکز ی  
 را حاب کرده است . نخلل از اس گزارش . سس  
 سوزح خط نسی سوزای مرکز ی در سائل کویاگسوی  
 اجمناس دارد . سکی از اس سائل بد اسسوزت  
 طرح سده است :  
 " در سرجورد ما در کسری حمانهای رزم .  
 اس سوزان وجود دارد که ساست ما در نخلل  
 سهایی ساد در حبت نخلل نر بسیم کداسسک  
 ساسر سگدارد " .  
 سوزای مرکز ی بد اس سوزال جسس ساسسج  
 داده است  
 " سسج ما سس سوزال اس است که ساسست

## "راه آزادی" پاسخ ندارد

شتره حزب دموکراتیک مردم ایران موسوم به "راه آزادی" در شماره پنجم ماه در سنسور "مخالف سیاسی" از نقد رادیکالگر از مقاله ساسک امر خسروی ۱ "انتخابات آزاد، واقعیت است" توهم؟" ۱) یاد کرده و راه کارگر را مبدع "کارگر" د انواع ناسراها و دشمنهای سیاسی و غیر سیاسی کرده است.

حد خوب بود که "راه آزادی" حسد تاشی از این ناسراها و دشمنهای سیاسی و غیر سیاسی را نقل مکرر دنا لافل خوانندگان مطمحش میدهند که دروغ و سبتاسی در کار نیست. ۱۰ از این هد خوشتر آن مسود که راه آزادی با این عنوان که راه کارگر ناسرا کنند و دشمنان ناسرا. برای طفره ریش از مسئله سبانه نصرانند و بجای آن برای کسند خوانندگانی که نقد ما را در راه کارگر شماره ۸۱ خوانده و سه مواضع بدست راست و غیر دموکراتیک ساسک امر خسروی بی برده اند روشن مکرر در مقابل یک سه بک استنادات و استدالات راه کارگر. حد ساسح وجه حرف حسابی دارد و اگر ایراد و استنادی را مسور د میداند به حد دلبلی آن را رد مکنند. در تصور ت خوانندگان "راه آزادی" هم در مسادستند که حتی بجانب راه کارگر بوده ما نسوده است. ولی راه آزادی جس رسکی نمکنند و ترجیح میدهند مسئلهای سه این احمست را با یک فد حمله قلاسی دور سیرد: و اس الیوند بخشیش نار بست ۱۰ ما فلا در مرهه های سبار صهی سئوالات روشی از حزب دموکراتیک مردم ایران در شتره راه کارگر کرده و حواسار ساسح به آنها شده ایم تا همد نسواند حقیقت اس حزب ساملحاج دموکراتیک را از رمان خودش سسوند: ولی "مصلحت". ساسخوکی به این سئوالات را اسحاب سکرده است! شاید هم مشکل نی مانع بوده و صحنای که به اسکاس ارتحاتی نرس مقالات و مباحثه ها و نامه ها و ترجمه ها از چارگونه ساسا اخفصاص داده مسنونند. "راه آزادی" را ما مسود جا سواحه مکنند!

سهرحال. مانع هر خواننده راه کارگر و خواننده راه آزادی نسوند مکنند در مسور ساسک علائق بد سغفب موضوع ساند سگاهی به نقد ساسا از مقاله ساسک امر خسروی سسناد و خود نفا و س بقیه در صفحه ۲۷

کرده و ضم هشدار بست به ماجراجوئیهای محافل سندرو خواستار انزاس کمکهای داروشی و غذایی سه مردم عراق است."

نرمول حالیی است! از آنجا که مسخره است آدمی سگوید از هس جناحی ساند ستنسای کردولی ساند از اقدامات صست حجاج رسنجایی ستنسای کرد؟ س سهر است گفته شود: از حجاج رسنجایی "نویا" تاکید سکنس! ۱) بد اس سرنب به کسی سسواند ما را به سنافرگوشی یا خاسب ستنسای از حجاج سسلط رسزم سنبهم کند. و به کسی سسواند در سسوی سرنسخواه سوند ما نرسدی به خود راه دهد!

سیرید "کارگر امروز" در شماره ۱۰ (بهس ماه) خود سساست تصویب قاسون کار رسزم اسلامی به نقل تاریخچه ای از مسارزات کارگران ایران برای قاسون کار در رسزم جمهوری اسلامی برداخته و در انتها، بی آنکه وارد نقد مواد قاسون کار مسویه شود. از ربایی کلی خود را از این قاسون مسورت زیر اراده داده است:

از نظر گرایش چپ و رادیکال جنبش کارگری، قانون کار رژیم اسلامی ضد

کارگری است. قانون کار رژیم اسلامی به نسبت اولین پیش نویس آن، به نفع کارگران تغییراتی کرد. همه این تغییرات حاصل مبارزه کارگران و عقب راندن گام به گام رژیم اسلامی از مواضع اولیه اش بود. اما این تغییرات یعنی نبود که ضد کارگری بودن قانون کار را از بین ببرد. بنابراین قانون کار رژیم اسلامی به هیچ وجه آن قانونی نیست که طبقه کارگر ایران بتواند آنرا در یک جامعه سرمایه داری بپذیرد. گرایش چپ و رادیکال جنبش کارگری این قانون کار را برسمیت نمی شناسد. آنرا نزد کارگران افشا می سازد و در مقابل، مطالبات یک قانون کار دموکراتیک را تبلیغ و ترویج می کند.

اجرای قانون کار رژیم اسلامی تأثیرات عمده ای بر شرایط کار و زندگی کارگران می گذارد. برای بخشهایی، بویژه کارگرانی که در کارگاههای کوچک کار میکنند، منافعی در بر دارد. در نظر بسیاری از آنها حتی همینکه قانونی بر روابطشان با کارفرماها حاکم باشد "نعمتی" است. در صورتیکه به حق و حقوق بخشهایی از کارگران چیز محسوسی نمی افزاید و از آنچه هم اکنون کارگران بسیاری از بخشهای صنعتی تر و پیشرفته تر دارند کمتر است. گرایش چپ و رادیکال جنبش

کارگری قاطعانه خواستار اجرای فوری بدون کم و کاست آن موادی از قانون کار است که در شرایط فعلی برای کارگران و یا بخشهایی از کارگران گامی به جلو است. در این راه و در تقابل با روشهای گرایش راست و شورتقای اسلامی، اتکا به بسیج و سازماندهی اعتراض مستقیم کارگری موثرترین شیوه است. ضمن آنکه مثلا برسمیت شناخته شدن تعیین حداقل دستمزد بر اساس معیشت یک خانواده پنج نفری در قانون کار دست کارگران چپ و رادیکال را در بسیج و سازماندهی توده کارگر برای اجرای کامل آن باز می گذارد و به حرکتشان قانونا مشروعیت می بخشد.

با توجه به آنکه اجرای قانون کار رژیم اسلامی در مجموع چیزی عاید کارگران بخشهای مهم و اصلی صنعتی کشور نمی سازد، مبارزه اینها اساسا متوجه دستهایی به حق و حقوقی فراتر از آنچه قانون کار برای کارگران برسمیت شناخته است، می گردد. این در واقع چیزی جز به جریان افتادن مکانیسم عادی پیشروی جنبش کارگری نیست. بخشهای پیشروتر و متمرکزتر کارگران مطالباتی را فراتر از آنچه بورژوازی برای کارگران برسمیت شناخته است مطرح می کنند و با اتکا به قدرت و مبارزه خود بعضا به آنها دست می یابند و راه را برای عمومیت یافتن این خواستها در سطح کل طبقه کارگر هموار می کنند. کارگران رادیکال و سوسیالیست باید در مرکز و راس این مبارزات قرار بگیرند.

اربابی مسکنم مورد ستنسای قرار دهم!" ۱

اما اندامات منست سجاجی را که ساسنسه بسنجسای سروهای سرنسخواه مسور بست. سگوید سابد مورد ستنسای قرار داد؟ اسمرت که سدالسنه سرو سروهای سرنسخواه مسور است. در رسع اسس مشکل عطی در سساده است و ما سجره و سرنسحه ای که در اس موارد دارد، مشکل را سکلنی مسطفی حل کرده است. ۱) اولس مورد اسب بسنجسای از سجاجی که ساسنسه ستنسای بست در همین گزارش سسور سکرری مسورت ربر سرمولد شده است:

"سورای مرکزی، موضع سبطری دولسن جمهوری اسلامی ایران و تلاس دولت سراس اسداد سراسی به مردم سس ساه و سسگاه عراق را تسواتاکنند

## سازمان "اکثریت" ۰۰۰

د شماره از صفحه ۱۰

کروهسدی رسنجایی و خاصه ای و مقابله ما نسوم سسیراکی های حکومت در اقدام. ولو محدود و کوچکی را که منست از ربایی مسکنم، مورد ستنسای سسار دهم و در تداوم اشاکری علسه گروهسدی سسلط اسناد از محافل سندرو و اشای سسمر اجسی سنیری ماجراجوشی و سسیراکی آنها را سسد سکنم."

حالا مقاسد کند: "سحک از سجاجی حکومت ساسنسه ستنسای سروهای سرنسخواه مسور بست" ولی در مورد حجاج رسنجایی و خاصه ای ساند "هر اندام. ولو محدود و کوچکی را که منست

## تناقضات ساختاری حکومت اسلامی

دنباله از صفحه ۱

میکردد. و "امامت" یعنی اعتقاد به غیرالهی و غیر شرعی بودن حکومت هر فرد "غیر معصوم"؛ یعنی در "انظار ظهور" امام قائم و نائب و تشکیل حکومت اسلامی مانند بار این رو تشکیلات روحانیت شیعه در طول تاریخ، همیشه حواص نا حواد یک دستگاه دینی - سیاسی بوده است و هر گر نتواسته ما دستگاه دولت رابطه روشی برقرار کند. رابطه آن حتی با دولتهای شده مذهبی شیعی مانند دولت صفوی. از حد یک رابطه موارری تر اتر برنده است. بد این ترتیب، دستگاه دینی تشیع به دلیل اصول اعتقادی و هم به دلیل ویژگیهای تشکیلاتی. تملای کرایس به این داشته که بیشتر از حد معینی به دستگاه دولت بریدک نشود. اما نا رشد نظریه حکومت اسلامی در میان روحانیون، که توسط حمصی سر از نکست تمام بازده حرداد، تدویس و طرح شد و سر نا به قدرت رسدن روحانیون طرفدار حمصی در قیام ۵۷، و حکومت آنها از ۵۷ تا کنون. این سئوال همچنان مطرح بوده و هست: روحانید ما تشکیلاتی غیر متمرکز و آتارشیک حکومت متواند سکاندار قدرت سیاسی باشد؟ این سئوال سر از مرگ حمصی که از نفوذ غیر قابل انکاری در بین طرفداران دولت و مقلدین دینی برحریدار بود و برگریده شدن خامنه‌ای معوان ولی فقیه که حتی به درجه مرجعیت تقلید نرسیده بود. شکل دیگری مطرح شده است: رابطه رهبری و مراجع تقلید حکومت باید باشد؟ تلاش خمینی در زمان جاستی برای نمرکز بخشیدن به دستگاه دینی تشیع به نتیجه نرسیده. هر چند دیگر مراجع تقلید ریر افتداز مذهبی و سیاسی بی همتا و قدرت حکومتی نا محدود او توان مخالف حدی با هیچ مسئلهای را بداشتند و تملای در سیاری از مسائل نفقه مگردند، اما این سکوت و تقیه بمعنای بذیرش حظ حمصی و تعست از سیاست او در تمرکز بخشیدن به دستگاه روحانیت نبود. ساززه شدید طرفداران حمصی و دیگر مراجع در حوزههای علمیه. در نهای سالهای گذشته دلگیری برای مدعاست. بی از مرگ حمصی و برگریده شدن خامنه‌ای، تلاش جدیدی برای نمرکز بخشیدن به دستگاه روحانیت آغاز شده است. اما معلوم نیست که این تلاشی ما سرعت کافی به پیش برود و به نتیجه برسد. بویزه که خامنه‌ای اساسا دارای نفوذ دینی و سطح دانش فقهی برای احرار مقام مرجعیت نیست. معومد حمصی تلاشی را متوان. در واگذاری حق تشخیص مصلاحت احضار کاندیداهای نامزدگی محس حبرگان به فقهایی شورای بگمان محبوب شده توسط ولی فقیه رژیم دند. اما آیا حمصی نحریتای متواند در مورد معس مراجع تقلید جامع‌الشرایط سیر مگر گرفته شود؟ در پاسخ به این سئوال باید به ویژگیهای مراجع تقلید کومبی توجه کند. مراجع تقلید موجود اولاً شمار محدودند ریرا در حد سال اخیر



ندارد. به لحاظ نظری هر "محدث" متواند یک مرکز مستقل باشد؛ ولی در عمل مهندسی متواند مرکزیت مستقل تشکیل مدهند که نفوذ سارمان مانند داشته باشند. جایگاه هر یک از "مراجع تقلید" در تشکیلات روحانیت، به شمار "مقلدان" او. و در نتیجه به نفوذ سارمان مانند او بستگی دارد. در حقیقت هر مرجع تقلید "نائب امام زمان" تلقی میشود. و بنابراین، محوریت به نسبت از هیچ فرد و حمصی نیست. هیچ شورایی عالی تصمیمگیری مرکز از مراجع تقلید وجود ندارد و متواند وجود داشته باشد مگر بر مابذ اتفاق آرا؛ در هر مورد تصمیمگیری. در سجد دستگاه دینی تشیع، دستگاهی است متمرکز و تا حدود زیادی آتارشیک. هر یک از مواص، خود تصمیم میگرد که به کدام مرجع "مفتد" کند. و حسی متواند هر وقت حواصت محمد خود را عوض کند و از مواصهای محدث دیگری سروری کند. از آنرو در مان مراجع تقلید برای حسب مواص بومی رفات وجود دارد. همی رفات بومی حه رأی برای مواص موجود می‌آورد. و هر یک از آنها با حقی معس و معوس مرجع مقلند خود. در حقیقت به نفوذ روحانی. و در سجد به نفوذ تشکیلاتی و قدرت مالی آن با آن محس رأی مدهند. ساراسی دستگاه دینی تشیع برای حفظ و باز بوند خود. مانند ستر از هر دستگاه دینی دیگر به ماملات نوده مواص وابستد است. کسند از انجا، مذهب تشیع اساسا ما اعتماد به "امامت" از مذهب دیگر اسلامی متغیر

۲- رژیم اسلامی همس نحد یک دولت استثنائی سرمایه داری است ریرا این دولت در معادل مشخصی از ححد طقات بقرب رسیده که در آن ححدک از ضقات اصلی حامد توان بدس گرتش قدرت را بدانستند. هر چند در رژیم اسلامی قدرت سیاسی مستقلا در بدس طفته، یوزواری ترار ندارد اما این حکومت باسدار نظام وسط بر حاصه است و صانع سرمایه را نمس مرمابد. ۲- و ملاحره حکومت اسلامی، حکومتی است برآمده از بخش یک انقلاب توده‌ای از نرون سگس حوریده. و در نئحد. دارای جایگاه نودنای معس و برحریدار از یک سلسله پادشاهی است که توسط بانکد بودنای رژیم تشکیل شده و معدت مسومد.

الد - جمهوری اسلامی معاند دولتی

اندولوزیک

کشم حکومت اسلامی. دولتی است اندولوزیک. حال نسیم این اندولوزی حکومت در ساختارهای حکومتی نلیور مامد و حد نشادهائی را در بخش خود موجود می‌آورد. بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی. رهبری حکومت بر مابذ اصل ولایت فقیه صورت مگرد. ولی فقیه معوان مهندسی جامع‌الشرایط. ما در نئحد ونای عمومی مواص حول یک مرجع تقلید ما توسط مجلس حبرگان انتخاب مسومد. ولی فقیه معوان مخرنتریب درد در سجد حکومت اسلامی. بر ترار ونای فقیه. قضاوت و احرانته ترار دانسته و نرمادهی کن بیروهای مسلخ را در احضار دارد. و مالمطخ از قدرت توفیق‌العاددای در تمامی ترمصها برحریدار است. تاریخ جمهوری اسلامی در زمان حجاب حمصی معوان باسکاندار اصل ولایت فقیه و بدویس کسند انده حکومت اسلامی. سان داد که حاکمیت مطنه ولایت فقیه تا حد حد گشورده و دارای قدرت تصمیمگیری و تاسر گذاری در حوزههای گوناگون حکومتی است. ولی فقیه از طرف خود مابیدگانی در تمامی شهرها و ماطط و در تمامی ارگانها و ساددای دولتی مصوب مکند که آتیا سر دارای احضارات وسیعی هستند. از سوی رهبر رژیم، افراد شورایی بگمان سیر محبوب متواند؛ آتیا وظفته دارند بر سرینی بودن مواص مصوب محس شورایی اسلامی نظرت مامد. برگماری انده حمصه سیر از احضارات ولی فقیه مامند. به اس برس وی فقیه معوان مهند جامع‌الشرایط. مابذ اندولوزیک حکومت اسلامی است. اما در حمص اجسیریس مرکز قدرت روحانیون در حکومت. مباد نندندی وجود دارد. این معاند ر آتیا باسی مسومد که اصل ولایت فقیه. مابذ مرکز قدرت و مرکز رهبری سیاسی جمهوری اسلامی است و به اس برس ضرورت مرکز دستگاه روحانیت نسجه مطرح مسومد. اما ویژگی دستگاه دینی نسیم سکوب دیگری است. دستگاه دینی نسیم مرکزیت واحدی



تعدادی از آنها با مردمان و ما توسط توطئه‌های حکومت کنار گذاشته شده‌اند. ثاباً اکثر آنان در لب‌گور استاده‌اند و تا حد سال دیگر نشانی از نقش آنها ماقی نخواهد ماند و ثاباً - روحانیون مانده‌اند که مرجع تقلید هم هستند. نمیتوانند ما توجه به تسلط حکومت بر حوزه‌ها بدون نظر سران رژیم جانگانه مستقلی بدست آورند. از اسرو میتوان تصور کرد که سران حکومت ما سیاسی حساب شده برای سانترالیزه کردن دستگاه آنترستیک روحانیت شعبه تلاش کنند. زیرا زمانی که روحانیون قدرت حکومت را در دست دارند. نمیتوانند مصورنی غیر مسئول و چون گذشته در نفس معترض همیشه دولتاً ظاهر شوند. آنها باید به الزامات واقعی حکومت بر یک کشور سرمایه داری با روابط بیچینه در سطح ملی و بین‌المللی پاسخ دهند. به این دلیل است که سید شید "فقه سنتی" و "فقه پویا" ریشه در نفس دوگانه روحانیت داشته است. روحانیت مثانه پاسدار فقه که طعنا سنتی است باید از دکمهای هزار ساله دفاع کند. در همان حال روحانیت مثانه سنگدار حکومت باید به الزامات نظم سرمایه‌داری پاسخ دهد. اگر حمصی محبور میشود پخن موسیقی و استفاده از آلات موسیقی و بازی شطرنج را حلال اعلام کند و بر نتوای قلبی خود در ناره حرام بودن استفاده از گوشت یح زده خط بطلان نکشد، به این الزامات حکومتی پاسخ داده است. خمینی در نبرد با روحانیت طرفدار فقه سنتی که احکام ثانویه را قبول نداشتند و از طرف او به مقدس‌نماهای متحجر طغب شده‌اند، همواره سست به نفس حکومتی روحانیت اشاره میکرد و به آنها گوشزد مینمود که نمیتوان هم سکن حکومت را در دست داشت و هم در لابلای احکام و آفات گرد گرفته کتائاً زندانی شد. هم اکنون سیر این تضاد ما همان شد وجود دارد و باید بدید تلاتی حناح مسلط حکومت تا چه میزان میتواند تضاد میان نفس دوگانه روحانیت را کاهش دهد و آنرا رو به حل برد. روشن است که در جریان حل این تضاد. درگیری‌های حادی سبز ممکن است پیش آید. زیرا روسن سست روحانیت پاسدار فقه میتواند بیش از حد معصبی در راستای الزامات نظم سرمایه و الزامات حکومت بر کشوری بزرگ، از دکمهای سنتی دست شوید. در چنین حالتی درگیری میان حناحهای روحانیت مینواید به اساسی حکومت آنها صربانی وارد آورد.

ماززه روحانیون طرفدار فقه سنتی و روحانیون طرفدار فقه حکومتی. ما باصطلاح خودشان فقه پویا. تنها یک ماززه تئوریک سست لکد ما به ارای ساسی مشخصی سیر دارد. در جریان کوتاه کردن دست نمایندگان حناح حرساللد از مجلس حبرگان، درگیری سندی میان حناحهای حکومتی و در نمنحد برداشتهای فقهی آنها بدید آمد و سحر به حذف نامندگان حرساللیی از انتخابات مجلس حبرگان شد. در این حا حربه اصلی بکار گرفته

نده، بررسی صلاحیت احتهاد کاندیداهای نماینگی توسط فقهای شورای نگهبان که به طرفداری از فقه سنتی مشهورند، بود. این اقدام که ناشی از انتلاف حناح مسلط و حناح بازار برای نصعد حناح حرساللد بود یک تناقض دیگر را سیر آشکار ساخت هر حد این تناقض، یک تناقض فطعی است و باعث گردید داد و نغان حرساللهیان در آید، اما میتواند مصورنی دیگر و در شرایطی دیگر سیر برور کند. مساله به این صورت است که ولی فقیه و رهبر رژیم باید توسط مجلس حبرگان انتخاب شود؛ صلاحیت احتهاد و کاندیداهای مجلس حبرگان باید توسط شورای نگهبان باشد گردد؛ و فقهای شورای نگهبان. خود توسط ولی فقه مصوب میشوند. به این ترتیب مجلس حبرگان میتواند مجلس دست ساخته رهبر حاضر باشد. در این حالت نقش روحانیت برای انتخاب رهبر رژیم عملاً دور زده میشود. بدیگر سحن حکومت در دست روحانیون است؛ اما روحانیون بطور مستقیم نمیتوانند در انتخاب رهبر با شورای رهبری و حمصی شورای نگهبان نقشی داشته باشند. حمصی وضعیت سبب شده تا یک حناح از روحانیون و حط خاصی، هدایت و رهبری رژیم اسلامی را بدست بگیرد. این وضعیت در زمان حناح حمصی قابل درک بود. زیرا افتدار ساسی و مدعی او بر بسیاری از نهادها ساحتاری رژیم سربین مکنزاشت اما پس از مرگ او آیا باز هم روحانیت حاضر خواهد شد بطور غیر مستقیم و از طریق یک حناح خاصی در قدرت شرکت داده شود و ما حواهر دحالت مستقیمتر در امور ساسی خواهد شد؟ این مسئله رمای اهمیت سشتری خواهد یافت که در نبرد فقه سنتی و بیازهای سرمایه. حناح مسلط حکومت در انتلاف با بورژوازی نخواهد نقش روحانیت طرفدار فقه سنتی و ناگاه از بیارهای حکومتی را در قدرت سیاسی کاهش دهد. طبیعی است که در ابحا تنشهای حدی بوجود خواهد آمد. اگر انتلاف فقه و سرمایه برای خشکاندن یانه تودهای و سد فاشیستی رژیم و زدن حناح حرساللد. از قدرت موزنی برخوردار است آیا در شرایط مپار طرفداران فقه سنتی نیز قصبه به همین آسای خواهد بود؟ روشن است مپار نقش سنتی فقه سنتی و روحانیون پاسدار آن و با نظم حنصین به آنتر سبسم ساختاری دستگاه روحانیت در یک نوی بلند تحولات ساسی و احتمالی. امکان بدیر سطر میرسد اما در کوتاه مدت تنشهای ربادی را ممکن است بدشمال داشته باشد.

آنجه در فوق آمد تنها حسه خاصی از تضادهای ححلت ایدئولوژیک اواره حکومت را نشان میداد. اما این تضادها در دیگر عرصهها سیز خود را حلونگر مسازد. زیرا سبسم ایدئولوژیک اداره کشور توسط نهاد ولایت فقیه، که شاخکهای خود را در تمامی استانها، شهرها. ادارات و نهادها گسترده است، ما محومه سبسم ساختاری دولتی و کشوری رژیم، ابحا و آنجا در تضاد قرار میگردد. در رژیم اسلامی و طبق قانون اساسی. به فوه محربه. فتنه و قضاوته مظک از هم و ما قدرت واقعی شکر گرفته‌اند. این فوای سنگنه در

جهارحوب احتهادات قانونی خود فعالیت میکنند و مناسبات ربایی را تنظیم مسامد اما وجود نهاد ولایت فقه و سشکهای آن ما هر یک از آنها درگیر مسود و احتهادات و قدرت آنها را محدود میکند و ما در حدود احترای آن ساستها دخالت مسامد. در اسحا تنکک فوای سنگنه مصورت کامل نکل گرفته است اما نوگر نامی کارکردها و ساستها در دست ولی فقیه ما این تنکک درگیر مسود.

درگیری میان نهاد ولایت فقه و هر یک از فوای سنگنه. سس از هر حا در فوه محربه ححلت حاد سوبنده دارد. این درگیری از هرم فوای حکومت تا بائس‌ترین مراکز دولتی و کشوری حبربان دارد. اگر در مالای هرم قدرت احتلاف نظر ولی فقه و رتبی حمبور مینواید بوجود آید. همین نوع اختلافات، میان ائمه ما استاداران. فرمانداران و شهرداران و دیگر سلسله مراتب کشوری سیر همواره بوجود می‌آید و موجب تنشهایی میشود. این تنشها نمنحد وجود در قدرت موارای است که ححلت سرتاسری ندارد. به این دلیل سرد ولایت و حمبوریت. در حبربان مازساری دستگاه دولتی و نظام سرمایه داری همواره بنش خواهد آمد. شاید در ظاهر مظهر برسد که در نظام حمبورای اسلامی که متکی بر اصل ولایت فقه است و رتس حمبور سیر از معتقدین به این اصل ساستد. شکل‌گیری تضاد میان ولایت و حمبوریت آنکونه که در زمان ریاست حمبورای سربسدر بوفوع سیوست. غیرقابل تصور است. اما روند حوادث نشان میدهد این تضاد. ریشتهای مادی دارد و همواره بار تولد خواهد شد. فوه محربه برای سشرد ساستهای داخلی و خارجی خود، سوبیه در شرایط کمویی، محور است مزاحمت نهادهای موارای را از پس سرد؛ به طغف بورژوازی در کلبت خود امضازانی میدهد؛ به الزامات مازساری توجه سشتری نشان دهد و ملاحظات ایدئولوژیک فلق کسیده را در انخاذا ساستها کاهش دهد و این. در بارهای موارد ما مقاوس بابه نودهای رژیم روبرو مسود، در بارهای موارد ما احکام فقهی در تضاد قرار میگردد و ولی فقه که قاعدتاً تلاش میکند خود را بر سرار همه سروهای تشکیل دهنده رژیم قرار دهد باید موضع ویزای انخاد کند که هم از سرتت حدائی مانه نودهای رژیم نگاهد و هم خود را حافظ ححلت ایدئولوژیک آن مسامد. و این حمصی موسعکری بیایی مینواید سرفضا پارهای احتلاف نظرات در حدود پیشرد ساستها باشد. این امر رمای برحسبتر میشود که نوجه کسیم در راس فوه محربه حنصبت ففندرنوی از ولی فقه رژیم قرار گرفته است که بر ساند شخصیت ولی فقه قرار ندارد. امری که در زمان حمصی قابل تصور مسود.

نهاد ولایت فقه مثانه مپنریر یکی ایدئولوژیک حمبورای اسلامی ما مجلس شورای اسلامی معنوان مرکز نجمع ماسندگان سروهای تشکیل دهنده و حمایت کسند رژیم سیر درگیریهای گاه حدی پیدا سگند. در اسحا علت درگیری. رشد در تضاد بین ححلت ایدئولوژیک رژیم از یکسو و مان



حاکم بر کشور را نداشت و وظیفه حراست و بازسازی ماشینی صرف حورده دولت بورژوازی را مقدمترین هدف خود قرار داده بود و در این راستا چه حوسبا که برحمت بدین ترتیب جمهوری اسلامی نشاند دولتی اندئولوژیک، پاسدار نظام سرمایه شد و صورت دولت استثنائی بورژوازی در آمد. در این حکومت فقر و سرمایه در اتحاد ناموس در مقابل نودها قرار گرفتند. اما تنها دو وجه فقر و سرمایه معرف حکومت هستند. این رژیم دارای پایه بودهای مشخصی بر ماسد که بیرو صریح فاشیستی آنرا تشکیل داده است و همین بیرو بویژه در جریان جنگ هشت ساله نقش زیادی بازی کرد. نهبدستان موجهه به رژیم که صورت نامه نودهای آن در آمدند به اسد آب به سراب جمهوری اسلامی رسیدند و عدالت خوئی سنرون آنها در راه بازسازی نظم سرمایه و حمایت از کار کرد آن مشکلاتی بوجود آورده است. جمهوری اسلامی. اما برای حفظ و حراست شرایط کار کرد سرمایه از هیچ تلاشی بیرو کنار نگردد است. و امروزه در شرایط بار سازی، برای حذف این مایع حدی سکوسد. طریقه این اقدامات بهیچ وجه بمنزله جمهوری اسلامی را دولت مطلوب کل بورژوازی ایران دانسد. اگر در جریان انقلاب و سالهای اولیه سر از آن، حسین دولتی برای مهار حسس نودها از کارائی بالائی برحور دارد بود، امروز دیگر آن سارها و شرایط پیشگ دیگری در آمده است و این باعث شده که فشار بورژوازی بر دولت اسلامی هر روز شدیدتر شود. بر اینجا باید به این نکته سیر توجه کرد که در این دولت استثنائی بورژوازی یک جناح قدرتمند این طبقه سعی بورژوازی بازار نیرکت فعال دارد و اگر در گذشته نقش سیاسی زیادی ندانند امروز قدرتی در حال افزایش است. و این افزایش بخش سیاسی با توافق جناح مسلط حکومت صورت گرفته است. وجود جناح قدرتمند بازار در بهادهای حکومتی و در دستگاه دینی و روحانیت از سکو و فشار سرمایه سرالطلی بر رژیم اسلامی برای داس اشارات سحر به بورژوازی داخلی و خارجی از سوی دیگر مجموعه تضادهای ساختاری رژیم را تسدید کرده است. سرمایه برای تراهم شدن شرایط سود آورتر در تلاش است هر حد بتدریج. دولت استثنائی کوسی را هر حد سسز سمت دولت معمولی بورژوازی سوزی دهد. در این راستا باید از نظر به مزاحمت نوده حرسالک که حاسل شعارهای عدالنجوانه سنرون است پایان دهد و از سوی دیگر باید فقر را بصورت سلاح نوحند کننده صانع سرمایه در آورد و از حصلت صرفا اندئولوژیک و گاه مزاحم آن نگاهد. اما این سیاست مسواید ما کس ساختاری جمهوری اسلامی در مباد قرار نگیرد. گاهی به تاریخچه رابطه رژیم با سرمایه از اسدای روی کار آمدن تا کون سانگر حکومتی روز اس تضادهاست و امروزه سیر درگیری دولت رفیسحایی با بورژوازی بازار در محوه سسرد سانس بازسازی خلوقای از برور تضاد سالی بورژوازی و دولت استثنائی آن است. اما درگیری کوسی سسب به گذشت از شدت زیادی برحوردار سست و سسار قابل تحمل تر شده است. در اسحا

تودهای و حرب الهی رژیم از سوی دیگر دارد.

مجلس بمنزله محل تجمع ناسنگان منخبت هواداران رژیم مجبور است به سازهای پایه نودهای رژیم در سبازی از رصمما ساس دهد و برای شکم گرسه آنها لقمه نالی تهید ماسد تا سرچوردگی آنها را به عقب باندازد. ساس به این سبارها در سبازی از مواقع ما "شرح اسوز" و منافع سرمایه در تضاد قرار سکیرد و در اینجا مقام ولایت فقده ماسستی هم از "شرح اسوز" و هم از سود سرمایه حفاظت ماسید. و از اسحاست که در تضاد میان سه باید رژیم، فقر و سرمایه و نوده موجهه به رژیم در سبازی از موارد وئی فقید از منافع فقر و سرمایه حفاظت خواهد کرد تا مانع از رشد سسز از حد تاثیر گذاری پایه نودهای در نصوب توانس کرد. و حسین امری زمسد سار تضادهای نهاد ولایت فقده با مجلس سوزای اسلامی خواهد شد. این تضاد در صورتی حل خواهد شد که سران رژیم ستواسد همچون انتخابات مجلس خبرگی، ما سنسحین کردن ماسبندگان مجلس و ایجاد موانع کافی برای راهبایی نامبندگان منائر از پایه تودهای رژیم. مجلس را بصورت بکسستری درآورد. در آن صورت نیز، اگر وزن ماسبندگان طرفدار بورژوازی و بازار و بویژه وزن طرفداران فقده سنتی در مجلس بالا رود، تضاد میان این دو نهاد، پیشگ حدیدی خلوقر خواهد شد.

به مهمترین تضادهای نهاد ولایت فقده ما دستگاه روحانیت سسبند و ما سه فوه مجربه، مفسد و قضائیه اشاره کردیم و نشان دادیم که این تناقضات خصلتی ساختاری دارد. ما ابیحال ماسد به این نکته توجه بشنری مسؤل داریم که برقرار سه قوه از هم تفکک شده و مختصر، ولی فقیهی قرار گرفته که از انندار کافی سیاسی و مذهبی برحوردار سست و گلت روحانیت سیر نرحه اجتهاد و صلاحیت فقیهی او را فبول ندارد. و این در شرایطی است که رژیم اسلامی برای بشنرد ساستهای خود در عرصهای داخلی و خارجی و برای مهار و حذف بابه تودهای مزاحم به ارادهای متحرک و مقبول روحانیت و بورژوازی سبار دارد. آیا مجموعه این شرایط، حکومت اسلامی را ماسسو سوزی نخواهد داد که از ولایت تک نفره وئی فقده کوسی به ولایت سوزای رهبری گذر کند تا ستواد بخشی از تضادهای موجودش را کاهش دهد؟ مسوولان به این مسوئل قاطعانه پاسخ صفی دهد.

ب - جمهوری اسلامی منانه دولت استثنائی بورژوازی

گفتیم جمهوری اسلامی در سسجه تعادل معسی از طبقات اصلی حاصمه به قدرت رسد که در آن نه طبقه بورژوازی توان بدست گرفتن قدرت سیاسی خارج شده از دست ساد و دربار را دانسد و به طبقه کارگر برای جمیس وضعینی آماده شدد بود. سباربای روحانیت ما شعار حکومت اسلامی قدرت را فقده کرد. اما روحانیت ما بدست آورد قدرت سیاسی فقده برهم ردن ضد سرمایه و تضاد

حاکم بر کشور را نداشت و وظیفه حراست و بازسازی ماشینی صرف حورده دولت بورژوازی را مقدمترین هدف خود قرار داده بود و در این راستا چه حوسبا که برحمت بدین ترتیب جمهوری اسلامی نشاند دولتی اندئولوژیک، پاسدار نظام سرمایه شد و صورت دولت استثنائی بورژوازی در آمد. در این حکومت فقر و سرمایه در اتحاد ناموس در مقابل نودها قرار گرفتند. اما تنها دو وجه فقر و سرمایه معرف حکومت هستند. این رژیم دارای پایه بودهای مشخصی بر ماسد که بیرو صریح فاشیستی آنرا تشکیل داده است و همین بیرو بویژه در جریان جنگ هشت ساله نقش زیادی بازی کرد. نهبدستان موجهه به رژیم که صورت نامه نودهای آن در آمدند به اسد آب به سراب جمهوری اسلامی رسیدند و عدالت خوئی سنرون آنها در راه بازسازی نظم سرمایه و حمایت از کار کرد آن مشکلاتی بوجود آورده است. جمهوری اسلامی. اما برای حفظ و حراست شرایط کار کرد سرمایه از هیچ تلاشی بیرو کنار نگردد است. و امروزه در شرایط بار سازی، برای حذف این مایع حدی سکوسد. طریقه این اقدامات بهیچ وجه بمنزله جمهوری اسلامی را دولت مطلوب کل بورژوازی ایران دانسد. اگر در جریان انقلاب و سالهای اولیه سر از آن، حسین دولتی برای مهار حسس نودها از کارائی بالائی برحور دارد بود، امروز دیگر آن سارها و شرایط پیشگ دیگری در آمده است و این باعث شده که فشار بورژوازی بر دولت اسلامی هر روز شدیدتر شود. بر اینجا باید به این نکته سیر توجه کرد که در این دولت استثنائی بورژوازی یک جناح قدرتمند این طبقه سعی بورژوازی بازار نیرکت فعال دارد و اگر در گذشته نقش سیاسی زیادی ندانند امروز قدرتی در حال افزایش است. و این افزایش بخش سیاسی با توافق جناح مسلط حکومت صورت گرفته است. وجود جناح قدرتمند بازار در بهادهای حکومتی و در دستگاه دینی و روحانیت از سکو و فشار سرمایه سرالطلی بر رژیم اسلامی برای داس اشارات سحر به بورژوازی داخلی و خارجی از سوی دیگر مجموعه تضادهای ساختاری رژیم را تسدید کرده است. سرمایه برای تراهم شدن شرایط سود آورتر در تلاش است هر حد بتدریج. دولت استثنائی کوسی را هر حد سسز سمت دولت معمولی بورژوازی سوزی دهد. در این راستا باید از نظر به مزاحمت نوده حرسالک که حاسل شعارهای عدالنجوانه سنرون است پایان دهد و از سوی دیگر باید فقر را بصورت سلاح نوحند کننده صانع سرمایه در آورد و از حصلت صرفا اندئولوژیک و گاه مزاحم آن نگاهد. اما این سیاست مسواید ما کس ساختاری جمهوری اسلامی در مباد قرار نگیرد. گاهی به تاریخچه رابطه رژیم با سرمایه از اسدای روی کار آمدن تا کون سانگر حکومتی روز اس تضادهاست و امروزه سیر درگیری دولت رفیسحایی با بورژوازی بازار در محوه سسرد سانس بازسازی خلوقای از برور تضاد سالی بورژوازی و دولت استثنائی آن است. اما درگیری کوسی سسب به گذشت از شدت زیادی برحوردار سست و سسار قابل تحمل تر شده است. در اسحا

قانون اساسی، با دادن حق انحلال مجلس به ولی فقیه بشدت مخالفت شد و عملاً مجلس شورای اسلامی بصورت ارگانی دارای قدرت و اختیاراتی مشخص در آمد. با اینحال این قدرت بصورتی نیست که در کشورهای پارلمانی وجود دارد زیرا در رژیم اسلامی تمامی مصوبات مجلس باید از تصویب فقوای شورای نگهبان بگذرد و همین امر سبب شده که در طول حیات رژیم اسلامی بارها اختلاف مجلس و شورای نگهبان به شکل حادی در آمد. گاه مسئله آنچنان حدی میشد که شخصی خمینی دخالت میکرد، و سپس برای جلوگیری از ایجاد بن بست در تصویب قوانین، نهادی جدید از طرف خمینی بنام "مجمع تشخیص مصلحت نظام" تشکیل گردید. این مجمع وظیفه دارد اختلافات و تضادهای مجلس و شورای نگهبان را حل کند و از شدت گرفتن آنها جلوگیری نماید. این مجمع میکوشد جلوی سرخوردگی و احياناً عصیان پایه تودهای و حزب اللهی رژیم را سد کند. ریشخند تاریخ را ببینید: تودههای متوهم به اسدیهایی به "شرع انور" دخیل ستانند و "شرع انور" را انگه به آیات و احادیث مجبور است شکم گرسنه آنها را با باد هوا پر کند یا با گلوله! ولی این تمام ماجرا نیست. از سوی دیگر "شرع انور" وقتی با یورش بابرهنگان و گرسنگان روبرو میشود باید از الهی بودن بسیاری از احکام دینی دست بکشد و راهی سوی مهار اعتراض افروز شونده آنها بیاید. در چنین مواقعی واکنش محافظان "شرع انور" تنها متوجه تودههای متوهم به خودشان نیست بلکه در محاسباتشان تودههای عظیم کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت عظیم تبهبدستان جامعه را نیز در نظر دارد. نمونه چنین وضعیتی را میتوان در تسلیم شورای نگهبان در جریان تصویب چهارمین پیش نویس قانون کار دید. هر چند این قانون کار همچنان يك قانون ارتجاعی است اما تصویب آن در همین حد نیز با حان کندنهای فقوای شورای نگهبان و دیگر دستاندرکاران مربوطه همراه بوده است. بالاخره حضرات پذیرفتند که روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر است و این اقدام از سوی روحانیتی که میگفت خدا هم کارگر است، زنبور عمل هم کارگر است، يك عقب نشینی در برابر خواست قاطع کارگران بود. قاطعیتی که خانه کارگر و انجمنهای اسلامی را نیز به مقابله با رژیم و بویژه به مقابله با "شرع انور" که الهی - ادبی تصور میشد، واداشت.

نمونه فوق از تضاد شکمهای گرسنه و "شرع انور" يك نمونه استثنائی نبوده و خواهد بود. در جریان تحدید ساختار رژیم اسلامی و در جریان پیشبرد سیاستهای "شرع انور" باید هر چه بیشتر به نوبه سود آوری سرمایه بپردازد. این تضاد بصورت مداوم باز تولید خواهد شد. زیرا در هر گام که ضرورت استثمار بیشتر پیش میآید فشار بر تبهبدستان افزایش مییابد و در میان تودههای تبهبدستان هم نیروهای متوهم به رژیم و باصطلاح پایه تودهای آن حضور دارند آنها از این پس با غربانی بیشتر به نفت وظیفه روحانیت و احکام فقهی بی خواهند برد. آنها راهی نخواهند داشت جز

تنها مسکن را حل نکرده بلکه تضادهای موجود را حفظ کرده است. و اما مشکل تنها در تضادهای موجود میان ارگانهای موری نیست، مسئله اصلی این است که حفظ بنادهای جدید که هم متأثر از خصلت ابدتولوزیک رژیم است و هم نقش پایه تودهای رژیم در آنها زیاد است، همواره با سوظن بورژوازی روبرو بود و همچنان نگرانی آنها از عدم است سرمایه را دانی خواهد زد و چنین وضعیتی در مساسات بورژوازی بازار و حد کلیت بورژوازی با جناح مسلط حکومت تاثیر خواهد گذاشت.

ج - جمهوری اسلامی بمثابه دولتی برآمده از انقلاب  
کنیم رژیم اسلامی همچنان حکومتی است بیرون آمده از بطن يك انقلاب مردمی از درون شکست خورده، و در نتیجه دارای پایگاه تودهای معین. يك نرد جزاللی، يك مزدور نیست بلکه باحتیای از حکومت اسلامی است که بویژه در جریان جنگ هشت ساله نقش ربادی در ارگانهای نظامی و انتظامی پیدا کرده است. در رژیم اسلامی هر چند آزادی و انتخابات آزاد برای همگان وجود ندارد. اما در سطح نیروهای رژیم نوعی "دموکراسی" حاکم است. در انتخابات مجلس شورای اسلامی با مجلس حیرگان و دیگر موارد طرفداران ولایت فقیه حتی ازمیان نیروهای باید طرفدار رژیم، حق کاندیدا شدن و انتخاب شدن را دارا هستند و در انتخابات گاه بسیاری از افرادی که تلاش میکند بیابگر حواستهای تودههای حزب اللهی باشند به مجلس راه مییابند و از این خواستها سخن میگویند. همچنین برای این بخش از طرفداران رژیم حق انتشار نشریات و آزادی بیان در چهارچوبهای مورد قبول رژیم وجود دارد. همین وضعیت باعث شده که باید تودهای رژیم بتوانند از کاندیدائی بر سیاستهای حکومت تاثیر گذار باشند. نقشی که مجلس شورای اسلامی تا کنون بازی کرده تا حد زیادی بیابگر این وضعیت است. در این مجلس درگیری حناحیا درگیری ساختگی و نمایشی نیست بلکه درگیری و حدائی است برخاسته از تضادهای جدی نیروهای متضاد. شکلگیری فراکسیونهای مختلف با برنامههای مشخصی در چهارچوب کلیت رژیم بر پایه همین تضادهای موجود میان حناحیاست. جناحهایی که با وظیفه راضی نگهداشتن باید تودهای قریب خورده متوهم رژیم را دسال مسکنند، با در جهت اهداف بورژوازی بازار و از اسطریق کلیت بورژوازی حرکت میکنند و با در راستای اهداف جناح مسلط، وظیفه حراست از خصلت استثنائی دولت اسلامی را پیش رو قرار میدهند. هر ترتیب اختلافات موجود در مجلس را نباید و نمیتوان جنگ زرگری طرفداران ولایت فقیه نامید. بلکه در آنها درگیریهای خصلت حادی پیدا میکند. دست گرفتن رهبری مجلس و با قرار گفتن در راس هر يك از فراکسیونهای مجلس برای هر يك از نمایندگان حناحیا، دارای معنی و ما به ازای خاصی است. برحسب شدن نقش مجلس رهبری منحصرنر مسود که ساریاورییم که در جریان اصلاح

اینکه این حرفه بوسیده را به کناری بیاندازند و ما ازجار از گذشته خود و ما تف اداختن به توهم بی محتوای خود به رژیم اسلامی، به تودهای تبهبدستان و به ارتش لگندال شنگان ببینند. آنها بالاخره باید دریابند که اگر "شرع انور" و حضرات روحانین نوجه کر آن وعده بنشت برین آن جهانی را به این مومسی ححت برگشته میدهند. بدان خاطر استنا از بیست زمینی سرمایه داران دفاع کنند و تعریف به آنها به هرشکلی که شده در هم بگویند.

خلاصه کنیم. جمهوری اسلامی در مقطع حذبیدی از حیات خود قرار گرفته است رهبران حکومت در تلاشند تا برای فائق آمدن بر مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود جامعه بشیوه خود راهی بجویند تا فوران این مشکلات آنها را از اریکه قدرت به زیر نکشد. آنها در این راستا باید موانع زیادی را در عرصههای فکری، سیاسی، ساختاری از پیش یا بردارند. حل بن ستهای ساختاری که مورد بحث قرار گرفت، بدون دست وپنجد نرم کردن ما تضادهای حاد شونده جدید امکان پذیر نیست. بنظر میرسد جناح مسلط رژیم، متوجه این مشکلات شده است و برای حل آنها برنامه ریزی میکند. مهمترین تغییر ساختاری حکومت که در حال اجراست کنار گذاشتن پایه تودهای یعنی نیروی ضربت فاشستی از ارگانهای تاثیر گذار بر سیاستهای رژیم است. از دیدگاه سران رژیم این نیرو باید بصورت بوروکراتیزه شده در خدمت رژیم در آیند بدون آنکه حق اظهار نظر در راستای سیاستهای آتی رژیم را داشته باشند اما حذف یکباره حسین بیرویی مفکور بنست. سران حکومت ابتدا ساسات حتنی سازی را بیشه ساختند تا در موقعیت مفنضی به قطع این عضو غیرمروور بیکر رژیم مادتت ووزند. از سوی دیگر سران حکومت برای پیشبرد سیاستهایشان و تضمین آینده رژیم و فراهم آوردن شرایط بازسازی محوروند به آثارسیم در دستگاه دینی-سیاسی روحانیت پایان دهند. زیرا روحانیت نمیتواند هم سکندار حکومت باشد و هم هر متحدیدی ساز خودش را بپوزند. این امر بویژه در نبود اقتدار خمینی برای رژیم مرگبار خواهد بود و آنها نیز به این مهم توجه کردهاند.

در اینجا محافظان فقه باید این احکام را برای شرایط حکومت کردن تغییر دهند با تغییر نمایند زیرا بدون چنین اسعطاف و نرمشی، حکومت کردن بر کشوری با نظام مسلط سرمایه داری، آنها در جهانی حنین بهم مرتضط، کار آسانی نخواهد بود. بوجود آوردن تغییرات لازم ساختاری در این دو محور، نمیتواند ما تشهای شدیدی همراه باشد. در جریان حدت گیری چنین تضادهایی ممکن است همه چیز رژیم اسلامی یا در هوا شود. بهر حال در جریان رشد چنین تضادهایی، رهبنههای مساعد برای بهربرداری از شرایط سیاسی بوجود آمده، در جهت سازماندهی هر چه قدرتمندتر و حساسشدنتر حنشی تودهای برای انقلابیون فراهم میآید. حنین فرتهنهایی را نباید از دست داد. ●

# اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

در روز شنبه ۶۶/۱۲/۴ زحمتکشان محله قلعه حسن خان متحد و یکجا به مبارزه با شمارهای مرگ بر شهردار - مرگ بر رماطی اسامه مجلسی اظهارات قهرمانانه را شروع نمودند و خشم و انحرافشان را با شکست‌ناپذیرهای اتوبوسهای متعلق به شهرداری و تصرف ساختمان شهرداری و مسدود نمودن حاده منتهی به حاده قدیم کرج. توانستند صدای حق طلبانه خود را به گوش هموطنان‌شان در نهران و کرج برسانند. این اعتراض گسترده که نشانه‌ای از نه انعام رسیدن صبر و حوصله اهالی محله در مقابل فشارها و ظلم و ستم شهردار و اوباشان باسکاد و محسبی اعتراضی به دولت نسبت به افزایش رور اتوبوس ارزان و کمبود احسان و وسایل و امکانات و غیره بوده است، با روی کار آمدن شهردار جدید و تبدیل شهرک به شهر قدس، نفرت مرده آرام آرام رشد نمود. شهردار

را جمع آوری کردند و با آنها درگیر می‌شوند. جمعیت محله سیر هر روز افزایش می‌یابد. بطوریکه سنت به سالیهای قبل دو برابر شده است که اکثر از روستا مهاجرت کرده و به صنعتی و کار ساختمانی مشغولند و نگاران هم روزانه در اطراف دو میدان اصلی محله تجمع میکنند. شهردار جدید وقتی بر سر کار آمد مانند سایر همسالگهای خود که هدفی جز خدمت به دولت و سرمایه داران ندارد با کمک تعدادی از بازماندگان بولداری قانون دانسی حواری را صادر نمود که هر ده‌نادر کوچکی که اتفاق جافتن را به نگان تبدیل کرده بود تا بدسوسیلده شکر رن و حطاش را سیر کند ریر فشار قرار داده و آنها را وادار به گرفتن حواری با سنتی معارده مسومند از اسرو تا کسین توانستند بول هگنتی از معارده نارای حردنه ما دریافت نمایند. آگاهی که توانائی برداخت حق انبار حردنه هزار

## شورش در قلعه حسنخان

جدید که از اوایل سال ۶۶ بر سر کار آمد. در ابتدا هر کومه خانه سازی را، حتی هر کومه کار سازی را ممنوع اعلام نمود و با استخدام تعدادی کارگر به عنوان جفاکار و خیرجین سعی بود جلوی خانه سازی مردم را بکند. اما با حدیبی درگیری و مقابله مردم با اوباشان شهردار و حتی کشته و زاندارمی، شهردار مجبور به عقب نشینی شد و لیکن کبیله راهبهای حروچی و ورودی به محله را سنت و سب و رور توسط زانداره و سربوهای شهرداری کنترل نمود. بطوریکه ورود و خروج وسائل ساختمانی و لوازم منزل از محله اثابهای از قبیل محال و کمد و شکر و غیره همچنین ورود خوابگاههای حردنه به محله را بدون داشتن دترجه مسیح محله ممنوع اعلام نمود. در صورتیکه برداخت وحیی مانند مالکات که مقدار آبرای شهردار تعیین میکرد ورود این وسائل قابل ممکن بود. معلوم اگر کسی قصد مریت جانشان را داشت برای تهیه سمن، کج، ۰۰۰ ناند مقدار قابل نوحیی مالیات برداختی آبرای از شهرداری تهیه میکرد. که این عامل باعث شد قیمت صاحب ساختمانی در محله افزایش یابد. مثلا سیمایی که در حرج ۱۰۰ تومان بود در محله به ۳۰۰ تومان رسید بود و با آخر دانهای ۵۰ ریال و کج از ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان حردنه و فروش شدند. و این در شرایطی بود که اعتبار آب به مرده داده شدند و بری از ۲ هزار تومان به ۲۰ هزار تومان رسید بود. از طرف دیگر اوباشان شهرداری با همکاری کمیته محله، لحظاتی دستروشان را راحت نمی‌گذاشتند، هر روز اسباب و اثاثیه بسبب ترسان

کارگران بی سرویس و سایر زحمتکشان که صبحهای زود برای رفتن به سر کار و زندگی‌شان در صد خواب اتوبوس انتظار مکتبند ناگاه ما طرح این سوال که چرا اتوبوسهای شهرداری باید خاک بخورند و ما در سرما بلریم جرقهای شد بر حردنه حردنه زحمتکشان محله که بکاره شعار مرگ بر شهردار اوج گرفت و ترم مردم محله برای برور خشم خود به سمت بازکنک شهرداری جزم گردید. و خروش عظیم زحمتکشان محله همچون کوهی آتشفشان شروع به نربش نمود و محله یکجا به شور و خشم و طبعیان شد. آنها با شعار مرگ بر شهرداری به ساختمان آن رجحتند و برای پیدا کردن شهردار همه اتاقها را گشتند ولی شهردار توانست بود قبل از رسیدن به سر کار از شورش ما حیر شده و از محله فرار کرده بود. اما اوباشان او از صرب و شتم مردم بی نصیب ماندند. زحمتکشی که ساط دستروشی او بارها توسط مردوران شهرداری بهم ریخته بود ما وره تراور یکی از مردوران شهرداری را تهدید میکرد و میگفت "آل موقع سسرورهای مرا جمع میکردی حالا ما اسی وره برسم معرفت را دانغان کم" و مزدور شهرداری که از نرس حاشی می‌پرید تمه میخورد" من مفسر سستم و سپردار از ما محواست" خلاصه سیر از گرفتن رهبر چشم از مزدوران شهرداری، مردم یکسری از هندازک و اوزاق شهرداری را به حیابان آورده و آنها را باره و آتش زدند و سیر از آن به پارکینگ شهرداری رفتند و در سر راه خود مسئول نت ازادواج محله که آجودنی کردن کتکت سوار بر سبز غافلگیر کرده و خاطر نرتشان از رژیم آجودنی کتکت مصلی به او ردد و نشسته ماشینی را شکستند. در بین راه مابرداری که شاهد ماجرا بود سعی نمود برایشان سحرایی کند و از آنها بخواهد تا دست از تظاهرات بردارد که اهالی احمیتی به حرفهایش نداده و همسپوز که نظیر پراکنگ میرفتند در ابستگاه سوزایها که تعدادی جمع بودند، به مردم پیوسته و تعداد تظاهرات کنندگان به ۱۰۰۰ نفر رسید و شعار مرگ بر رماطی (مانند مجلس) هم اضافه شد و رمایی که به بازکنک رسیدند اول نگاهی را که قصد مقابله داشت کتکت زدند و شبشه همه اتوبوسهای حردنه را شکسته و سیر از مسیر کتکت شور کرده و به محل اول رسیدند و قرار گذاشتند که بعد از ظهر مار هم به تظاهرات افتاد دهند. در بعد از ظهر همان روز تظاهرات از ساعت ۴ بعد از ظهر شروع شد. و چون در آن ساعت حیابانها شروع بود مردم از تظاهرات حمایت کردند و بر تعدادشان اضافه شدند و مبارزهها هم تعطیل کرده بودند تظاهر کنندگان با همان شعار به سمت حیابان اصلی و حاده قدیم حرکت کردند و هر حد تالووی شهرداری بود ما شکسته و با از جا کشید. در مدخل ورودی به محله که در تقاطع حاده قدیم کرج واقع شده

نومایی را بداشتند، ما معاردهایشان را بستند با همچنان ما شهرداری درگیری داریم. شهردار سیر که برای رسیدن به مقصود خود و برای حاد انداختن توانایی آجانبی که حردنه فشار به تودنها جیری به دنبال بدانت اول از همه از سربوهای زاندارمی مسوول اتحاد نظم در حیابانها استفاده نمود و سراسر حیابانها را از سربوهای انتظامی پر کرده و تالوهای راهبهای زانکنی وصل نمود. و برای وسایل بنشد مفرات حاصی وضع کرده و ماشینیهای حطی را با آرم شهرداری مرین نمود و از این نایت مالیاتی هم دریافت نمود که ماشینیهای ویژه باید داننا سپردارند. حسی دفتر و دستک در نقاط مختلف محله دایر نمود و شهرداری را در مرکز شهر مرمکر کرد و میسر از همه ترارگاد باسکاد را در محله سازمان داد و ما هزاران بریامنهایی کوچک و بزرگ هر حد بیشتر بر فشارهای موجود بر زحمتکشان محله افزوده و برای جلوگیری از درگیری زحمتکشان، سربوهای سرکوبگر را رشد داد. و این در حالی بود که هیچ کاری مسی بر اساس و رفاه حال مردم انجام نداد. به حادنها را مریت نمود و به کاری برای کسرت امکانات آوری و بهیادنی اتحاد نداد. نیا ۱۵ اتوبوس حردنه که قرار بود ما نمک گران به رانندگان بفروشد تا در محند کار کند. انا حوس گران بود کسی بیخرید و در بازکنک شهرداری خاک میخوردید و رانندگی همه برایشان استخدام شدند تا مثل نرکت واحد کار کنند. همه این عوامل روی حردنه اسانندند ما رسید برای یک شورش مابهمگم دراهه نمود و رمایی که در یک سح حردنه اسود تختم



## افزایش حق مسکن

## خبری از کارخانه مزدا

## یک معلم اعتصابی: گاه هم نمیتوان خورد!

در باره‌ای از کارخانه‌ها حق مسکن کارگران را افزایش داده‌اند که معنای آن تا ۱۲۰۰ تومان بوده است. معنی از کارگران افزایش حق مسکن را در رابطه با انتشار قانون کار می‌دانستند که جلوی اعتراض کارگران را خلیه آن حنثی نماید.

## سخنان رفسنجانی و واکنش زنان

در اصفهان تعدادی از خانواده‌های کشته شدگان جنگ، دهنری موسوم به "دفتر شادینا" را آتش زدند. دفتر شادینا یک اصطلاح است که مابین خود زمانی قوم و آخوندهای کثیف بکار گرفته می‌شود، و کارش رسیدگی به امور صیبه و با در یک کلام فاحشه خانه رسمی اسلامی است. بسیاری از خانواده‌ها به حرفهای رفسنجانی اعتراض کرده و خواهان جلوگیری از آن شده‌اند. در کارخانه صنایع الکتریکی البرز، بعد از سخنان رفسنجانی در نماز محمد، طوماری در اعتراض به حرفهای او توسط زنان کارگر و کارمند تهیه می‌شود که مدیریت و شورای اسلامی از ترس بازتاب آن در سطح جامعه مانع ارسال آن می‌گردند.

انتشار حرفه زنان، از جنبه‌های دیگر به مسئله نگاه می‌کنند. زنان روشن‌فکر و ما فرهنگر مثل دانشجویان بیشتر از توهین آمیز بودن مسئله ناراحت بودند و این حرفها را توهینی به زنان تلقی می‌کردند.

حضر روز سه شنبه ۱۵ دیماه ۶۹ می‌بویس سرویس کارخانه که در اتوبان تهران کرج مطرف تهران در حرکت بود. در حوالی شهرک آبادانا دچار سانحه شده و با ترمز کردن راننده مانسی اتوبوس در کنار اتوبان از روی پل سرنگونی می‌بود. بر اثر حادثه راننده می‌بویس پس از یک هفته و نیم هنوز بی‌پوش است و ده متر دیگر از کارگران دچار صدمه‌ی و جراحت‌های مختلف شده‌اند راننده مینی بوس یکی از کارگران خط تولید کارخانه است که ۵ صدمه دارد و هم‌اکنون تصادف نیز با یکی از سرباستان توپا کرده بود. حقیقت این است که مطلقاً نباید نام آنرا اتفاقی گذاشت. مدیریت کارخانه با سوءاستفاده و جهت عدم استخدام راننده از کارگران خط تولید برای رانندگی سرویس می‌بویس کارخانه استفاده می‌کند. مدیریت کارخانه تنها با رد کردن سه ساعت اضافه کاری روزانه سر و ند همه مخارج استخدام راننده را به هم می‌آورد. کارگران نیز توسط بیار مادی و بیگاری گسترده مجبور به تن دادن به این کار با تمام مشکلات آن هستند. کارگران که راننده می‌بویس هستند باید رستمان و تاستان صبح ساعت ۴/۵ بیدار شده و می‌بویسهای غالباً اسقاط و حراب را جهت سوار کردن کارگران بکار اندازند. بطور متوسط این کار حداکثر ماهی سه هزار تومان برای هر کارگر خواهد داشت و همه اسباب در شرایطی است که خرابی ماشین‌های کهنه. تصادف و ... مطرح است.

در هر ماه سال گذشته، کتب و شواهداتی میان معلمین شهر ارومیه سر سر مساله کرامی و تعدادی حداقل امکانات رفاهی برای معلمین حراب می‌باشد. حاصل این گفتگوها به صورت بر مانی یک کرده‌مانی معتمدین و طرح مطالبات خود با مسئولین کشور می‌باشد. کرده‌مانی در اواخر آبانماه برگزار می‌گردد و تعدادی از معلمین شهر در آن سخنرانی می‌کنند. یک معلم حراب به مسئولین چنین گفت: "آقایان و جناب محترم! من یک معلم هستم و حقوق سده با تمامی امتیازات آن برسد به سی هزار تومان. دارای سه عائله هستم. نصف گاه در این شهر کلتونی سیرده بومان است و اگر قرار باشد هر وعده ۱۰۰۰۰ کلو کاد برای حوراک خانواده‌ام و خودم تهیه کنم، در نماند روزی اندک صلح سصد و ده تومان از این ثابت برود که در ماه از حقوق من سه هزار تومان هم کسر می‌آید. آقایان! آیا کنش امک درآمدتان کثافت هرمنجای سرمایه آور را می‌کنند، حرم است! تا نرسیدن این کلمات نزد آور. حصار شروع به ولولند و گرد کردت و سپس معلمین تصمیم گرفتند که تا رسیدگی به درخواست بر حفاشان برای افزایش حقوق به اعتراض دست برند. اعتراض معلمین حدود ده روز ادامه یافت که داس آوران به حفاشان از اعتراض معلمین به نظاهرات دست بردند. شخصه اعتراض، افزایش دو هزار تومان به حقوق معلمان از اول مهر گردید."

## تأثیر اعتصاب معلمان در میان کارگران

بارهای از کارگران طرح می‌کردند که چند سال است که حقوق معلمان اضافه نشده و آنها جزو کم درآمدترین اقشار جامعه هستند. ولی تا اعتصاب و کم کاری کردند، دولت از ترسشان حقوق آنها را اضافه کرده است. کارگران هم باید همین کار را بکنند. تازه کارگران تولید می‌کنند و اگر بکنند تولید بخوابد، مملکت فلج می‌شود. دولت در مقابل کارگران، زودتر کوتاه صاب.

## فرمهای اطلاعاتی در کاشی سعدی

احیرا در کارخانه سعدی فرمهایی به کارگران داده‌اند که در آن برگشته سؤالانی که حسد کسب اطلاعات از وضع اعضای خانواده، سافه آنها، فامیل در خارج کشور و غیره دارد نوشته شده است. این سیاست رژیم در باره‌ای از کارخانه‌های دیگر دیده شده و حسد عمومی‌تری ندارد. در باره‌ای از کارخانه‌ها فرمهایی که توسط وزارت اطلاعات و دادستانی تهیه شده در ۳ نسخه یکی برای مدیریت و یکی برای احسن اسلامی و دیگری برای کارگران است که مسامت بر شود. نرم مرور در این کارخانه‌ها تا کون به کارگران داده نشده است.

## شورش در قلعه حسنخان

منوقف شد. تعدادی تظاهر کنندگان پیش از ۶ هزار نفر بود و با سنگ و درخت حاده ورودی به محله را بستند و شیشه ماشینهای دولتی را می‌شکستند. در این موقع از طرف پاسگاه ژنداروری آزادی پیش از حد صد متر ژندارم و سرباز ما سیر و باطوم و تنگ به مردم حمله کردند و شروع به تیراندازی هوایی نمودند مردم نیز با سنگ و چوب بطرف آنها حمله نمودند و این مقاومت بارها سب شد تا نیروهای انتظامی عقب نشینی کرد و دوباره بیروزی نماند. تظاهر کنندگان تا ساعت ۹ شب همچنان مقاومت می‌کردند و غلظت سینه شدن حاند قدم، حیر این درگیری تقریباً به تمامی دور و اطراف کرج و تهران رسیده بود بدلیل اینکه از تعداد مردم گاسته میشد و حجتکشان آرام آرام بطرف داخل محله حرکت کردند. اما از طرف دیگر از همان اولی ساعت نظاهرات بعد از ظهر کمندگیها و سروهای ساند محله که در نظاهرات صبح قدرت و توانایی عکس‌العمل از آنها سلب شده بود با آمادگی سمنوری برخورد نمودند و با کک گزنی از سروی کست و

سیاه تهران و کرج پیش از ۶۰ تا ۷۰ مانسی از سمت محله سرج حصار به داخل محله وارد کرده و سربهای برگشت تظاهر کنندگان را بستند. محله بخوبت حکومت نظامی در آمد و هر کس در حسابان رفت و آمد می‌کرد به حرم همکاری با تظاهر کنندگان دستگیر شدند. حتی مزدوران از داخل سرویس کارخانه‌ها هم افراد را دستگیر می‌کردند و با به مطها حمله برده و مردم منتظر در سالی انتظار را هم دستگیر می‌کردند. تظاهر کنندگان که نواسته بودند از راههای برقی خود را به حاند برسانند شاندر خانه‌هاشان دستگیر شدند. بطوریکه دستگیری به ۵۰۰ نفر رسید. در فردای آروز باز هم سروهای انتظامی و مزدوران کمنه افراد مسکوک را توسط حاسوسان شناسایی می‌کردند و تعدادی هم در خانه‌هاشان دستگیر شدند. هر حد تعدادی در روزهای بعد آزاد شدند اما هنوز تعداد زیادی در اسارت رژیم سر می‌برند. رحمتکشان محله قلعه حسنی خان همچون نظاهرات سال ۶۴ دسب به شورش زدند و بر نخریه خود افزودند.

## تغییرات اقتصادی مهم در دوره پس از انقلاب

ما اغلب درباره بحران سرمایه‌داری ایران و سرمایه‌های آن طی سالهای پس از انقلاب رسا دیده و شنیده‌ایم. ولی در باب علل این سر رفته‌ها و تغییرات مشخصی که این اقتصاد بخود دیده است خیلی کم کار کرده‌ایم. این کمبود البته بی‌غایت نیست. شدت بحران سیاسی در همین دوره سه فطما که کل اپوزیسیون را ترغیب کرد. تا فقط از دریاچه‌های تلسفاتی و امشای حکومت اسلامی به مسائل اقتصادی بگرد. اساسی روئی معمولاً در دوره‌های انقلابی غم‌گسار و نپسائل ما بمشهود. ولی در اینجا بطور مشخص نپس ویرانگر جمهوری اسلامی بعنوان يك دولت غسر - كلاسيك سرمایه‌داری سهم ربابدی در معرفت ندر ذهن ما از بررسی ویژگیها و تغییرات ساختاری اقتصاد دانسته است. نتجده اینکه امروز تصویر روشنی از خصمات و جود سرمایه‌داری ایران در دست نداریم. این کمبود درحالیست که اولاً سالهای پس از انقلاب، یکی از دوره‌های مهم تحولات سرمایه‌داری ایران بوده است؛ و ناسسا در نتیجه سیر این تحولات، و تغییرات جدا گانه دیگر در عرصه روسا، سرمایه‌داری ایران در آستانه چرخش تازه‌ای قرار گرفته است. این چرخش خود از دو سو بر اهمیت بررسی مستقل همه جاسسند تحولات اقتصادی گنجانید، یکی از این جهت که جمهوری اسلامی در مجموع نمکوند به تعارض خود با عملکرد و الزامات رشد سرمایه‌داری با نمانده با با نیایی محتاط تر. درجس جهتی حرکت کند؛ و دیگر اینکه ما طرح اقتصادی مشخصی که سسا استراتژی بین المللی سرمایه جهانی وفق میگرد به صدای آمده است. در واقع سوی اول حاوی اسس نکه است که اگر نا جیدی ستر دورسای انصا د بدون تحولی در قدرت سیاسی و تغییر سسی حکومت با معلوم مسمود. و همس نکته سده بدرستی مسنله اصلی همه احزاب را تشکیل میداد؛ اکنون این رابطه وارونه مسمود. حالا نوجه مرکزی ساند به اس نقطه معطوف سوده که آبا طرح جدید اقتصادی دولت مونی خواهد نند؟ زیرا از اس سس آنده حکومت اسلامی به نسجه کار او در ترسسه انصا د سنگی دارد.

کار جسر بررسی‌ای ساده سس، مشکلات و کمبود اطلاعات مؤتمنی بر سر راه نوحودسا و رید، ولی رها کردن آن بدلیل مشکلات کار را مشکلسر میکند. ساند از نقطه‌ای شروع کرد و نسجه سبسی و کامل فقط مستزاد حاصل کار همگانی و درآرمد س ساند. هدف اولس ما هم سدا کردن يك نمای کلی از وضع کنونی اقتصاد و تغییرات جسد سال گذشته است. خطوط اس طرح در طول حرکت کاملتر ویر - رنگتر خواهد شد.

روش مقاسه‌ای برای سز آثار این کسار میتواند روشی ساسی ساند. برای بدست آوردن

يك تصویر کلی و اوبند ار آنچه نده، مدل اقتصادی ستر از انقلاب را مدنوا بانه سجش نرارد اد. ما ابرا راه‌گشا سداسیم و در این انتخاب به دهه ۵۰ اکتفا میکنید که دوران شکوفایی و اوج نكامل سرمایه‌داری ایران و سکل‌ساختی ساختارهای آن سوده است. اس حالتادکی كلك ربابدی به سلك بررسی مقابسه‌ای میکنید. یکی به این دلیل که در آن شاخصهای مورد نظر و مختمات عمومی سرجسنتی داربد و دیگر اینکه به همس علت دست - بافتی به زمان سترنگ را آسانتر میکنید. برای مثال در همان سالها تلسرغم سبته‌سکسبهای سیاسی و برنامه‌های متفاوت در میان گروهها و جریانات فکری جب بر سربك رسنه تحولات سرمایه‌داری ابرا ن و شاخصهای سرحسبه آن رومد همگراشی دبده مند. ملا از اوائل دهه ۵۰ دیگر نظرگاههای چور سوبه نولند آسایشی با نظام فئودال - سسه مستعمره و سباهاتسان که در دهه ۴۰ رنگوبونی دانستند. زائل شده سوبد. در عوض دسنگاههای که سه غلمه سرمایه‌داری باور دانستند. رومسرن نند و ساحتات روی مقولات بالانتری سمرکر مسسد. مساجرات مربوط به اهمیت و جایگاه واسستگی در نسس سرمایه‌داری ایران جدل بر سر تفاوت د و مقوله سوزواری " ملی " و " داخلی " و همسطور نسعیس جایگاه افشار حاسبه تولد از آن جطلم سحتبهای سوده که میرفت گرابشات ساسی و دید - گاههای متفاوت دهه ۴۰ را در سطحی دیگر از سگدیگر تسکسک سده و در عس حال سر دامسه متروفا مشترک درباره سرمایه‌داری ایران سبافراید. سسی نریدد سطلق عسی اس همگراشی در مفروضات اولسه خود توسعه پرنسباب و انگاری سبدر سرمایه‌داری بود. سار سسی واقعبات اقتصادی آروز ابرا ن سخوسسی شان مبدده که تلسرغم آثار رخنی تسبیسرات ساختاری. چهارچوب های سکل گرفته تا آن مقطع برای ساخت ویژگیهای انصا د ابرا ن جسا ن جنسیت و سسای بر خوردار سوبد که سسوا ن داده‌ها نطمی در دهست حاسد كك شده سوبند. واقصا ن س حون. اتکای مادی کل انصا د به درآمدهای ستنی سلسه سبچون و جرای انصا د دولتی بر سس سس خصوصی. ورن سسکن سخر خدمات سست سه سخر کشاورزی و صنعت. عتف ماسدکی فاسس انصا د کشاورزی سست به سگائل دو سخر خدمات وسعت و بطور کلی سست به درجه توسعه ماسکی کل انصا د؛ عتف ماسدکی سخر سولند کسسه ده مخیولات سولندی در برابر ظرفیت و سار سار ر داخلی و حصوس سست به سخر سوبد کسسه محصولات مصرتی؛ سسایب ماساسب میان سسشن صنعت سدرن با سولند کوچک عتف ماسدکی سسرتط سخر ساملد. سب در زمان راحسر سسسم سوزسج ار دو سخر سولندو سسرف. اگرچه اس عتف ماسدکی ساملد در هر نطه تازه استرار ساند عمومی

دارد. ولی ویژگی اقتصاد ما در فاصلد زرف میسا ن آسبانت. و همسب سگات سار سسرف و ماسدله عمدتا سعلت و اسنگی انصا د و ساخت مصرسی نحمیل شده از آساست. از هم سبختگی نسعمسایانه در نمای رسنه‌ها و اسامهای اصلی انصا د و بالاحرد آخریس مسخره سرجسسه آن. واسنگی يك جاسد آن به انصا دجهانی سرمایه‌داری است.

سؤال مفدم سس از اس مادآوری اس است که امروز جس. سعداد سرگدناردن تحولانی چسوزن انقلاب. روی کار آمدن جمهوری اسلامی. سسک هسب سانه و محاسره انصا د. چه بر سر همسب چهارچوب آمده. آنا سبجکدام از این محورها سسبر اساسی‌ای کرده است. اگر آری. کداسنان و سسرات غیر اساسی چه سوده است. در این مقاله سگاهی به این تحولات خواهیم دانست.

### اقتصاد دولتی

رند سستر انصا د دولتی یکی از مشخصات سرجسسه انصا د در دوره پس از انقلاب سوده است. در اس مورد ساند سسوا ن از يك جهتی سحتت کرد. دخالت دولت در امور انصا د سحکاد نظیر دوره پس از انقلاب سوده است. اگرچه تاریخ تکامل سرمایه‌داری ایران با توسعه هر جس سسشر بخش دولتی همرا سوده است ولی از سسط جهش وار قدرت انصا د دولت فقط در دورمان سسوا ن کفتگو کرد. یکی از ساسه دده سبجاه سدنمال مسعود قسمت و دسگری دوره پس از انقلاب که س سماماره سرامه های سوزواری سربکون نده آغاز کردد و در جریا ن حنک هسب سانه به اوج خود رسد. گذشته از سسک ربه تاریخی سسشرک همچون. همه سوا ن سودن قدرت دولتی در ابرا ن. سعت مالکیت خصوصی و طمسبه سوزواری و ستن امیرالسیم در سار ماسدهی سوزواری جاسعه از طرس دولت. از اس قدرت انصا د دولت در هر دوره از نكامل خود. دلائل و سئل خاصی دانسته است. برای سائل سبچیک از سب علت سعه توسعه قدرت دولت در دو دهه ۳۰ و ۵۰ در دوران حاکمست جمهوری اسلامی ستن سدانسته‌اید. به خط سنی سرالطلی اسرالسیم. که در آن دوره سسوق انصا د دولتی سوده. به استرارتی رژیم شاه برای اسسقر ار يك جاسعه و سعه سوزواری و به جس ستنی. در اس دوره موصوسسی سدانستد. ولی در عوض سوا سلی حون. انقلاب. ویژگیهای سیاسی دولت جدید و حطسی انصا د آن. سحک خارجی و محاسره د انصا د همان سسگر در در جهت سسشر اس سولای انصا د بر عتبه گرفته. در اسس سرحلد هم. دولت از دو طرس سسسم و سسسه سخر انصا د را در دست خود دانست. سسی هم سب استرار از اس اساره سرامدهای سح مالکیت خود

و هم اعمال سازمانهای کنترل کسبه در رهنه‌های مختلف - نیروی‌های جنگو فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی - تاثیر زیادی در اعمال کنترل و نظارت دولت در زمینه‌های چون قیمت‌گذاری - توسعه و تجارت خارجی بها گذاشت. در حالیکه انباشت سرمایه‌های دولتی سنخ سرمایه‌خود انقلاب و متادتر صنایع - بانکها - سمه‌ها و ۰۰۰ بود - این نکته را باید افزود که این هر دو شکل انباشت قدرت دولت نوسانات زیادی در سالهای مختلف داشته است - و سنده به سارهای متفاوت جامد در هر لحظه معنی تغییرات مشخصی در هر رهنه معین رخ داده است - مثلا تجارت خارجی در سال ۶۵ تعلیم سقوط قیمت نفت سنج بخش خصوصی تغییرات مهمی خود دید - با همسپو کاهش برنامه‌های عمرانی دولت در سالهای ۶۴ تا ۶۵ سهم بخش عمومی را در رشته مانعین آلات کاهش داد - اصولا درجه انباشت نوسانات در اقتصاد ایران شدید است - تعلیم و استکی اقتصاد به درآمد نفتی از یکسو و وابستگی صنایع به محصولات واسطه‌ای وارداتی از سوی دیگر - تراز و نیروهای جنگویی همش وجود دارد - مثلا در اثنای همسر بحران خلخ فارس و انزلی - ناگهانی قیمت نفت در کمتر از دو ماه - هشتاد میلیارد دلار به درآمد دولت افزوده شد - با این حال ساختار کلی مالکیت در بخش دولتی و خصوصی و چهارچوب دخالتهای دولت - خصایص بایرداری دارد که فقط تحت تاثیر حوادث بزرگ قابل تغییر است - ما مراجعه به آمارها متوان این روند تکاملی مالکیت دولتی را علیرغم نوسانات متفاوت مشاهده کرد - طبق نتایج سرشماری کارگاههای صنعتی کشور توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۱ از ۳۹۷۳ کارگاه بزرگ (کارگاههای با ده کارکن به بالا) ۲۸۳۴ (۶۶/۵ درصد) به بخش خصوصی، ۸۹ کارگاه (۲/۲ درصد) به بخش دولتی تعلق داشته و ۵ کارگاه دیگر مختلط بوده است - تا سال ۱۳۵۵، ۱۴۵۹ کارگاه جدید بر این تعداد افزوده میشود و لسی تغییر در نسبت‌های باد شده رخ نمیدهد - در این سال از ۵۴۳۲ کارگاه بزرگ صنعتی ۵۲۴۷ کارگاه (۹۶/۶ درصد) به بخش خصوصی، ۱۲۰ کارگاه (۲/۴ درصد) متعلق به بخش دولتی و ۵۵ کارگاه بقیه (۱ درصد) مختلط بوده است - اما بعد از انقلاب ما با انزاست ندمت تعداد کارگاههای بزرگ دولتی مواجه هستیم - بطوریکه در سال ۶۴ سهم این کارگاهها از کل کارگاههای صنعتی به ۱۵ درصد میرسد - طبق آمار سازمان برنامه در سال ۱۳۶۱ از ۶۹۳۸ کارگاه دارای فعالیت ۹۸۲ کارگاه تحت مدیریت یک یا چند نهاد بخش عمومی بوده است - مالکیت اداره ۳۲/۹ درصد از این کارگاهها سده سازمان صنایع ملی ایران - ۲۰ درصد به نسنا د صنعتگان - ۳/۳ درصد به جهاد سازندگی - ۲ درصد به نهاد سپه - ۸/۷ درصد به وزارت صنایع سکیس - ۴/۳ درصد به وزارت صنایع ۲/۸ درصد به بانک صنعت و معدن - ۱/۴ درصد به وزارت کشاورزی و ۲۲/۶ درصد بقیه به دیگر دستگاهها تعلق داشت - ۱۰ به نقل از " رشد روابط سرمایه‌داری

در ایران (مرحله کسترش) ، پوئنه محمد رضا سوادگر) ۰ در واقع طبق این آمار شمار واحدهای بزرگ بخش خصوصی که سر از نام به دولست منتقل شد - حدود ۷۰۰ تا ۷۵۰ واحد برآورد میشود - از آنجا که طبق آمارهای فوق ۶۰ درصد شرکتیهای بزرگ بخش خصوصی به سازمان صنایع ملی ایران و نهاد مستضعفان منتقل شده نگاهی به داریهای این دو نهاد متواند ابعاد مالکیت بخش دولتی را نشان دهد - خالص نیروی شرکتی که به اسس دوسپاد تعلق گرفت - در سال ۵۶ - ۲۶۰ میلیارد ریال و در ۱۳۵۷ - ۲۴۲ میلیارد ریال و سود ویژه آنها در سال به حدود ۱۳ میلیارد ریال بالغ شد - مقایسه ارقام مربوط به مقدار سرمایه صنعتی - غیر نفتی در دو دوره نقل و بعد از انقلاب همس وضعیت را نمایان میدهد -

جدول ۱

برآورد مقدماتی تفکیک سرمایه صنعتی غیر نفتی در سال ۱۳۵۷ (به میلیارد ریال) به تقیبات سال ۵۶

نوع صنایع	فصل اولی	فصل اولی
نندن صنایع	نندن صنایع	نندن صنایع
سرمایه بخش عمومی	۷۰۳/۹	۲۹/۵
سرمایه بخش کوچک و روستایی	۲۸۴/۳	۱۵/۹
سرمایه بخش خصوصی متوسط و بزرگ	۷۹۵/۰	۴۴/۶
جمع	۱۷۸۳/۲	۱۷۸۳/۲

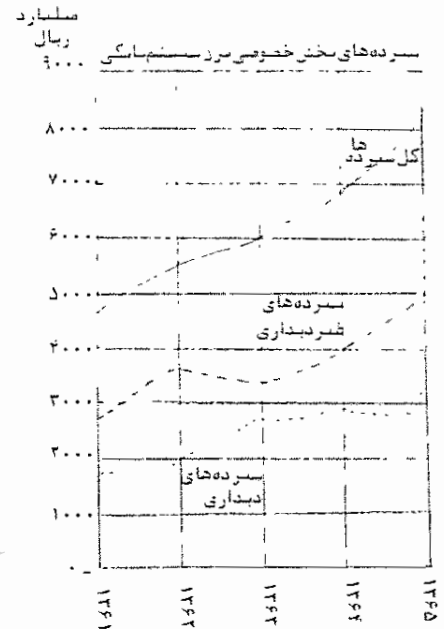
تقسیم شده بر اساس آمارهای سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۸ - چنانکه در جدول شماره ۱ مشاهده میکنید - سرمایه بخش خصوصی متوسط و بزرگ از ۲۲/۶ درصد کل سرمایه صنعتی - پس از انقلاب به ۱۳/۴ درصد کاهش یافته است و متوجه به ثابت بودن درصدها سرمایه بخش کوچک و روستایی - همت سرمایه گاهش بافته به بخش عمومی انتقال داده شده است یعنی رقمی حدود ۵۵۶/۵ میلیارد ریال یا ۳۱/۲ درصد کل سرمایه بخش صنعتی همچنین باز برای اینکه به جایگاه کلسدی و تعیین کننده سرمایه‌های صنعتی بخش دولتی در مجموعه صنعت کشور بسی سریم باید به آمارهای مربوط به ارزش افزوده هر سه بخش داخل جدول توجه کنیم - ارقام مربوط به این سه بخش در سال ۵۳ بدین شرح است: کل ارزش افزوده صنایع ۲۵۴ میلیارد ریال بوده است که از این مقدار - ۶/۵ درصد متعلق به کارگاههای کوچک روستایی - ۲۰ درصد کارگاههای کوچک شهری و ۷۳/۵ درصد بقیه به کارگاههای بزرگ صنعتی تعلق داشته است -

دکتر ابراهیم ررانی بر در کتاب خود در توضیح نسبت تعداد کارگاههای بخش دولتی و خصوصی - مقدار ارزش افزوده آنها و وضع اشتغال سر از انقلاب آمارهای جالی بدست میدهد - ۱ و سر بر این نکات است که متذکر که باوجود درصد

اندک کارگاههای بخش دولتی نسبت به کل کارگاههای های صنعتی (صان ۸ تا ۱۵ درصد در سالهای مختلف سر از انقلاب) - بالاترین سهم ارزش افزوده متعلق به این بخشها بوده است - ۱۰ درصد از مجموع ۷۵۱۳ کارگاه فعال - تعداد ۱۰۲۶ کارگاه با ۱۲۰۷ درصد - تحت مدیریت بخش عمومی اعم از وزارتخانه‌ها - سازمانهای دولتی و سپاههای انقلاب اسلامی بوده است - این کارگاهها همچنین ۷۲/۸ درصد از مجموع ۳۳۲ هزار نفر شاغل در کارگاههای بزرگ صنعتی - و ۷۳/۵ درصد از ۲۹۰۹ میلیارد ریال ارزش افزوده آنها را بخود اختصاص داده اند - این امر سبب کاهش قابل توجه این صنایع در میزان اشتغال - ارزش افزوده و تولید کارگاههای بزرگ صنعتی و نشاندهنده اهمیت سرمایه‌های بکار افتاده در این واحدهاست " (صحه ۳۸۷ اقتصاد ایران - ۱ - چنانکه سنسر هم ذکر شد - تحت تاثیر عوامل متعدد اقتصادی - نوسانات مختلفی - در هر سال رخ داده است - در رابطه با بخش صنعت سر در هر سه محور مورد بررسی - یعنی تغییرات مربوط به کارگاهها - سهم سرمایه‌های دولتی نسبت به بخش خصوصی و ارزش افزوده آنها تغییرات زیادی روی داده است - چنانکه همسر ناختمها در دوره بحث از انقلاب هم هیچگاه ثابت نبوده اند ولی در یک مقایسه کلی اس دو دوره سهم مالکیت دولتی انباشت دانسته است -

در مورد سرمایه‌های بانکی نیز بطریق اولی همسر تحول روی داده است - بانکها متوانند شاهرکهای اقتصاد امروز و تاثیرات کسنردهای که بر تعامیت اقتصاد دارند متوانند آنقدر تحت کنترل کامل دولتی قرار نگیرند - آهم دولتی که از لحاظ اعتقادی به ملی (دولتی اسدن کامل نظام بانکی معتقد بوده است - البته بانکها سر مابند بخش صنعت در دوره سر از انقلاب راهروال سمودند و از دامنه قدرتشان شدمت کاسد شد - عواملی مانند کاهش درآمدهای نفتی - تراز سرمایه‌ها در سالهای اول سر از انقلاب - سادوه سیاسی - سیاسی - اقتصادی - اختلال در نظام بانکی جمهوری اسلامی بواسطه مشاجرات مربوط به حدت سپر د بانکی - و بالاخره انباشت سدهکاری دولت به بانک مرکزی در طول سالهای حید که ندمت به انحصار بانکها لطمه وارد کرد - بطور کلی به نسر اهمیت نقش بانکها سجر گردید - با اسحال از نقطه نظر نفسر مالکیت - ملی شدن بانکها در سال ۱۳۵۸ تسلط کامل دولت را بر این بخش مهم اقتصاد تأمین کرد - بدین ترتیب ۲۷ بانک خصوصی در دست دولت قرار گرفت - این ۲۷ بانک در سال ۵۷ بزرگترین ۲۰ درصد کل سرمایه‌های بانکی کشور را در اختیار داشتند - بقیه سرمایه‌های بانکی در همان سال یعنی در واقع ۵۸/۲ درصد کل سرمایه بانکی کشور در اختیار ۸ بانک دولتی - و مابده آن در دست بانک مختلط بود - ولی علیرغم تضعیف قدرت مالی بانکها (تدللی که گفته شد) - تکرر هم آنها در دست دولت قدرت قابل ملاحظه‌ای در احصار آن قرار داد که در سالهای حید خود را نشان داد -

سپرداری از سپرده‌های مردم و استناد به سرمایه‌هایی که سنتز در اختیار بانکها بوده است ابزارهای کم‌اهمیتی هستند. در همین راستا گزارشنامه سال ۱۳۶۵ بانک مرکزی آمار مربوط به افزایش سپرده‌های بخش خصوصی بر سه سینه سرمایه‌های را از سال ۶۱ تا ۶۵. بدین شرح اعلام کرده است.



کنترل مالکیت دولتی را در دیگر بخشهای اقتصادی، مابعد تجارت خارجی، حمل و نقل و بخشهای مهمی از خدمات عمومی و همچنین رشد کشاورزی میسوار می‌گردد و با آمار و ارقام حدود و نفوذ آنها را بدقت روشن کرد. علاوه بر آن چنانکه گفته شد، افزایش قدرت بخش دولتی فقط از طریق اژداد مالکیت و سرمایه‌های این بخش تحقق می‌یافتند است بلکه مداخلات دولت در زمینه‌های قیمت‌گذاری، تنفس بوج محصولات وارداتی و صادراتی، تعیین ظرفیتهای بازرگانی در زمینه تجارت خارجی و همچنین، الویت‌بندیها و سیاست‌های گران‌بهر در سپرده‌های کشاورزی و نظایر آنها خود را نشان می‌دهد که بررسی دامنه و کیفیت این دخالتها که سیاست‌های تجاری و بحرانهای نسیبده‌ای در ساختار اقتصاد پس از انقلاب بوده است، خود جایگاه ویژه‌ای دارد. و چنانکه امروز شاهدیم، با تشریح " دوره بازرگانی " و تغییرات مهم در بنی ساختار دولت، استناد به سیاست‌های گذشته سنگل نسیب از طرف خود رهبران جمهوری اسلامی آثار نشده است. و از جمله یکی از این استنادات که سرچشمه رواج مساند، استناد به کمترین مالکیت دولتی است. متناوب گفت که درباره رسد مالکیت دولتی پس از انقلاب میان صاحب نظران بحث‌های اقتصادی اعم از داخلی و خارجی اختلاف نظر وجود ندارد. آخرین بررسی جامع در اسناد که توسط کارشناسان صندوق بین‌المللی بون انجام شد با مخالفتی روبرو شده. اساس تحلیل این صندوق که مورد موافقت جمهوری اسلامی هم قرار دارد

همی است که توسعه سرمایه مالکیت و دخالت دولت در اقتصاد ساختار اقتصاد ایران را به نحو غیر قابل تحمل و بحران‌زایی تغییر داده است. سایر این بحث درباره موقعیت اقتصاد دولتی فقط در دو جهت می‌تواند پس برود که تقاطع درگیرها است. یکی درجه درستی و نادرستی توسعه بخش دولتی. هم منظور کلی و هم در رابطه با اقتصاد ایران. دوم تفاوت در اجزاء و اندازه‌های مالکیت دولتی پس از انقلاب.

نقش

درباره جایگاه استراتژیک نفت در اقتصاد ایران باز به سه‌گانه توضیحی بسط. توسعه درباره بخش بخش کسب و کار در سرمایه‌داری ایران. سر از آنکه چنین سنی سال ۱۳۶۳ رخ داد نرسیدی بمنوا دانت. آثارهای کوباکویی وجود دارد که موجب نسیب کسب و کار را در رسته‌های مختلف اقتصاد نشان می‌دهد. سهم نفت در درآمد ملی، سهم بودجه از درآمدهای نفتی، جایگاه ملامت صادرات نفت در تجارت خارجی، سهم نفت در رسته‌های حسابهای مختلف اقتصاد و همه و همه بخوبی وابستگی سرمایه‌داری ایران را به این ماده استراتژیک نشان می‌دهد. تا جاییکه به اهمیت حیاتی نفت مربوط می‌شود. در دوره بعد از انقلاب هیچ تغییر کمی رخ نداده است. وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی امروز بهر همچون گذشته باقی است. و روس است که نسیب و تکنیک دگرگونی اساسی ای در تولید نسیب و کشاورزی ایران بوجود می‌آید، وضع به همین مناسبتی خواهد ماند.

سرمنظر از این موقعیت کلی، در دوره پس از انقلاب تغییراتی رخ داده است که چندان کم اهمیت نیستند. هنگام بررسی موقعیت نفت به جسد دارای اهمیت است، و تفسیرات مورد نظر ما با توجه به آن است که جسد اررایی منسود اول موقعیت اقتصادی نفت در بازار جهانی. دوم تغییرات در ساختار اقتصادی، مستقل از نفت و سوم تغییرات تکنولوژیک مربوط به صنعت نفت. در رابطه با محور اول، نباید گفت تلیرغم غیرممکن بودن سوکهای نفتی، ساختار جهانی بازار نفت پس از بحران دهه ۵۰، تنوع مصرف‌کنندگان تسهیل کرد. صنعت دخره ماری، افزایش خرید حوشتی در سجه کاربرد سپرن تکنولوژی، تبدیل بدگر کردن صنعت برای مصرف اررایی متناوب، افزایش تولید کشورهای تولید کننده نفت. از جمله تغییراتی بوده‌اند که قدرت ماسور کارتل‌های نفت را در نسیب قیمت نفت بسیار محدود کرده است. دهه ۶۰ دهه‌ای بود که این تغییرات به آرزوی گذرانده شد. و در آن آرزوی حامد سرگی حیون حکم ایران و عراق که اکثرا فکر مسد. سوک گرم را وارد خواهد کرد بنیابست مناوبت بازار را نسیبند. در عویش در سال ۶۵ نفت سفید با سرل کرد. و چنانکه صدایم در سجد همین سرل، حصار اب سدنی به اقتصاد ایران وارد شد. در هر حال سرمنظر از معموات غیر قابل نسیبسی که استه پس از حکه حشج فارس باره از نفتی خواهد کاسد

شده ( بطور کلی يك دگرگونی اساسی در نسیب تنوع تولید کنندگان چندان محتمل نیست. در مورد محور دوم، یعنی تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران، مانند دو نکته توجه کرد. اول افزایش رسته‌های دولتی که بواسطه سطح همه جاسد دولت و سازمان‌های کوناگون وابسته آن بدیده نسیب متناوبی از دوران پس از انقلاب است. دوم افزایش جمعیت و سرج رشد آن (۳/۷٪)، که متولیه بسیار مهمی در بررسی اقتصاد پس از انقلاب را نسیب می‌دهد. تغییرات نامرده به افتاد سر رت اقتصاد صنعتی و کشاورزی، سهم رسته‌های جاری را در میان رسته‌های عمرانی در درآمدهای نفتی اثرات منفی می‌دهد. در واقع سر به‌فرای اقتصاد، موجب نسیب نسیب را هم نسیب می‌کند و پس از نسیب بر نسیب آن نسیب به درآمدهای ارزی برای رفع نیازهای روزمره دولت مافزاسد. در مورد محور تکنولوژی، دو نکته سرجینه وجود دارد. اول خسارات ناشی از نسیب کادر و مدرست. دوم خسارات مربوط به حکه. اگر چه این محور منکی است در مقایسه با دو محور نسیب از اهمیت کمتری برخوردار است. ولی نسیب حداقل تا آنجا که به سالهای پس از انقلاب مربوط می‌شود. این عامل در کاهش نسیب نفت و تغییرات دگرگونی رسته‌های مهم در اوایی دانسته است. خسارات همگنی که در مراحل مختلف نسیب در تاسسات نفتی، بخصوص بالاسکاهها و تاسسات حش و نقل و جابه‌جا وارد شد، عملکرد بخش نفت را نسیب کاهش داد. سایر اررایی کارشناسان صندوق بین‌المللی بون " تولید نفت در نتیجه این خسارات هیچگاه به مرز سه میلیون بشکه در روز نرسد، یعنی همواره ربر نسیب مقدار خود در سالهای دهه ۵۰ تا ۶۰ دانسته است. و سهم آن در تولید ناخالص داخلی به ۲۰-۱۰ درصد رسد. در حالی که این سهم در دهه ۵۰-۳۰-۳۰ درصد بوده است. همچنین سهم درآمدهای نفتی در کل درآمدهای بودجه کاهش یافت و از دوسوم در سال ۵۹ به حدود يك چهارم درآمد ها در پایان دهه ۶۰ رسیده است. و این در حالی است که نفت همچنان سهم غالب را در درآمدهای ارزی خارجی حفظ کرده است. (در حدود ۹۰ درصد) اگر هر سه این محورها را با یکدیگر در نظر بگیریم، و در مقایسه با دهه پیش از انقلاب فرار دهسیم، سوجه تغییرات مهمی در بخش نفت و نسیب آن سجد حیات اقتصادی کشورمان خواهیم شد.

**اگر میلیاردهائی...** دنباله از صفحه ۳۲  
 تقایید هر بیست‌هائی بطای جدید جنگ باید قیمت جاری (سال ۱۹۹۱)  
 • حکه حشج فارس (سال ۱۹۹۱) ۱۱۳ میلیارد دلار  
 • حکه کرد سالهای ۵۳ - ۱۹۵۰ ۲۵۶ میلیارد دلار  
 • حکه وستند سالهای ۷۳ - ۱۹۶۴ ۵۷۰ میلیارد دلار  
 • حکه حیوانی اول سالهای ۱۸ - ۱۹۹۲ ۳۸۰ میلیارد دلار  
 • حکه حیوانی دوه سالهای ۴۵ - ۱۹۳۹ ۳۱۰۰ میلیارد دلار  
 اند نقل از محله "ارتقای حویش"



الهیات رهائی‌بخش:

سرمایه ناری گماهی مرکب

راهن برآمد آریس، کس کسکی روسی کابولنگ هانسی بر سران آریس‌اندیس نمسند دیکناوری حد در دوالند و سرانسد فرستاده بوده است. او با اتحاد "ساز افشار حسن" و گروههای امد و خماری نفوس خود در سال بوده جلس دهخای یورب - برسی استحقاق هانسی گریس داده بود. در حاکم کسند براب کس از حاکم سکاموری صدر برتک آریسند سروری خود را از ایدر رهاسنج افلا- بخوده وجود را از هواخوان "سگرب" و "کرده مال" اکسپهای طرف در ایجاب رهاسنجس بکاراگوشه و از اعطاء حیدر ساندیس، سگرب ساؤرد. کس از برکناری دوالند، آریسند در براب حکومتی نظامی و آفرین موقع سگبار سرحانه‌ای اتحاد بود. او بخدمت‌های آوار ساه "سرمایه‌داری گماهی مرکب" سر ساحت و شمار ضرورت مبارزه طبای و برسانسدند ز هانسی بیغور سها راه رهانی بوده مردم سحس سکند. مخالف واکس و کسکی مالسری هانسی موجد مد ناگس سعند و مد گامادا از طرف سوزای اسدخدی هانسی در سال ۸۸ به اسپتام "سروح بپر و مبارزه طبانی" صدر بود. اما جناب بودهای و سبدند به سرور مد کسند سرکیمی هواسانی از نروس سمدانده حالسی کند و بران کسای از اجراج و رکنسا سمدند و سگرب بکدارند.

سوسیال دمکراسی در کدام سو؟

از ماه مارس ۹۰ تا برکناری بران آوریس در بران حسن بوده، صددهی سانی بران استجابات آفران بد بپرس گروهندسها بنسراز بر سر بوده:

"اتحاد ملی برای سرب و دمکراسی" بد رهبری نازک مارس. درک مارس بر سرمانده ازان صباحر هانسی مساند که در حاکم و در انجمنس در س دوسنگ بران دارد. وی از مدبران سخطندای ساند جنابی ساند که از سال ۸۲ میوزان و سبر ساند وارد دسگاه حکومتی دوالند شد. او خود را محافظدگار سوزسرا ساند. حاکم ساندند در حماسی ۱۴ سسرده سوز حاکم سخر آمریکا کند سمدبریس سمدسگریمده هانسی سمد سسر ار داد. آفران سبر سنج ۳ سسوز دلار سسند سسوزی استجاباتی آفران بران سرانر بخوده و سانی سربند سنده دخالت آمریکا در امور دخی سوزهای سگر رهاسوی بد است ساند. کسوانی سمدندهی روس کابولنگ بران بران جناب بخوده و سوسند سگر. رهاسویس آریسند حاکم سمدند. حرب سوسبال - دمکرات هانسی بد رهبری حرر زیل سسر

تاریخهای مهم در سیاست هائیتی

- ۱۹۵۷: اسخاب نراسوا دوالند به سخت و سیری.
- ۱۹۶۲: دوالند خود را بخدمت سر مادام‌العمر افلا مگند.
- ۱۹۷۱: برتک نراسوا. بران کلود سرس حاکم بران او سگره.
- ۱۹۸۶: بران بران کبود دوالند. بران ممفی با ادعای هدایت هانسی سسوزی دمکراسی قدرت زادرسند سسگره.
- ۱۹۸۷: قانون اساسی با حمایت وسیع نوده‌ای نسویب مسود. ممفی اسخاب را بد خون گسند و لغو مگند.
- ۱۹۸۸: در زامبه ساسکات در اسخابات نقلی سگریمده مسود. در روسس بران ممفی او را سگرار مسارد. در سناسر بران آوریس ممفی را سگرار مگند.
- ۱۹۸۹: سحس از آریس سمد بران آوریس کودتا مگند اما موقع سسوز.
- ۱۹۹۰: بران آوریس افلام حکومت نظامی مگند. اما در ماه مارس سسر سناز حاکم بودهای گار مسود. در ۱۶ دسامبر آریسند با ۷۰ آراء، بران سسوزی سگریمده مسود.
- ۱۹۹۱: در ۷ ژانویه کودمای لانوسات سگرب مسود. در ۷ ژانویه بران سسند سحت رسد جمهوری اتحاد سده و آریسند قدرت را بدست مگند!

در محل سخنرانی انتخاباتی منجر به کشته شدن ۵۰ نفر از طرفداران آریسند شد.

"جست‌جاری ملی" ابن نجم سده استکار حرب متحد کموسست هائیتی (حزب سسوزی کموسست) بد رهبری ربه نشودور ایجاد شد. حزب کموسست بدون در نظر گرفتن قدرت جست‌نوده‌ای و با عنوان کردن دلائلی ماسد انراطکارببهای غیر - معقول، ایجاد انتظار معجزه، برنامده ناروشن و غره خود را از جست‌نوده‌ای جدا ساخسند و در حاشیه نزار گرت. ربه نشودور معتقد است که فصل از افلام کاندسناوری آریسند، نمایند نوده‌ای اساسا در سمت "حکم سراسازی ملی" بود ولی با ظهور آریسند و کار امتداد خستی از تنگه سازمانبهای خیرید سراسری واستند به کلیسا و بسوزه رادسوز و مضبوطات بسروضه، ستاره اقبال از "جست‌جاری سراسری" روگردان شد.

در ۱۸ اکتبر ۹۰ سیر روجر لانونتانت وزیر داخله دوالند که سر از خفاگاه در آورده بود خود را کاندسندای ریاست جمهوری بد سابدگی از طرف دوالست‌ها مسود. او که از هر سوز حساب سدادن خاطر اعمال کدسندای طرفه رفته بود بد مرکز س نظر نجهید سازمان نرس ماکوت سمدبل شد.

با برکت ای کاندسندای ریاست جمهوری و در فضای آگنده از نهبدات سماندگان واسته سه حجابهای سوزوزاری در روز ۱۶ دسامبر اولس انتخابات آزاد هانسی سگرار شد و آریسند با ۷۰٪ آراء بد سسوزی نظم دست ساند. اما دوالست‌ها که از سمدخ اسخابات بد ختم آمده بودند در همت زامود دست بد کودتا زدند. ولی با سمدده سدن سسوزهای محسومی که اولس تمام سرگان هانسی برای اسقلال در سال ۱۸۰۳ با صدای آنها آغازند د بود. نوده سسنگس بد حجابها سراسر شده و در طرف جد ساند به کودمای لانوسات سمان دادند. نوده سسنگس "سرسناکونها" را بد آریسند

که از مدل حرب سوسالست براسده طرفند از سسمانده مچون اکثر نرب بد اتفاق همتان جهان سومی خود با وداع کنس بد هر سوز رادیکالسم بد جف "اتحاد ملی برای سسرمت و دمکراسی" سسومند و از بارب طرفداری نمود. دولت براسده نبر امکانات خود را سوزی پسروری سازب سگبار انداخت!

"جهت ملی برای دگرگونی و دمکراسی" نشکلی که از گروهسندببهای چپ رادسکال ایجادسندای بود با نوجه به سذود نوده‌ای آریسند، وی را از سوز خود کاندسندای ریاست جمهوری مسود. سعارهای انتخاباتی سمارت بودمد از: عدالت، کار و نظم سدمکراسی. واکش نوده‌ای به کاندسناوری آریسند سسار مساند بود سظوریک ناموسوی برای انتخابات از ۳۵٪ بد ۹۰٪ انراش سامت. استکار "حسبه‌دهی برای دگرگونی" مانوجه بد رمنده‌های ملی و سسر ظرمت سسار سلالی جست‌نوده‌ای موجب سرح و آریسند از ک کسش برسی بد "نهرمان طیبی-آدها" بد محورهای سلسفات انتخاباتی او سنازه بودمد از: عدالت از طرف سقسق عادلانه سروت. مبارزه برای از بس بردی سسواد و فقر. حماست از بسوزوان و نولند کسندگان حرد و روسق دادن بد سسب و کار. نسحم سدمکراسی از طرف سمدخ حساب نظمی با تقای دوالسم و سسر نامس "دمکراسی مداخلدگرا" با تعال ساخس سسسم شهردار سها در دوره نزل از اسخابات. درباره آمریکا او اسلام سگره آحد که آمریکا بر سر هانسی آورده از حانظد تاریخ مردم ساند سمد سست. آمریکا ساند از اس سسر روابط بر ساند بران و نرس سمدخ جوسنی را سمدرد. سوزات مبارزه انتخاباتی سمدسر آمریکا. مارس. لانوسات (سسانده دوالست‌ها) و سسر کسکسای کابولنگ سلسفات خود را سمدند آریسند سمد دادند. اسف سائولوروسر سفسر ساند در سناحه ساند سوزمانده آمریکایی آریسند را محکوه کرد و "سرسناکوت" سسر با سب کداری

## ۳- هژمونی ایالات متحده و بازسازی جنبش جهانی کارگری

## نوشته، حیوانی آرگی

## ترجمه آرمان

دیگر دبر سده مانند منوقت گردد. این ساززه کشورهای اصلی سرمایه‌داری با بکدمگر مسابستی نابان سدیر د و حی خود مختاری بخشهای ضعیفتر سوزوزاری جهانی و برولتاریای جهانی بد رسمت شناختند نمود.

بک هدت دبگر و در عنن حال سمار مهم انتراتی هژموسی جهانی روزولت تمارت بود ار هماهنگ ساختن ندرت احماتی کارگران در داخل و

درسال ۱۹۴۸ بررسی ساده کراستات سیاسی و اجتماعی سم قرن نسل بد نابان بزبدک حاکمت سرمایه‌اشاره داست. هر دورچنگ عمومی و مساززه طمقاتی انقلاب سوسالیستی را در کشورهای همجوار و نیمه همجوار اقتصاد جهانی. کابهای بزرگی بجلو سرد و قدرت اجتماعی و سیاسی پرولتاریای صنعتی کشورهای اصلی سرمایه‌داری را سمار افزایش داد. اگر اسی سمت و سو

## قرن مارکسیستی، قرن آمریکائی، تکوین و

## بازسازی جنبش جهانی کارگری (قسمت دوم)

تفسیر نکرده بود، تنها سثوالی که بی جواب باقی‌مماند چگونگی نیای سرمایه‌داری نبود بلکه این بود که ما چه ترکیبی از اصلاحات و انقلابات ار بیی میروود.

اما جهت‌گیریها برعکس شدو در بیست سال بعد سرمایه‌داری "عصر طلایی" جدیدی را تجربه کرد که کسترشی بیسابقه داشت. تنها و مهم‌ترین بپشرفت عادی شدن مساسات بین کشورها و بازسازی بازار جهانی نحتت سرکردگی ایالات متحده بود. تا سال ۱۹۶۸ بازسازی بازار جهانی عمدتا سه تواناییهای نظامی و مالی ایالات متحده وابسته بود. سبب‌بین سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ ترویشی سببم برتون وودر و شکست آمریکا در ویتنام نشان داد که چنین تواناییهایی بخودی خود و نی‌نمسه برای بپشبرد روند بازسازی ما را ر جهانی نه کافی و نه نروری بود. زیرا دقیقاً از سال ۱۹۷۳ ساعد بود که منظر میرسد اقتصاد جهانی تا حدودی به "نیروی خود مختاری" تبدیل شده است، که هیچ کنسوری (مجمله آمریکا) نمیتواند آرا کنترل کند. در مجموع، حکومت ها، ترکیبها و نگاههای اداره کننده، محدودیت‌های بازار جهانی را بوجود آوردند و توانستند این محدودیت‌ها را هر چند نه بدون دردسر و از روی قصد کنترل کنند. در حقیقت اسطور منظر میرسد که در هیچ زمان از تاریخ سرمایه‌داری، حاکمت بازار جهانی بخودی خود تا بدین حد که در پانزده تا بیست سال گذشته به نوع ابده‌آل و محدود کننده‌ای که مارکس گفته است نزدیک نشده باشد.

اروزه پایه‌های اجتماعی بازار جهانی با قرن نوزدهم کاملاً متفاوت است در نابان جنگ، ایالات متحده به سازتاسی همان بازار جهانی که طی پنجاه سال گذشته ترو باشیده شده بود نبرداخت. گذشته از درسهای تاریخی‌اسن ترویشی و تفاوت‌های ساختاری یکی سرمایه‌داری قرن نوزدهم بریتانیا و سرمایه‌داری قرن سستم ایالات متحده که بزودی مورد بحث قرار میگیرد، قدرت و نفودی که کارگران سازمان بافته در آمریکا و بریتانیا بدست آوردند و بیروزیهای انقلاب سوسالیستی در آسیا و اروپا چنین بازتابی را دبگر نه ممکن مپاسخت و نه توسعه میگرد. روشن‌بین ترین بخشهای طمقات حاکمه ایالات متحده مدتهای مدید بود که دربافته بودند دبکر بازگشت به نظم‌سخت و سخت سوزوزوایی قرنی نوزدهم غیر ممکن است. بک نظم جهانی جدید تنها بر پایه ندرت اجتماعی و آرماسهای سوزوزوایی جهانی مسر است.

مهم‌ترین جبهه اس انتراتی حمایت ایالات متحده از "استعمارزدایی" و توسعه و تحکیم دولتهای مستقل بود. فرانکلین دی روزولت هماسد خلست خود ولسی نلویحا نظر لسی منی بر اسکس ساززه بر سر رمسها و جمعیت‌ها سبب دولتهای اصلی سرمایه‌داری باری منی‌است که زمینه مناسبی برای انقلابات سوسالیستی و نابودی سهایی حاکمت جهانی سرمایه فراهم مسارد را دانست. اگر فرار بود موج انقلاب سوسالیستی در آسیا و اروپا تسل از آنکه

توسعه آن در خارج. این خط‌مشی امنارانی را برای اثتلاف منافع سرمایه‌داری دارانی که به حاکمت بر ایالات متحده رسیده بودند بر داشت. از نقطه نظر سرمایه منحد این خط‌مشی در اروپا و دیگر مناطق بازارهای بررک "داخلی" نسه آنچه هم اکنون در ایالات متحده وجود داشت را بوجود مسآورد و راه توسعه ترواملنی آرا هموار مسارد. از نقطه نظر کارگران سارماسانند. جسن خط - سهای نهدید نمار ناشی از رقابت دیگر کشورهای جهان که سطح درآمدنان کمتر است را نختف مپندد. و مالاخره و از همه مهمتر از نقطه نظر دولت، ساست هماهنگ ساری ندرت اجتماعی کارگران در داخل و کسترش آن در خارج بندان معنی بود که ایالات متحده متشواند خود را برجمدار به تنها مانسج سرمایه‌دکه منافع کار نیز معرفی کند و در مفااس وسع شماساند. اس خط - مشی و نبر حماست از اسنممار زدایی بود که تنوق نظامی و مالی ایالات متحده را به سرکردگی (هژمونی) واقعی جهانی‌میدل نمود. (۱)

بدین‌سان قدرت نظامی و مالی ایالات متحده وسیله‌ای شد که در نظر و عمل، تنوق جنبش بر هدت، که ویژه جستن کارگری ایالات متحده بود. رادر هر جا که این قدرت سسط بافته بود، کسترش داد. اس انتقال در کشورهای نکست خورده (آلمان غربی و ژاپن) جایشکه ارتش ایالات متحده متنهایی با ما همدستی متحدین خود قدرت مطلق حکومتی را در دست داشت و در عین حال مسعتی کردن آسقدر بپشرفت کرده بود که بابگاه اجتماعی محکمی برای کارگران سازمان بافته فراهم مپاسخت، ستر از هر جای دیگر موفق بود. آسیا حتی در کشورهای که این خط‌مشی از جاهای دیگر موفقتر بود، سار ساری مساسات طمقاتی از بالا توسط بک نیروی خارجی، به هج نتیجه‌ای نمرسد اگر ندمال آن بار ساری حاکمت جهانی بازار و کسترش سریع پایه‌های اسانشی که ندرت اجتماعی کارگران در ایالات متحده آمریکا بر آن منکی بود انجام بگیرند بود.

در سخن‌سبب، جستن کارگری در ایالات متحده سمواا بک مدل عام نسر آنکلیوساکسن که در آن "جستن" بر "هدت" سرنری دانست مورد بررسی قرار گرت. ما این وجود دوره سی دو حیک سهنر از جستن کارگری در دیگر کشورها ندرت احماتی که اسامت سرمایه در اخبشار کارگران گذاشند بود را محسم مپاسخت. در دبگر جاها، بخموص در برتاناا، اسنرالباا و سوش. جستن های قدرتمند کارگری در رتده احزاب کارگری که نحت کنترل جستن نسر را ر داشت و در صورت لزوم متشوانست جای آرا بگیرد و مکمل آن ساسد، بحسم بان و در ایالات متحده جسن رشد صورت بگیرند بود. در آسجا حداکثر بک حبرب موجود نمابده ساسی اصلی کارگران متشکل بود. جستن با پروری ساسا نکست در سبج و سارمادهی خود سونق مشد با شکست مسجورد.



## ساخترهای جدید انباشت



این توانایی‌ها بی‌آمدهای غیر منظره تحولات ساختاری در سرمایه‌های ایالات متحده طی نیم قرن گذشته بود. در این مورد سز مهران سرر که سالهای ۱۸۹۶ - ۱۸۷۲ بنظر اوج تعیین‌کننده‌ای بود. در این دوره بود که آمریکا برای اسامت سرمایه ساختاری بوجود آورده بود که روند عمودی داشت و بلطف مدیریت بوروکراسیک بود و در اصطلاح ما توسعه کامل "تولند ار رر ن افانه نسی" مارکس (۲۱۰)

همانگونه که هری بریورس ما نلای سمار رماذ توضیح داده است با ایجاد این ساختار اسامت سویی همچون کف‌سوی مجدد یک سازه بود آنگونه که هر حد روند کار سنجیده تر می‌شد. مهارتی که هر کارگری باسنتی داشته‌باشد. کسر بسند و تراکرتش آن "امبارت‌رداس" آسانتر. این‌نظم مجدده‌تقسیم نسی کار، قدرت اجتماعی طیفه سستا کوچک کارگران مردبگیر (که بسند و استعناکار بودند) که کنترل‌کننده مهارت لازم جهت انجام وظایف سبجسده بودید را تضعیف کرد. اما گاهن قدرت اجتماعی مسعناکاران تنها بکطسرت سگه بود. روی دیگر سکه قدرت اجتماعی بستری بود که طیفه سستا سررکسر کارگران مزدبگیر که وظایف ساده‌تر "سسته شخصی" را انجام می‌دادسند.

حاصل‌گردد "نخستی‌رداس" در حقیقت سمنبر دودمی بود که تحکیم سرمایه را در یک جهت نسبا بسظور سبجسده ساختن آن در جهت دیگر سبولسنت می‌بخسند. تحکیم و انراس سرمایه سهیل نس. بررا وانسکی آن به دانستن و مهارت مسعناکاران گاهن ناست. اما این امر ما کنسرتی نمده سلسله مراتب مدیریت ("ساخت‌نسی" کالسرات) که تحکیم آن سسرعت رویدهای بولسند و در نتیجه به سائل‌نوده‌های کارگران به همکاری با یکدیگر و همکاری با مدیریت مسظور حفظ‌نداوم بولسند ما سسرعت مورد لزوم رابطه دانست. بسنتر اهمسنت دادن به تلاترهای نولسندی نوده‌های کارگر مسظور انراس و تحکیم ساختارهای نسی کرافسنت و سبجسده بانه جسدهو کنسرتده‌ای برای قدرت اجتماعی کارگران بوجود آورد. این بانه جسدهو کنسرتده برای اولی‌بار در جراسن موح عظم

اعتماسات و باآرماسهای کارگری در ایالات متحده نس سالهای دهه سی و اوخر دهه چهل آشکار نس. موح اعتماسات با کارگران ساده برولناری سصنعی در ساسح به سرمایه کسسه مسخواست باز رگود بررکه دهه سی را به کارگران سنفل کند خود بسجود آغاز گرسند (۱۳ سازمان آوان ۱۰ ال که سازمان اصلی ونسها سازمان تسل از بسجود آیدن برولناری سصنعی بود. اسکاری در نانس رده به موح اعتماسات نشان می‌داده بود. این سازمان تنها زمانیکه حسس کارگری توانست روی پای خود ساسسد و ساختارهای نسکلانی دیگری که نام سی‌ای و بسجود گرسنت را بنا ساسسد. در سازماندهی و رهبری این جسنت فعال نس. اسس ساززات در دوران سسح جسکی. که نیلا مورد بحث واقع سد و سسرنت تا قدرت اجتماعی کارگران را سنر از حد نوسی کند. از هر زمان دیگر موفستر بود. عسرت سسرورسهای زمان جسک. نگارسسند در دوره بنان سسح جسکی تحکیم ساسسد و برولناری سصنعی ایالات متحده یک تا دو دهه از رفاه اعتماسی و بسجود ساسی ساسفده سی ساسدی برچوردار نس. اما قدرت اجتماعی کارگران در ایالات متحده سسر محدود بود. بوسررس اسگال سارزه تیرفاسوی نس. کسکسر بسند انری روزمره سدیل سد و توسعه سرمایه سنسرتک در خارج سرتسی باکهای را از سر کدراند.

گراسن سرمایه سسرتک در آمریکا به توسعه دادن فعالیت‌های نراسلی سدنسها تسل از موح اعتماسات دهه سی و چهل ظاهر سدده بود. این گراسن خود را در اتحاد عمودی و مدیریت بوروکراسیک نشان داد که در سامان نرس بوردسبه بسجود آمد و یکل اساسی کسرتش خود را ساندسرتی کرد. اما در دهه سی و چهل اوج گسرتی سارزه قدرت نس گسورسها بسظور جسدی حلو سرمایه‌گذاری ایالات متحده در اروپا و سسصمرانس. دنسنا زمانیکه قدرت اجتماعی نراسسده کارگران در داخل توسعه در خارج را سودآورسرت و نوری سر ساسسد بود گرسنت. ساسراس سسجه‌آور بسنت که سحرردی که واسکسش نراسط سسار ساسسد جسنت توسعه سها سسکسو سجد را در اروپای عرسی اسدوا از طریق سسفته سارسال افراهم کرد. سرمایه‌داران آمریکا از برنس استفاده گرسند از اروپا راسطی نسفده و به دلخواه سارزاری گسند. سرامند سسرل‌آفریقا سسب ساربگر سارزاری اروپا بود. دوسسها و سرتک‌های اروپایی سسب سسظور اسطالی خود ساسسارده‌های قدرت و نروب که ایالات

متحده داشت و بسخنا برای مقاله ما رقاشنی که هجوم سرمایه متحده آمریکا سصاستان برده بود. متساقامد در این سارزاری سرتک گرسند. سسجده گسرت نر سسافه اسگالاب نولسندی بود. این اسگالاب نسجس ساختارهای جسده اسامنتی بود که سساحکد آن در سسه اول قرن ایالات متحده بود. همراه ما ساختارهای جسده اسامنت قدرت اجتماعی کارگران اروپایی سز نوسی الساده انراسن سسدا کرد. بنان این قدرت در موح اعتماسات اوخر دهه سسنت و اوایل دهه سسنا سدده سد. این اعتماسات سساهنتهای مهمی ما اعتماسات دهه سی و چهل آمریکا دانسد. جسنت آسکده. اس موح اعتماسات سسدها به ظرسنت رده‌های باس برولناری سصنعی در سسح و سارماندهی خود نسکی بود. سارمانهای کارگری که تسل از این اعتماسات وجود دانسند. کسندند از جسکسرتی اسدولوریک خود در دانسی اسگر آغاز اس ساززات نسنی سدانسند. ونسها زمانیکه کارگران رده‌های باسنت ساسنت گرسند سسواسسد روی پای خود باسسد و ساختارهای سسکلانی سسر انجاد گسند. به رهبری و سارماندهی کارگران رزمده سرادخسد نالسا حسنهای جسده و سارمانهای کارگری کاریمان به درگیری سسکسد. سسر ا اس یک سسکسده هدنهای سسسی خود را به آن یک نحسل کند و آن سسک سارزه سسکسد. خود مختاری حوسس را در رابطه ما اهدانی که دراتر از نراسط برولناریا بود حنظ کند.

دوه اسکده ساسر خود سارماندهی و سسح برولناری سصنعی در رابطه ما نراسط برولنری کاملا حسسه دروسی دانسد. خود سسجی برولناری سصنعی ساسخی جسعی بر خود اسکسده به نلاسهای سرمایه بود که مسجواب سسارهای سدسد نیوسده باسی از رقاسنت اعتماسات جهانی را از طریق حدت باذات رحسنت و نلانی کارگران اساسا ما طب نمودن کار و نلانی سسنترا به آنها سنسسل کسند. وجود سارماندهی سسارزات بود از اسفاده از سازمان نسکی روید کار مسظور سها سسک ساری خرکهای سوزنی براسکده.

سوه اسکده. حسس کارگری به تنها در سسکسرتی هدنهای نوری خود. بلکه در بسجود بر ضناب حاکمه مسظور سها سسک ساختن خود ما قدرت اجتماعی کارگران که در سسارزاتنشان بیان داده‌سده بود، سسار موفی بودسد. سسسن سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ مادلان کار و رحسنت در سراسر اروپا سسرنت مالا رسنت بسظوریکه آرا به سطح آمریکای نسالی سربسک کرد. هم زمان ما کسسی سسر از آن. محدودسهای رسمی ما حفنی که بر جنوب مدسی و سسسی برولناری سصنعی اتصال سسسد. سسوخ به از هم باسسدن کرد.

### توسعه فرا ملیتی

سراجاه. سها سسک ساری قدرت کارگران از طریق سسنت دادن جسسند در رویدهای نولسند سوسی مناطق حسسه‌ای تر. کسده و سس سنوبت گرسند. تا سال ۱۹۶۸. توسعه نراسنسی رویدهای تولسد. سها بسظوریکه مثلا از طریق سرمایه سسرداری سسنتفد در خارج سسجسده سد. اساسا بسیدیه‌ای بود که سسهاش در ایالات متحده بود. در حرائک النمنای اروپایی آن سسبندسده نجارب و فعالیت‌های سسصمراسی بود. سرتکهای سرمایه‌داری که در کشورهای کوچک و نروسسندی ساسسد سوسند و سوسر بسجود آمده بودسد. در این نسسل توسعه دست دانسند. اما سرتکهای سرمایه‌داری سسورهای سسرکسرت و فعالیت. از نسسل آلمان و ژاس در ساسسر نسکده نراسنسی بولسند و سوسر سرتک سدانشند و این امری بود که سسده سراجسی سساهده سسسد.

سس نس سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ سرمایه‌گذاری خارجی جسجی سسگاه انراسنر ساسند. در اس سرمایه‌گذاری سسوزهای که نیلا کند حرکت سسکرسند. مسجوسا ژاس. نسر اصلی را دانسند. در سال ۱۹۸۸ کنسرتل سسکه بسوسدو سوسر و سسزکی سسسرتک سرامند اسس همد سسسها بود و سرمایه ژاس سسرنت نا در ححد و وسع بر سرمایه ایالات متحده سسسی کرد. نسفن اصلی ژاس در انراسن باکهای سرمایه‌گذاری سسندسد در خارج در دهه‌های هسناد و سساده‌سها بسخاطر سسرح اسسسانا مالا ی رسد بود. همراه ما اس سرح رسد و رسسد سار آن سس سسسی و اسطالی ما سسح و سوسی اعتماسات جهانی در رسسک. رواسط سس کار و سرمایه‌بود. سسحرردیکه نسفاسهای اعتماسی در داخل مالا کسرت و سسارج کار انراسن ساسنت.





سرمایه فعالتهای تولیدی را بلافاصله در خارج متمرکز کرد. این فعالتهای تولیدی کاملاً به ذخیره تراوان کار ارزان واسنه بود. علاوه بر این، سرمایه زائنی، بی‌شاهت به سرمایه آمریکایی، دستکم در مراحل اولیه توسعه سر-ا-ملیتی خود. اساساً جهتت کاهش هزینه‌ها بود تا گسترش در آمدها (۴)

سابقه رهبری ژاپنی در توسعه برامبلی سرمایه در دهه هفتاد و هشتاد بر بیش بینی مشکلات ناشی از انباشت سرمایه در راستای ساختارهای عمومی سرمایه‌داری مشترک در همه کشورهای اصلی سرمایه‌داری استوار بود. ما در آن م که سرمایه‌داری مشترک نبدیده‌ای محصراً آمریکایی بود. شرکتهای آمریکایی میتوانستند در بخش وسیعی از جهان، مکاسبی را انتخاب کنند که افزایش و تحکیم سلسله مراتب مدیریت خود را تضمین کنند. این فقدان رقابت تنها و مهمترین دلیل بود که چرا سرمایه مشترک آمریکا در دهه هفتاد و هشتاد قسمت اعظم دهه هشتاد قرن بیستم نواست همزمان با نه تولیدی خود را در خارج و داخل توسعه دهد و همگام با این توسعه قدرت اجتماعی کار را هماهنگ نماید و حجم سود خود را افزایش دهد. با فرا رسیدن دهه نهم و اوائل دهه هفتاد سلسله مراتب توسعه یافته مدیریت سرمایه‌داری امالات متحده دیگر در سبب-ری انزایش و تحکیم سرمایه خود در خارج تنها نبود. شرکتهای سرمایه‌داری اروپای غربی و ژاپنی نیز همان نوانیایها و گرایشها را گسترش داده بودند. در همین حال تعداد مناطقی که بومینهای سببی توسعه سودآور ارائه میداد، کاهش با نسیه بود. اروپای غربی که جایگاه اولیه تحکیم و انزایش سرمایه آمریکا در خارج بود، اکنون خود در جنبجوی سرون رفتی سود بخش جهت ساختارهای فنی اضافه بر ظرفیت خویش بود. موقعیت سرمایه‌گذاری مستقیم در بقیه کشورهای جهان با تدلیل کنترل منجر کرد دولت بر تولید و توزیع (همچون همه کشورهای کمونیستی با بعلت فلاکت نوده‌ای (همچون اغلب کشورهای جهان سوم) با ما ترکسی از هر دو ایسها سبب محدود بود.

سابقه تقلیل هزینه‌ها که در دهه هفتاد و هشتاد وجود داشت ریشه در این وضعیت تمرکز سرمایه داشت، یعنی وضعیتی که در آن شمار بیش از حدی ساختارهای مشترک "دسال" مناطق محدودی بودند که فرصت توسعه سودآور فراهم میکرد. در دهه هفتاد تلاشهای حکومتها و شرکتهای نجاری در حفظ و توسعه امکانات تولیدی و هماهنگ سازی قدرت اجتماعی کار در انطاق با آن صرفاً به تاکید بر تشارهای ناشی از تورم منتهی شد. این فشارها، نوسه خود سودخشی ناشی از تقلیل هزینه‌ها و جذابیت فعالیتهای مربوط به سنتها زی را انزایش داد. این امر در دهه هشتاد منابع مالی و نیروی هدایت کنسید و نزابده‌ای را بخود جلب نمود.

مدیر ترنسب سفینه‌سازی مالی و فعالیتهای مربوط به تقلیل هزینه‌ها با رتاب نانوانی رعد یاسده سرمایه مشترک در انطاق با قدرت اجتماعی نزابنده کار بود که توسعه سرمایه مشترک در پی داشت. تاثیر اصلی این روند گسترش محدود، ولی بهر حال واقعی، فلاکت نوده‌ای در کشورهای اصلی سرمایه‌داری بود. این بدیده شکلهای متفاوتی داشته‌است: کاهش دستنزد واقعی (سدا در ایالات متحده) انزایش بیکاری (در درجه نخست در اروپای غربی) و بالا رفتن قیمت تلاش و زحمت کارگران در کسب درآمد در همه کشورهای اصلی سرمایه‌داری.

انزایش فلاکت نوده‌ای با کاهش متناسب قدرت اجتماعی کار مرتبط نبوده است. سفتد بازی مالی منعکس کننده ناهمسازی بین توسعه مشترک و قدرت اجتماعی نزابنده کار است. جلو این بک را بدون مانع شدن دیگر سببوان کردت. تاثیر عمده آن آنست که وفای اجتماعی که قانون سرمایه از جنگ جهانی دوم به این سندان متکی بوده است را برهم میزند.

#### تقلیل هزینه‌ها

فعالتهای مربوط به تقلیل هزینه‌ها سه شکل داشته است: الف: جایگزینی صانع کار دستنزدی ارزاقیمت در هر کشور اصلی سرمایه‌داری بجای منابع کار گرانقیمت. در این رابطه استفاده از نیروی کار زمان مهمترین جنبه و استفاده از نیروی سل جوان و نیروی کار عمدتاً غیر قانونی و مهاجر جنبه ثانوی داننده است. ب: جایگزینی کار دستنزدی ارزاقیمت بجای گرانقیمت

نیروی کار محدود حکومت مخصوص بی کشور اصلی صنعتی و مناطق حاسده‌ای. در این رابطه جایجایی مراکز صنعتی و جایگزینی واردات بحای تولید داخلی عمده‌نرس جنبه نوده است. ج: جایگزینی نیروی کار روستگر و دانشمند بجای نیروی کار بیرونی در رسیدن تولید. در این رابطه مانسی ندن و استخا-ده از تکنولوژی منسی بر علم بهترینر جنبه نوده است.

دو شکل اول جایگزینی، در کسرتی فلاکت نوده بیرونتاریای کشورها ی اصلی سرمایه‌داری از همه مهترسد. با این وجود هیچکدام با تقلیل دستر انجمنای همه جاسه بیرونتاریای جهان سروکار ندارد. آنچه به ایسها مربوط سنود انتقال قدرت اجتماعی بک بخش از بیرونتاریای جهان به بخش دیگر است. جایگزینی، در کشورهای اصلی سرمایه‌داری، قدرت اجتماعی را ارمردان به زبان و از اغفاء بومی بیرونتاریای صنعتی به اغفاء مهاجر انتقال داده‌است. و جایگزینی بیرون برری قدرت اجتماعی بیرونتاریای بک کشور را به کشور دیگر منتقل کرده است. در هر دو حالت قدرت اجتماعی دست بدست شده ولسی همجسار در دست بیرونتاریای صنعتی باقی مانده است.

در مقابل مانسی ندن و تکنولوژیهای منسی بر علم، هماهنگی بکسده بزودی نوضح صددم، تقلیل قدرت اجتماعی بیرونتاریا را در پی داننده است. با انتقال کنترل کیفیت و کمیت تولید از کارگران مردبکر نابع به مدسبران روستگران و دانشمندان، قدرت اجتماعی از کارگرایی که وایعا بیرونتاریا به میشدند به کارگرایی منتقل شد که در بهترینر حالت تنها بدببوم رسمی کار - کردن خاطر دستنزد با حقوق بیرونتاریا منسود. با این وجود هر چه اسسی گرابش نوستر منسود و نیروی کار منسی بر مدیریت و علم در مجموعه روستد تولید انجمنادی انزایش مییابد. گرابش سرمایه بر به تابع نمودن اس نیروی کار به نوانس خود تفویض میگردد و بیرونتاریا نودن آرا از آنچه تا کسبون بوده است واقعی بر میزند. ساسرای، در این مورد قدرت اجتماعی از دست بیرونتاریای صنعتی خارج شده. اما تنها نقش ریمده‌ای برای گسترش حجم و قدرت آنی آن دارد.

تنجده ایسکه وخامت سطح زندگی بیرونتاریا در کشورهای اصلی صنعتی ستر از آنکده از دست دادن قدرت اجتماعی آنان مربوط بوده باشد به نوسب این قدرت در مسان رده‌های کونی و آتی آن مربوط است. قدرت اجتماعی و فلاکت نوده‌ای دیگر انجمنایک در بخشهای گوناگون بیرونتاریا، در نهم قرن سستم قلب ندی شد، نمشود.

فلاکت نوده‌ای نه بیرونتاریای کشورهای اصلی صنعتی دامنه پیدا کرده‌است، در عین حالیکه قدرت اجتماعی سسار کند سده بیرونتاریای کشورهای حاشیه‌ای و سبه حاشیه‌ای منتقل میگردد. مختصراً ایسکه ما به سار بوسی نزدیک منسوم که مارکس وانکسی در ماسنمت مجسه کردسند. سناریویی که در آن قدرت اجتماعی و فلاکت نوده‌ای کارگران بیس از آنکه سر بخشهای متفاوت و مجزای بیرونتاریای جهان اسر بگذارد بر نیروی انسانی واحدی تاثیر میگذارد.

بظمنشا قدرت اجتماعی و محرومیت مادی سوز هم در صان بخشهای متفاوت بیرونتاریای جهان بینهاسن نامتناسب نوسب مشود. تا آنجا کسده مبنوان کنت جسن عدم تناسی مدنهای مدد ناتی حواهد ماند. با اس وجود گرابش سبه اول قرن سستم به قطب سدی مکانی قدرت اجتماعی و فلاکت نوده‌ای کارگران در مناطق گوناگون و متفاوت افتخاد جهان سبب عکس خود را در ستر گرفته است. سبب سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۶۸ قدرت اجتماعی که سسلا تفرسا در انحصار بیرونتاریای صنعتی جهان آنگوسا کسون بود به بیرونتاریای کل کشورهای اصلی صنعتی گسترش ساند و اکثر اروپای غربی و ژاس را در سر گرفت. در عین اسکه فلاکت نوده‌ای نجره غالب نوده‌های بیرونتاریا سده و سبه بیرونتاریا سبب سوم باقی ماند. این قطب سدی، اما از حدود سال ۱۹۶۸ برای توسعه سستر سرمایه مشترک سجه عکس داشت. در مناطق اصلی سرمایه داری قدرت اجتماعی توسعه یافته کار شروع به دخالت جدی در برامبروانسی سرامت بر رویدهای تولیدی کرد. در مناطق حاشیه‌ای، فلاکت نوده‌ای کارگران قابوسیت حاکمیت سرمایه را بر هم زد. سارارها را نضعف کرد و د رسبب تولیدی بخشهای مرکز بیرونتاریا دخالت کرد.

اسپا حساسیتهای آبی کشورهای اصلی سرمایه‌دارهاست. اما در کشورهای حاشه‌ای آسیا هم اکنون شروع شده است. اگر نسیانخواهیم موارد مهم را ذکر کنیم. دهد هشتاد انجمن تنظیم بازاریهای کارگری را در بخشهایی از لیستان آفریقای جنوبی و کره جنوبی شاهد بوده است. تلبرگم رژیمهای سیاسی و ساختارهای اجتماعی بسیار متفاوت. اس استعارات و بیژگهای مهم منبرکی دارند که باره‌ای از آنها سسه موج مبارزات طبقاتی دهد سی و چهل در آمریکا. اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد در اروپای غربی است. در تمامی این موارد. ها مبارزات و کمپنیهای صنعتی عمدتاً بر تواناییهای خود سنجی و خود- سازماندهی رده‌های ناسرولتاریای صنعتی بود. اساس این تواناییها در رابطه با شرایط سرنوشتی دروسی بوده است و شامل عدم موازیه اصولی سس قدرت اجتماعی حدمد و فلاکت بوده‌ای قدمه سرنوشتاری صنعتی است.

در اس سوهها. ساهها حسنگر است. با اس حال. سناوتیهای سس آخریس موج تحریک و امواج سسی به اندازه ساهها اهمیت دانند است. سرکوب اس سس ساندازه جمنیهای سسی سسکل بوده است؛ اما سکلنر اس سس هداهکی حکومتها با آنهاست. دلیل به در خود نارضاسیها که اناراضاسیها سس اساس نرد. بلکه در تواناییهای محدود حکومتها سرمایه درکشورهای حاشه‌ای سسظور هاهکه ساختن خود حسی با بانه‌ای نریس نارضاسیهاست. سسند سسواده وضعیت کمکی اجتماعی برمی باند که مارکس وانگلس در مانیست تصویر کردند.

#### ادامه دارد.

#### زیرنویسها:

- ۱) همانطور که از اس حمله سسناد سکرده. س واژه "هرمونی" را در منظومیه که گرامسکی نگار نرد. نگار برده‌ای. در منظوم گرامسی "هرمونی" سلسطه ای بود که از برکت اجازت نوا با برسد و نوافی اعمال مسد. به کتاب منتخب آثار گرامسکی سسحاب ۸۷ و ۸۸ سراجعد بود.
- ۲) مقاله "انقلاب مدیریت در نحات آمریکا" از کتاب "دست درشسی" سوسه آندرد دی جاندر. گسریخ ماناچویست ۱۹۷۷ و کتاب "نشیوری مفرزات سرمایه‌داری" سوسه سسل آکلستا.
- ۳) سرح کاملتری از آنچه در اس بخش آمده است را مسنوان در مقاله "ابلات مسجده و اروپای غربی در جنم‌اندارتاریجی جهان" که در اس جیووانی‌آریکی و سوزلی سسوزر سحت سسوان: "جمنش کارگری و مباحرت سرمایه" و در اسر سی برک کونست سحت سسوان: "کار در جمنش جهانی سرمایه‌داری" سوزلی هسلا سال ۱۹۸۴ سسنت.
- ۴) به کتاب "تراملینی. سسک ژاسی. مقاله: "اقتصاد سیاسی واستنگی سروسی" سوسند (نرونیو اوچاوا) سراجعه کنید.



سرماده سسنگر که با اس مواج در سوسمد سسنتر خود روبرو نند. تلاس کرده است از طریق انتقال فلاکت سوده‌ای بیرون‌تاریای کشورهای حاشه‌ای و سسه حاشه‌ای بد قدرت اجتماعی کار در کشورهای اصلی سرمایه‌داری با اس مواسع سارزده کند. اس تلاس سرمایه سسنگر با سسرت سارزاری بازار جهان از سال ۱۹۶۸ به سسند که سسویه‌ای ترانسد از سسابع و قدرت سسده ابالات سسند سسسل مسد. سسپیل نند. اس امر. از حصد. سسعکس سسده سسرت ترانسد سارمان ها و روهدهای سسود و سوزج تراملینی است که سرماده سسنگر. سی توجه سسند سسنت. تلاس سسند از طریق آنها قدرت اجتماعی کار را در کشورهای اصلی سرمایه‌داری دور سسرد و محدود و سسضعف کند.

#### جابجایی پرولتاریا

سسند. حاشه‌ای سسده‌ای در سروس اساسی بوده. سسند که اسر سسعی دخبیره و فعال کار را سسوزج آورده است. اکنون در مقاسد با سسب سال سسین سسری سسرتگری از اسر سسعی فعال جهان در بخشهای حاشه‌ای و سسمد حاشه‌ای اقتصاد جهان سسنتر سسند. درحالهکه اسر فعال در کشورهای اصلی تعداد سسادی رن و مباحرت در رده‌های سسش و روستنگران و داسسندان رسا سرونلر سسرد شده در رده‌های بالاتر خود دارد. اسر حاشه‌ای سساز سسار سسادی سس کارگران مرد سومی کشورهای اصلی که در رده‌های سسش و سسویس اسر سس فعال اسخدام ندهاند سسکارد تا اسسناد رده‌های سسش با دات برای رحمت خود را سسذیرید با در سسر اسسوزت اسر سس فعال سسوز سسود.

مفاومت در برابر سسجی و خاصی اسر طرف کارگران کشورهای اصلی سسنا سسون به اسر سسک که اسر بخشهای سرونلراریای صنعتی که سسنتیم با آن در سسری سوده‌اند در سس حال قدرت اجتماعی خود را سسر از دست داده‌اند و اسر بخشهای سرونلراریا که قدرت اجتماعی سسک کرده‌اند. و خاص سسج سسنگی را سسوزر سسری سسده سسکرده‌اند. سسعت و سی سسار سسده است. در مورد ران و مباحرتی که رده‌های سسش سرونلراریای سسعی را سسکل سسدهند. دو سسوعیت سسار و خاص سسج سسنگی را سسضعف کرده‌اند. از سسطرف. سسج سادانی که برای رحمت سسنگر در رده‌های سسسی داسسند در سساری جهات سسجی از سسجی که در رده‌های سسس اسر سس فعال سسعی داسرد سسسرت بود. از سسگر سس. آنها اغلب ساداسیهای خود را سسکل سسابع در آمد سسگر خود سسسد و سسلاس های خود را سسکل سسوعیتی سس کار اصلی خود سساسسند. سسب سسرت با دات سسار برای رحمت سسنا سسرداری سسنتری سسکل سسود تا سسکه سسلا کسی سسوزر کند با دات سسنا سسج با اسسرتی سسج در آمد سسند و با تلاسها سسوان سسکل کار اصلی سسسده سسود. هر دو سسوعیت ذاتا سسود و کدرا است. با کدنت رمان. سسج ساداسیها را سس سسابط حال سسعی کرد تا کدسه. علاوه بر آن هر چه از کار ران و مباحرتی در رده‌های سسش اسر سسعی فعال سسنتر اسسناد مسد. ساداسیهای سسسر سسنتر به سسج اسر در آمد و تلاس و رحمت به سسابط سسعی طول حیات سسندیل سسند. سسب اسر سسج. اطاعت حای خود را به سسسان آسکار داد و قدرت اجتماعی ران و مباحرتی در کشورهای اصلی سرمایه‌داری سسک فلاکت سسوده عمل کرد. سس در دهه هفتاد و هشتاد ران و مباحرتی کشورهای اصلی سرمایه‌داری گرامسکی به سسسان و اسساده از قدرت اجتماعی خود داسسند. اما اکنون ساهد موج سسظم سسرتگری در بخشهای سسعی سسند که سسحا سسر رسنه نارضاسی سسرتگری. اسر موج در هر رمان و در سسوزر سس اسر سسج سسشهای اسر سسجی که در رده‌های بالای اسر سس فعال سسعی رسد دارد تا سسرات سسست و سسعی خود را سسوزد کداسنت.

اسر رده‌های بالا رور به رور سسسر سسوزر سسنگران و داسسندان سسند سسعوده وظافت و سسولسهای سسودی ترانسد‌های را سسعهده سسکرید. اسسکل سسوزد. در حال حاضر آنها سسوزر سسگان اسر در سسرت سسافه کاهس هر سسها هسند. اس روهده سسنا برای سسوزی کارسان را سسار سسلا سسرد و سسنگی لسوکس سسنا اسر اسر را سسسان سساره سسارد. اما هر چه سسوزر و اسسب آنها در سسند سسری هر سسده‌های سسناد اسر سس سسند. سسر هسند سسند کاهس هر سسدها سسوزر سسکرید. در آن حاب. سسوان اسسظار دات اسر رده‌ها در سس اجتماعی خود را در سسشهای اسر سسعی سسظور سسوکری از سسری فلاکت سسوده‌اند. سسوزر خود سسج سسند.



# کامیابی

## شاهنامه و سرنوشت

فریدون شایان

"شاهنامه و سرنوشت" متن يك سحرآمیز است که فریدون شایان در درامی حماسی هزاره فردوسی در شیر لید (سوئد) برای جمع وسیعی از ایرانیان ایراد کرده و با احاره خود اشان، توسط یکی از رقابلهای برای ما ارسال شده است.

فریدون شایان یکی از چهره‌های بر ترحم‌سحرچهار است که در اشاعه اندیشه مارکسستی در کشور ما کارهای با ارزشی انجام داده است. ترجمه‌ها و تالیفات او آنکه شمار آنها به سینه از ده اثر میرسد، مخصوصاً در دوره احتیاطی ستمشاهی، در آشنایی محض وسیعی از روشنفکران جوان ایرانی با اندیشه مارکسستی، سهم قابل توجهی داشتند. و شایان بخاطر همین تلاشهای فکری بارها از طرف ساواک شاهنشاهی دستگیر شد. شکنجه شد و سالها زندان کشید. او بعد از انقلاب سر تلاش فکری و علمی خود را ادامه داده است. با استمرار حکومت ولایت فقیه و سرکوب کامل آزادیهای دوره انقلاب، شایان سیر ماسد هزاران تن از فعالان حساس جنبه، از بیگردد رژیم خویش بر فضا گریخته و به خارج از کشور پناه برده است. برای او و برای همه آیهانی که ما وجود همه دنواریها، در سکر رهائی محض مارکسسم مایستد و به مردمشان پشت نمیکند کامیابی "روز می‌کیم" "هفت نحریریه"

آدمی با سخته مرگ است . بودن یا نبودن این است سؤال . این سخن شکسپیر که از زبان هاملت بیان شده ، بیانشگر جوهر تراژدی و زبان حال قهرمانان آن است . در شاهنامه پهلوانانی مانند زال و رستم ، عمرهای انسانی دارند و این درازی عمر که سرزهای واقفیت را درنور دیده ، نوعی غلبه آرزویی بر مرگ و انکاس درد جاودانگی انسان است . اما صرفنظر از این خود فردوسی ، درباره این امر چون و چرا روا داشته و بکرات سخته را از جنبه‌های گوناگون آن مطرح ساخته است . بنظر او مرگ بدو از این جهت پدید است که هر قضایاتی درباره علت و چگونگی آن ، تفاوتی در فرجام کار پدید نخواهد آورد . در مقدمه رستم و سهراب چنین می‌خوانیم :

اگر تند بادی برآید ز گنج  
بخاک افکند نارسیده ترنج  
ستمگاره خوابیش از دادگر  
هنرمند گویشش از بی هنر

سپس در این مورد که مرگ آسان که در ادیان آمده ، عدالتی بآند تردید می‌کند :

اگر مرگ داد است پیناه چیست  
ز داد این همه نانک و فریاد چیست

اگر آدمی اشرف مخلوقات است و آسان که گفته‌اند کوهری است که بر تارک آفرینش می‌درخشد ، موجودی با ایسبه اندیشه‌های ظریف و همراهی بیعی ، چگونه سرگی کور بر او غالب می‌شود و او را به کام خود می‌کشد . این کوزه‌گر دهر که دائماً جام میسازد و باز بر زمین می‌زند ، هر که باشد توجیسی عقلانی برای این کار ندارد و از همین روست که فردوسی دستگاه هستی را بر سر سؤال برده و بدو ست دیوانگی می‌دهد :

جهانا چه بد مهر و بد کوهری  
که خود پرورای بخود بشکری  
تو خود پرورانی و خود بشکری  
بدیوانگی مانند این دلوری

اساساً باید گفت که زندگی انسان در این جهان سنجی از يك لحاظ جوهری تراژیک دارد :

اولاً بخاطر آنکه انسان برخلاف همه موجودات دیگر ، پایان کار خود را می‌داند و دیگر آنکه این پایان واجد هیچ عقل و عدالتی نیست . در سخن هنرمندانه هر کجا که پای زندگی و مرگ در کار باشد ، تراژدی ولو در يك بیت و حتی يك مصرع خود را نمایان می‌سازد و همراه با آن نوعی احساس زیبایی شناختی به انسان دست می‌دهد که نمونه‌های آنرا می‌توان در رباعیات خیام مشاهده نمود . دستگاه آفرینش در اشعار شمرای معاصر ایران نیز مورد سؤال قرار گرفته است چنانچه میرزاده عشقی چنین می‌سراید :

من که خندم نه بر اوضاع کنون می‌خندم  
من بدین کنبد بی سقف هستونی خندم  
تو به سرکردگی کون و مکان می‌خندی  
من به دیوانگی کن فیکون می‌خندم

اما مرگ بمنوان پایان کنیز ناپذیر زندگی ، یگانه کار مایه تراژدی نیست بلکه باید گفت که تاریخ به مثابه عرصه‌گاه فعالیت آدمیان بی شمار که در حیات مختلف و در پی منابع گوناگون عمل می‌کنند ، گاه بریزد نتایج فاسحه آیزی پدید می‌آورد که بیرون از دایره خواست همه شرکت کنندگان ، در این بازی طولانی و مشتت باز است

در داستان غوانگیزم رستم و سهراب مرگ جنبه دوگانه‌ای دارد ، چنانچه پیکار بصورت قضای آسمانی و حکم محتوم روزگار و پیکار همچون نتیجه اجتناب ناپذیری ظاهر می‌شود که منابع ، دشمنی‌ها ، نادانی‌ها ، جنگ‌ها و آرزوهای تباہ ، موجود است . رستم و سهراب پدر و پسر هستند که یکدیگر را ندیده‌اند . پسر شیفته پدر است تا بجاییکه هیچکس را جز او برای فرمانروایی بر دنیا سزاوار نمی‌بیند . از این رو می‌خواهد از بیروی عظیم خود که همگان را به شکستی وا

نگرده است . شاید برای اشاره به همین اوضاع و احوال است که در تراژدی قیصر اثر شکسپیر چنین می‌خوانیم : « بریتوس عزیز گناه از ستارگان ما نیست ، گناه از خردمان است » . این سرنوشت نوع دوم را می‌توان به درستی تبیین کرد .

مضمون اسطوره‌ها و مضمون بستاری از آثار بیعی هنری که از آنها الهام گرفته‌اند ، جدال انسان با این آرزو دوگانه سرنوشت است . در این دعوی انسان و سرنوشت ، گاه این و گاه آن غلبه می‌کنند و چنانچه روایت انسان و هنر بسوی پیروزی انسان میل کند ، حماسه پدیدار می‌شود و در غیر اینصورت با تراژدی سر و کار داریم .

انسان اینکه انسان می‌خواهد تسلیم سرنوشت و نظامات توجیه ناشده گردد ، جز این همتی ندارد که در چند و چون آن می‌انگیزد و درباره مرگ و بد آن قضاوت می‌کند و از همین روست که مفهوم آزادی همیشه با شناخت و انبیه همراه است ، زیرا هر داوری عادلانه ، باید متکی به علم درباره موضوع خود باشد .

گفتیم پهلوان کسی است که درباره شیوه‌ها و نظامات زندگی می‌انگیزد و چون و چرا روا می‌دارد و در صورتیکه آنها را با خرد آدمی ناسازگار یافند در برابرشان مقاومت می‌ورزد .

این دعوی انسان و سرنوشت ادامه می‌یابد و علاوه بر پهلوانان ، خیل آدمیان در آن شرکت می‌کنند . درباره اینکه انسان کی و کجا به گزیه‌های قطعی بر سرنوشت چیره شود چیزی نمی‌توان گفت . اما در انسان‌های شاهنامه رستم همان کسی است که تا حدودی شهر پیروزی بر سرنوشت را بر پیشانی دارد . این البته بدان معناست که او مظهر چون و چرا درباره سرنوشت و نماینده واکنش در برابر تحمیلات آنست ولو آنکه سستیهای دیرمان این تحمیلات را توجیه کنند . اعطای چنین صفاتی به فرد بی تردید جنبه آرزویی و عقلانی دارد . آرزویی از این لحاظ که نمونه رستم ، واحد آن نیروی خارق‌العاده‌ای است که در برابر آنچه ضد عقل است و ضد بشری می‌ایستد و عقلانی بخاطر آنکه آنچه در وجود همه آدمیان و آرزوهایشان موجود است ، در وجود رستم تحمیل می‌پذیرد . رستم يك آرزو عقلمانی است و مانند هر آرزو دیگری در جهان خارج وجود ندارد در حالیکه ضمناً همه جا هست . و از همین روست که در ایضا می‌توان سخن خالق آن فردوسی را بیاد آورد که در پاسخ محمود گفته بود :

جهان آفرین تا جهان آفرید  
سزای چو رستم بیامد پدید

یکی از مایه‌های آثار هنری و ویژه تراژدی ، برخورد

بی‌شک اکثر بخواهیم از نظر مایه‌های هنری و داستان پردازی قضاوت کنیم ، بهترین محض شاهنامه همان قسمت انسان‌های آنست و باید گفت که در این قسمت است که اسطوره رستم ، بنوع شکستی می‌درخشد . بیشتر محققان عقیده دارند بدون انسان رستم ، بنای عظیم شاهنامه می‌توانست بر پا شود و اهل نظر می‌دانند که اگر رستم از شاهنامه برود ، روح این اثر بزرگ نیز از دون آن رحمت برخواهد بست .

رستم يك پهلوان است ائنه از نوع معمول آن . نیروی جسمانی فوق‌العاده ، همراه با جرأت و حسارت سیار ، وی را در برابر زورمندان و گردنکشان زمانه موفق می‌سازد . با اینهمه باید گفت که در جهان‌بینی اسطوره‌ای ایران باستان ، پهلوان مفهوم خاصی دارد و این مفهوم سحر بازی در شخصیت رستم متجلی شده است . در اینجا پهلوان سست به دیگران آزادتر است . مفهوم این سخن آنست که او در برابر سرنوشت و نظاماتی که بر زندگی هر زمانه‌ای حاکم است سزای خود حق چون و چرا گذاشته و این را با حرارت و حسارت خویش تسخیر کرده است . در انسان رستم او این هر دو وجه را داراست . بیعی هم در برابر سرنوشت و هم در برابر نظامات حاکم می‌ایستد . ائنه پهلوان نیز مانند دیگران به مایه‌ها و ستمشاهی میسی پایند است ، اما تفاوتش با مردم دیگر آنست که او همه چیز را با معیار عقل محکم می‌زند . اکنون ببینیم سرنوشت چیست .

سرنوشت در اسطوره حکمی ازلی است که بر حیات آدمیان فرمان می‌راند و این حکم محتوم است و انسان را از آن گزیری نیست . آدمیان اسطوره کم و بیش به چنین سرنوشتی باور دارند . در شاهنامه سیر وضع چنین است . چنانچه در جایی رستم از سرنوشت محتوم آفرینش سخن می‌گوید که در عوالم دیگر رقم خورده است . در داستان رستم و استغنیار ، سیمرخ ، این مرغ مشهور انسان‌های ، به حکم قطعی سرنوشت درباره گذشته استغنیار اشاره می‌کند . در پیروی از اسامه‌ها سرنوشت را به ستاره‌ها سبت داده‌اند و طالع و اهل ستاره هر کس را دلیل پیروزی و شکست او در زمستی شمرده‌اند . در اینجا خصلت اصلی سرنوشت ناخوارست بودن آنست و این همان است که می‌توان آنرا به فالتاپس یا جبر مطلق تعبیر نمود . اما غیر از آنچه به ستاره‌ها سبت داده‌اند ، سرنوشت بصورت دیگری وجود دارد و آن چیزی است که نتیجه تلاشها ، کشمکشها و اعمال مستماد و مختلف انجیت آدمیان است

یکی از متفکران الهائی قرن بوردوم ، تاریخ را به سخته تأثیری تشبیه کرده که در آن اشخاص ، مخاطب سانی ، مصالح و نظرات خود ایشای نقش می‌کند . اما سربازان ، نتیجه‌ای که بدست می‌آید ، چیزی است که کسی نخواست و کسی پیش‌بینی

در دوره اشکانیان تصمیم کننده نبرد تحمیلات دینی ، عدم تمرکز بوده است . این عدم تمرکز یعنی استقلال سیاسی و فرهنگی در قبال پادشاهان ، تمییز انسانی و آرزوی خود را در شخصیت رستم باز یافت .

اما تاریخ بازپسهای دیگری در پرده داشت . اتحاد کاست دینی و قدرتمندان پارسی می‌رفت که بدوران اشکانی با آن عدم تمرکز ، و همزیستی دینی پایان دهد . در اینجا مطابق معمول برخوردی سخت در نقطه تلاقی دو دوران مسرت گرفت . در آستانه انزل بکی و طلوع دیگری ، رخدادهایی بس شگفت در پی هم آمدند و آدمیانی با اخلاق و سکنات دیگر پدیدار شدند . اما شاید در میان جنبه‌های تراژیک زندگی بشر ، این انزل اجتناب ناپذیر دورانی بیش از همه ، روح آدمی را متقلب ساخته باشد .

در شاهنامه مقابله رستم و اسفندیار باز کنایه‌ای از مقابله دو دوران است . اکنون نیروهایی پیدا شده‌اند که می‌خواهند ، پراکندگی طبیعی سرزمینی پهنانوار را با یکانگی منهدم جبران کنند و معلوم نیست که چرا گذشت روزگار نیز بسود آنها عمل می‌کند . زرتشت دین خود را عرضه می‌کند و گشتاسب که خود و دودمانش بر خلاف صلاح دید رستم و زال به فرمانروایی رسیده‌اند ، آئین جدید را می‌پذیرد و حامی آن می‌شود .

در نوشته‌های مربوط به ادبیات زرتشتی گشتاسب را سترده‌اند در حالیکه در قصه‌های ملی او مردی معرفی شده با اعمال نکویده و مکر بسیار . ناسازگاری میان روایت ملی و مذهبی ، ناشی از اختلاف نظر کسانی است که برخی از آنها به دوره بردباری‌های دینی و برخی به سلطه یک دینت مقتدر دلپسته بودند . گر چه روزگار بسود دومی‌ها حرکت کرد ولی اولها هیچ منطق و عقلی در آن نمی‌دیدند . در اینجا باز حدال انسان و سرنوشت آغاز می‌شد . ولی این بار لشکر سرنوشت محتوم ، خود آدمیان بودند که در برابر آدمیان یکدیگر جیبه آواستند و در جهت تحقق تقدیر هر عملی را جایز شمرند .

اسفندیار که در جهت دین‌بسی یعنی همان آئینی که قرار است بیکانه و سرتاسری شود کوشش‌ها نموده ، بی‌پلوانی و جسارتها کرده و در این زمان خود را شایسته تاج و تخت می‌بیند و از پدرش شاه گشتاسب آنرا مطالب می‌کند . گشتاسب دست بسته آوردن رستم را به پایتخت ، شرط برآورده شدن آرزوی پسر قرار می‌دهد . اسفندیار با آنکه در دل به این کار راضی نیست ، بنا به جاه‌طلبی و تعصب آنرا می‌پذیرد .

از سوی دیگر رستم خود را در برابر داسی می‌بیند که دیگران در برابرش نینداهند . اولاً دلیل ندادن که انسان آزاده‌ای چون او تن به بند دهد همچنانکه نباید دینت پکتا ، آئین‌ها و اندیشه‌های دیگر را ببلند و یا به زندان کشد . مگر آنزمان که پادشاهان ، استقلال نواحی و آزادی ادیان را به رسمیت می‌شناختند چه عیبی داشت . روزگاری که خودش داروطلبانه به ایشان خدمت می‌کرد ؛ گرچه همیشه برای خود حق پرستی و سخن را محفوظ نگهبانان بود .

رستم به دلایل گوناگون مایل به جنگ با اسفندیار نیست : نخست آنکه اسفندیار ، از تعصب و جاه‌طلبی‌اش که بگذریم صفات و سجایای نیکو بسیار دارد . دیگر آنکه در جنگ با رستم ، اسفندیار فریب پدر را خورده است . علاوه بر این رستم به نابود کردن فردی از خاندان شاهی مایل نیست و سرانجام باید گفت که اسفندیار روئین تن است و جنگ با چنین کسی آسان نتواند بود .

اما نه به هیچ قیمتی تن به بند نمی‌دهد . رستم مظهر یک دوران است که لااقل در آرزوی یک ملت دوره‌ای آزاد و بی‌تعهد بوده . اگر این آرزو تداوم و تحقق نمی‌یابد ، لااقل نباید دست بسته از خیال‌ها محروم شود . یک دوران جای خود را به دورانی دیگر می‌سپارد ولی برتری‌های ازمنه خود ، سقوط نمی‌کنند . نه ، تن دادن به بند محال است . در اینجا عدال تراژدی و حماسه اوج می‌گیرد بویژه آنجا که رستم بر اسفندیار فریاد می‌زند :

که گفتت برو دست رستم بیند  
نندند سرا دست چرخ بلند .

جست .  
به دوره دوستی‌ها باز گردیم . مثلاً راز توفیق و دوستی رستم و سیاوش چه بود ؟ آنرا باید در این حقیقت جستجو کرد که هیچک از آن دو تحت سیطره نیروهای کور درونی نبودند . سیاوش بی‌هیچ کینه‌ای منطق و واقفیت را از زبان هر کس ولو دشمن می‌پذیرفت . در ماجرای اختلافش با پدر ، هنگامیکه انراسیاب در نامه‌اش آن سخنان را خطاب به او نوشت ، سیاوش دچار هیچ بد گمانی و تردید نگشت زیرا واقعا انراسیاب در آن لحظه هیچ اندیشه تباہی در رابطه با او نداشت و در کلاش نوعی صداقت و منطق نهفته بود . بویژه هنگامیکه او را بدینسان نزد خود فرا خواند :

غمین شد دلم ز آنکه شاه جوان  
چنین تیره شد با تو اندر نیان  
ولیکن به گیتی جز از تاج و تخت  
چه جوید خردمند پیدار بخت  
همه شپس ثوران برنشد نماز  
مرا خود به سپر تو آمد نیاز  
تو فرزند باشی و من چون پدر  
پدر پیش فرزند بسته کسر  
بداروست بی‌درنج نرزدندوار  
بگیتی تو سانی ز من یادگار  
چو رای اسدت آشتی با پدر  
بسازم تو را تخت و تاج و کسر

اما اگر صداقت لحظه‌ای و سخن مسجیده دشمن سیاوش را بسوی خود جلب نمود ، در عوض اسفندیار در برابر آن تشویش عقلانی رستم که فرجام فاجعه‌بار و جبران ناشدنی نبرد با این شاهزاده لاجرم را بروشنی می‌دید ، در اسفندیار تأثیری نکرد . رستم با لحنی پر از تشویش که از عقل و درایت مردی کهن سرچشمه می‌گرفت به اسفندیار چنین گفت : « مکن پادشاه جوانی مکر » . پیداست وقتی که قدرت زمانه ، کسی را از جوانی کردن و وارد شدن به نبردی غمبار برحذر می‌دارد ، چه نیروی محاب کننده‌ای در کلاش موج می‌زند . هر کس دیگری بجز اسفندیار بود در برابر این کلام پر تشویش سر فرود می‌آورد ولی وی چنین نکرد ، زیرا آزادی نداشت ، از آن روی که وی تیل از هر چیز در سنه نیروهای ناهشیار ضمیر بود و اصلاً شاید نبرد رستم و اسفندیار پیکار هشیاری و ناهشیاری بوده باشد .

در تاریخ ایران باستان ، اشکانیان و ساسانیان به ترتیب برعصه تاریخ ظاهر شدند . جوامع ساسانی و اشکانی به لحاظ بسیاری از شیوه‌های زندگی ، با یکدیگر متفاوت بودند . اما این تفاوت بویژه از دو نظر ، اساسی و قابل ملاحظه است :

اولاً ، جامعه اشکانی یک جامعه دینی نبود به این معنا که حکومت دینت خاصی را تقسیم نمی‌کرد و روبرهت تحمل و بردباری مذهبی وجود داشت . از این لحاظ بر خلاف جامعه ساسانی بود که اساساً رسالت تثبیت آئین زرتشتی را بعهده گرفت و در این رهگذر به فرمانروایی اشکانیان پایان داد .

ثانیاً ، حکومت اشکانیان یک حکومت متمرکز نبود . حاکمیت روبرهت به کسانی باز می‌گشت که در قلمرو خود صاحب ضیاع و عقار بودند و از لحاظ نظامی بر برخی از نواحی فرمانروایی می‌کردند . البته پادشاهان اشکانی بر این باسطلاح ملوک‌الطوائف نرزه داشتند اما رابطه آنها بهر حال رابطه حاکم و محکوم نبوده است .

برخی پژوهندگان از جمله ذبیح‌آله صفای ، درباره منشأ تاریخی شخصیت رستم گفته‌اند که او یکی از ملوک‌الطوائف دوره اشکانی بوده است .

از سوی دیگر باید گفت که در شاهنامه ، هر یک از پهلوانان اصلی ، سپر و نشان یک زمانه را بر خود دارند و حتی تمایلات اساسی حرکت یک دوران را در منش و رفتار خویش منعکس ساخته و نمایندگی می‌کنند . حال اگر بپذیریم که منشأ تاریخی انسان رستم به دوره اشکانیان باز می‌گردد ، رستم را باید نماینده ادواری دانست که ادیان در کنار یکدیگر بسر می‌بردند و یکدیگر را تحمل می‌کردند .

داشته ، در جهت فرمانروایی آنچه شایسته‌اش می‌داند بهره جوید . اما دیگران نیز با شیوه خود در این ماجرا وارد می‌شوند ، اعمال نفوذ میکنند ، یگانه‌ای که اندیشه ساده و روشن سهراب در نخستین کاسهای اساسی ، در جهت تحقق خود ، با شکست روبرو می‌شود . زیرا وی برغم اشتیاق در جهت بازشناسی و دیدار پدر ، بعلت عاقبتی‌های سیاسی و مصلحت‌گرایانه که دیگران ایجاد کرده‌اند ، ناکام می‌ماند و تنها هنگامی او را بجای می‌آورد که کار از کار گذشته و بدست همین پدر بر خاک و خون غلتیده است . آری سهراب برای شناسایی پدر بهای گزافی می‌پردازد و رستم نیز تاخواست و ندانست به ماجرای کینه‌ی می‌شود که مخوفتر از مرگ است ، یعنی ماجرای پسر کشی .

\*\*\*

به این ماجرا چه نامی می‌توان داد . آیا این قضای روزگار است و یا عملکرد تاریخ که عصاره آنرا مورخ حکیمی چنین بیان کرده بود : « آمدند ، رنج کشیدند و رفتند » . آیا این ارا به خدایان است که اینچنین مردمان را بزیر می‌گیرد و حرکت می‌کند و یا تکناهای تاریخ ، خود سهراب بهر حال فرد را که در اینجا همان کشته‌ای است و هنر و بمنوان پدر بازش نشناخته است ، گناهکار اصلی نمی‌داند ، هر چند که برای این کشته‌ای نیز محکومیت دیگری در نظر گرفته‌اند که اتفاقاً نه مربوط به اجرای عدالت در این داستان غمبار بلکه به آئین و رسم تریچه نا شده کین خواهی باز می‌گردد .

\*\*\*

رستم و اسفندیار از جهات بسیاری با یکدیگر متفاوتند . از جمله آنکه رستم برخلاف اسفندیار ، خود در پی جنگ نیست و در بیشتر موارد هنگامی در جنگ شرکت می‌کند که یا از او بخواهند و یا بنا به اصولی که خود به آن باور دارد ، ناگزیر به چنین کاری شود . وقتی در راه مازندران سازی می‌یابد ، به نراختن مشغول می‌شود و از سرنوشت شکایت می‌کند که چرا باید اوقات عزیز را در میدانهای جنگ بگذرانند و این آه و حسرت به زمانی مربوط می‌شود که هنوز در عنفوان جوانی است . تنها در یک مورد است که رستم عنان اختیار را از دست می‌دهد و برای جنگ خیز برمی‌آورد و آن هنگامی است که خبر کشته شدن سیاوش را دریافت می‌دارد . رستم زندگی را دوست دارد ، از لحظات آن لذت می‌برد و بدینی است که این امر با امر صلح مرتبط است . جنگ در نظرش همیشه محدودی دارد و چنانچه این حدود از میان برود ، جنگ علت وجودی خود را از دست می‌دهد . در مورد پیشبهادات آشتی جویانه انعطاف بسیار از خود نشان می‌دهد چنانچه یکبار او و سیاوش برای صلح با تورانیان همدستان می‌شوند و این امر خشم یککوس را نسبت به هر دوی آنان برمی‌انگیزد . در واقع رستم تجسم وجدان آگاه ملتی است که نمی‌خواهد تسلیم هیجانات خود گردد .

\*\*\*

اما اسفندیار ماجرای دیگری است . اسفندیار زیادت طلب است و اساساً معلوم نیست که در پی چه چیز است . بر خلاف رستم ، آنچه شخصاً میجوید استفاده از لحظات زندگی نیست . آرام ندارد . گر چه شاید سلطنت حق او باشد ولی شتابی که برای نخستین بجای پدر از خود نشان می‌دهد چندان موجه نیست . در پاسخ مادر که وی را از جنگ با رستم بر حذر می‌دارد ، هیچ دلیل عقلی و عینی ارائه نمی‌دهد ، جز آنکه می‌گوید : « لیکن نباید شکست دلم » . دلش چنین خواست و او را یاری مقابله با دل یعنی هیجانات خود نیست .

از این گذشته اسفندیار ، مظهر چیزی است که فریود آنرا تمایلات دوگانه نسبت به پدر خوانده و این تمایلات دوگانه همان کینت و احترام است . شاید اسفندیار به مصداق آنچه انتقال عواطف گفته‌اند ، کینه نسبت به پدر را بسوی رستم جیبته داده ، همچنانکه در عنصر خودگرایی و احترام نسبت به گشتاسب را در دوران خود ادغام کرده است . در واقع ضمیر ناهشیار اسفندیار ، عرصه تاخت و تاز نیروهای قرار داشته که بازتاب آن واقیعات تلخی است که شاید جامعه کهن با ستهای پدرشاهی ، همیشه با آن روبرو بوده است .

سلطه ضمیر ناهشیار در اشخاص فاجعه می‌آزیند و هر ندر که این اشخاص تأثیر بیشتری در جامعه داشته باشند ، ابعاد این فاجعه بزرگتر است . تلاطم روحی اسفندیار این شاهزاده روئین تن که آوازه دلاوری‌هایش همه جا رفته ، این سوز دین بسی که اکنون مدعی تاج و تخت شاهی است ، ممکن است طوفانیایی سیب در جهان برانگیزد و برانگیخت . جدالش با رستم آغاز طوفانی بود که مقدماتش را باید در ژرفنای درون

آنها که نقدا در جنگ خلیج فارس برنده شدند

نام شرکت	ارزش قرارداد به پیناکون، بی. بی. سی (میلیون دلار)	موضوع قرارداد	افزایش ارزش سهام (به در صد)
بنک دوپل داگلاسی	۸۶۱۷/۲	حلی کوپترهای آیاجی	۷۵
جررال دایما میکس	۶۸۹۹/۲	موتور کروز نوماهاوک	۲۸/۵۷
جررال الکریک	۵۷۷۱	راهپا برای نریدنت	۴۳
ری شون	۳۷۶۰/۷	برسکهای ماریوت	۱۳/۲ (در ژانویه - فوریه) ۲۱ (در اوت - فوریه)
لاک هد	۳۶۵۱/۵	حسگرهای مارتی اف ۱۱۷	۵۳
مارسین ماریا	۳۳۳۶/۶	سیستم دید سیاه لاس تری	۱۸/۶ (ژانویه - فوریه) ۲۲ (اوت - فوریه)
راک ول اسپرینتال	۲۱۳۲/۸	موتور هیل فایر و بمبهای "اسپار" جی. بی. سی. یو. ۱۵	۲۱/۷
های ول	۱۵۵۵/۲	کسرال های پروار	۲۶
صنایع لیبون	۱۲۳۶/۶	کشیهای جنکی و غیره	۱۳
آی. سی. سی.	۱۱۶۳/۳	حسگرهای سانه جبرال ۱۱۱	۲۶

مجموع فراز دادهای سنجایی ستاکون در سال ۱۹۸۹ به ۱۲۹ میلیارد دلار بالغ شدند. ده شرکت زیر از میان ۲۰ شرکت طرف قرارداد. بیشترین سهم از سفارشات را دریافت کرده بودند. ارزش کل قراردادهای آنها ۳۸/۳۲۴ میلیارد دلار یعنی تقریباً معادل تولید ناخالص ملی اسرائیل در سال ۱۹۸۸ که ۳۸/۷۵۲ میلیارد دلار بود. در فاصله ۱۷ ژانویه تا ۲۰ فوریه ۹۱ ارزش سهام آنها در شاخصهای "دار حوبر" بطور ماسکس ۱۶/۸۶ در صد افزایش داشته است. (به نقل از روزنامه "گاردین" ۱۳ مارس ۱۹۹۱)

کنترل تسلیحات...

دنباله از صفحه ۹  
صاحبان صنایع تسلیحاتی آمریکا در نظر دارند از بیرونی نظامی آمریکا در حلیج فارس بیرون راندن سوخته و سیم شیر را در دور جدید صدور تسلیحات بدست آورند. روند حلیج سلاح در اروپا بسیاری از سفارشات تصمیم نده تلی به کشورهای اروپائی را کاهش داده و تریست تولیدی صنایع تسلیحات را غافل و باطل ساخته است. در جیبی شرایطی درصفت جدید صدور تسلیحات حساسیتهای امید بخشی برای صنایع تسلیحاتی آمریکا خلق کرده است. اگر چه جنگ حلیج فارس بزرگترین سلح برای سلاحهای آمریکائی بود اما این حال شرکتیهای تسلیحاتی آمریکائی با رقابت شدیدی از سوی اروپائیان مواجه هستند. در ماه اوت گذشته حتی وزیر دفاع آمریکا محدودیت فروش مدلهای جدید اف - ۱۵ به ترنستان سعودی را لغو کرد و همچنین از شرکت فراز داد تسلیحاتی ۲۰ میلیارد دلاری آمریکا با ترنستان صنایع آمریکائی در آغاز کار. بر سودترین سفارشات را در جنگ خود گرفتند.

انگور بلوسد مسئول کمیسیون نظامی - صنعتی گاسد نیوروی میگوید که این کشور در بازار جهانی تسلیحات که رقابت در آن مدهد محسوس میشود تا آنجا که بتواند اقدام بیرون تسلیحات نظامی خود خواهد کرد. اخیراً نیوروی در یکس و

مطابق حسگرهای سایور ۲۷ و میگ ۲۹ را در ماسنگها تریه کرد و با اصطلاح "اندولوزی ردائی" در ترمه فروش تسلیحات حاضر است آرا به هر خریداری بفروشد. کارشناسی صنایع دفاعی نیوروی میگوید حنا محمد سعودیها با کوشیها درخواست اسلحه کسد از حاس ما هیچ محدودیت اندولوزیک در کار خواهد بود.

فرانسه سویمی صادر کننده اسلحه در سطح جهان بیز در تلاش است تا از بعد روسی بازار اسلحه در حلیج فارس کلاهی برای خود بدوزد. این کشور که ترنستان را در مابینگاه جنگ حلیج از شرفترین سلاحها پر کرده بود و بویژه نواست کرانی سسهای موشکی صد تانک و سایر سسهای نظامی را با موفقیت به ماسک بگذارد با سفارشات سودآور از سوی ترنستان، بحرین، قطر و امارات روبرو شده است. یک مقام فرانسوی در زبان میگوید "بازار اسلحه کسد و کار بزرگی است و صنایع تسلیحاتی فرانسه بدون تاضی امکان بیرون تر آن از بی خواهد رفت."

اما بازار جنگ سرد و جنگ حلیج فارس تنها ژانف برای فروش تسلیحات بین سه نط آمریکا، نیوروی و اروپا را داس برده است. حتی سر یکی از صادر کنندگان مبه اسلحه در جهان است. اس کتیز در دهد هشتاد ۱۲ میلیارد دلار اسلحه صادر کرده که تقریباً نصف آرا به ایران و ترائی بیروند است. صنایع تسلیحاتی حتی بی

مترسزاسیون تسلیحات تدبیمی نیوروی و صدور آن به خریدارانی که لحاظ مالی با سبسی امکان دسترسی به تکنولوژی بالاتری را ندارند متکی است. حیرت همچنین صادر کننده موشکهای نیوریدی میباند که متواند به کلاهکهای اتمی و شعبانی محبر شود و بالغ بر یک میلیارد دلار از آرا در سال ۸۸ به ترنستان فروخت. اکنون حیرت در صدد بیرون وسع تسلیحات به ایران است و با جمهوری اسلامی بر سر تاسیس کارخانههای تولید حسگر اف - ۷ و تانک ت - ۶۹. فروش راکتور اتمی و سایر تسلیحات در حال مذاکره است.

در کنار بح کسور اصلی صادر کننده دوحسی از فروسندگان اروپائی انگستان، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، سوئد، آمریکا و غیر اروپائی (برزیل، اسرائیل، کره شمالی، ۱۰۰) وجود دارند که بیج وجه حاضر بستند از بازار بی سود فروش اسلحه در خاورمیانه بی نمس مانند!

کنترل تسلیحات به سیک آمریکائی در خاورمیانه اکنون محدود به نابودی ساری سلاحهای نسمائی، هستتائی، میکروبی و موشکی ترائی شده اندون آنک کنترل مشابهی شامل ضحندان آمریکا مانند اسرائیل ترنستان (۱۰۰۰) بشود) و به سردهدار ای آمریکا دور حسندی از صانفد برای صدور تسلیحات به خاورمیانه آثار مگرده و این همه را باید از برکت "نجم سیراطلی سویی" دانست!

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

منشوند و به مهم متعادل کننده در برابر آمریکا باشد. برای اولین بار در تاریخ معاصر هاشمی - آریسنند با یک هفت بر یک به دعوت فرانسه و صبران به فرانسه سفر کرد و پیر ما هشتی را با سداکان ویژه مکزیک - وروئلا و کلمسا ملاقات نمود. مردم هاشمی به سروری بر یکی دست یافته اند اما هموار کردن راه آسوده و ویژه ساحت کشور از سوخ عقب ماندگی و فقر سار به حل مشکلات و برطرف نمودن موانع برر کندارد. امریالسم و خشی را روزرواری داخلی تلاش میکنند تا با استفاده از سگسندی نور العاده رباب اقتصاد هاشمی جاشی انقلابی و عدالت خواهانه جسی توده های را در آورد و آریسنند را به آگسوی راهی تبدیل سازد. بسک شرسه آریسکاشی این سنوال را مطرح میسارد که آیا آریسنند تبدیل کاستروی جدیدی برای آمریکا خواهد شد و یا آگسوی؟ اما مگر جهان سوم این کره کسا در انجاری نهادهای سرمایه داری جهانی آسندی کاستروها - اورنگاها - آریسنندا بست؟ آسها دبرور بوده اند. امروز هستند و فردا سیر سربلسند خواهد کرد!

رو به تکامل مصرف کنندگان سست بلکه بیش از آن نانی از تحریک تولید کنندهای است که در فکر تولید بیشتر است. "سسته بندی" اما آن آفتی است که در اثر رقابت برای عرضه کالاها بصورت یکی از عوامل افزایش زباله در آمده و بلائی حان محیط زیست شده است. مثلا شکلاتهای کوچک ۳۰ گرمی در جمعهای با شش لابه پوشش سسته بدی میشود تا چشمگیرتر باشند. ما این حجم از کاغذ و بلاستیک چه میتوان کرد؟ آیا روزی نخواهد رسد که سیاره ما در آسعال مدیون شود؟ واقعیت آنست که اگر تولید انبساط گسیخته و بی سطق سرمایه داری که برای سود بیشتر بهر کاری برای تولید بیشتر دست میرسد و سروتا برای تامین مواد خام، طسعت را بی محاسا غارت میکند و برای فروش محصول، مردم را خارج از روال طبیعی به مصرف سکشاد و آسهد اسرار و خسرو زواند ما خود همراه دارد. برای همسده در جهان حاکم باشد، پاسخ سئوال فوق قطعاً منس خواهد بود. چنین سربوشی بر سشرس مباد!

در جهت رشد و اتلای حسس کارگری و سربوزی حوس مستقل طسقه کارگر به بیش بردارم، حسس همسنگی ظاهرا جسد ساعنی سشر دوام میساید. اما برای شکومسدی و عظمت این ساعنی، روزها و ماهها کار آگاهگرانه و سارمانگرانه لازم است. هر حد این کار دفقتز و بر حوصلسز انجام سئود. اراده مستقل کارگران در مراسم اول ماه مه ما سفاست سشری خود را نشان خواهد داد و در بزرو آن نودههای کارگر در سکت مارزه طسقاتی هر حد بیشتر خواهند آسوحس، برای برگراری هر حد ما شکوهسر حسس همسنگی جهانی کارگران، آسیننن ها را بالا برسیم!

مسئله سدی نقش آمریکا در هاشمی است. هاشمی تا سال ۱۸۰۴ منسومره براسه و سس را سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۳ به مسسومره آمریکا تبدیل سئود. در طی این دوره قواشین مسسودی در ارنساط سسسا واسسنگی به امریالسم آمریکا ساسه بزنی سئود. ساند به این واقعیت سرنوجه کرد که هاشمی سسناسه فقیر نرسی کسوز آمریکای لانس سشدت به کمسهای خارجی سارمسد است و سدون آنها سمنواسد مسکلات مسعدد خود و از جمله فقر و عقب ماندگی فاحشی را که از آن در رسج است باباا سسشزلدا! امریالسم آمریکا سبزا اهرم فوق العاده نبرومسدی سرای نشار در اختیار دارد. سس از انتخاب آریسنند سراسسست جمسوری، سسر آمریکا حکومت آریسنند را حکومتی نامطلوب اعلام مسکسود سببن ترنسیب علیه ارا ند مردم هاشمی و اولین اسنخاسات آزاد سراسر تاریخ ابن کشور خط و نشان میسکشد (و براسنی جه مسخره است ادعای آمریکا در دفاع از آزادی!) ساسسست آریسنند نیز سرندم نحریک آمریکا و اسفاده ارا ن سفادهای آمریکا و ترانسه برای مسسوع و منسعدادل ساخن روابط خارجی هاشمی و نیز رابطه نعال سا کشورهای گروه کسنا دورای آمریکای لانسین است که

سسی، مثلا در مقایسه با اسانبا که مردم هم فقیرتر و هم کم خوراکتر هستند، میزان رباهد خانگی را در حد معینی کاهش دهد، اما این حرکت تا رسیدن به حد قابل قبول راهی طی نشدنی در حواسس سسیننی در پیش دارد. راستی آیا نصسود هم حوس حورود و هم آسعال و زباله کمتری داشت؟ نمیسود هم جامسعی مره با امکانات لازم ساسحت و هم از بدبد آسمن عوارسی خطرناک همجون افزایش زباله حلوسگیری کرد؟ سس جرا در این کشورها روز بروز این مسله حادثر میشود؟ واقعیت اینست که چرخه زندگی در این کشورها که بر سود بیشتر اسسوار است بر دو محور افزایش دائمی تولید و رقابت حرکت میسکد. سس برای آنکه شرایط لازم برای ادامه حرکت فراهم سئود، هم مردم را به مسرف روز افزون سسویق و حریس میسکنند و هم برای سربوز آسمن در رقابت، حسسو و رواند سبشتری از ماده مورد مسرف را بصورت اسواع "سسته بندی"، به دست مسشری میسدهند. حرس و ولع خرید سبسنر، گرایت به تعوسنی دائمی و روز بروز احناس، بیان یک روند سالم از بر آوردن سبارهای

## آریسنند ... د نباله از صفحه ۲۲

و نشان دادند که حاضر نیستند با سرنوشت دمکرا - سسی که از بی سسج سال سبارزه بیبایی سدست آمده است ساری سئود. نعالان سبسن نوده های سببوزری اولین اسنخاسات آزاد را اسنقلال دوم هاشمی سمناسند ولی آسواقعا سببوزری دمکراسی در هاشمی اسسری تضمین سده است؟

سباس سنی است. اگرچه سسنگاه سسکسوب سسعی ارتش ۷۰۰۰ نغری هاشمی از پی کودتاها و ضد کودتاها فلح سده و برای اولین بار در کودتای هفت زاسوبه ار قانون دفاع کرد و علیرغم آنکه آریسنند بلافاصله سس از مراسم نعلسب ربابست جمسوری ۶ تر از زرنالهای عالی رتبه ارتش را تسعیه کرد اسسا ارتش تا سسر اسنخواس آمریکاشی هاشمی سسجان سنون حافظ طسفه حاکم و سوزرواری است و سس از مدتی تمدید قوا و ترسب سسناسه ابزار مطمئن افدام سوزرواری و امریالسم علیه مردم، مسسواسد سسار دسکر سربلسند کسد. هم اکنون سس از کودتای هفت زاسوبه هنوز هم خشی از "سنتین ماکوتها" تحت بناهد ارتش به سقا خود ادامه مسدهند.

## "زباله" ... د نباله از صفحه ۸

این رباهدا بخشا بدلیل وجود مواد پلاستیکی در آن از بین رفتنی نیستند. نه مسوزند و نه از طریق دیگر به طسبعت باز میگرد، بلکه محیط ما را با وجود خود اناسشته و آسوده میسکنند. ححم سببار زیاد زباله بصورت یک مسئله خطرناک و تقریبا لاینحل در آمده اند. راههای تا کونی دفع زباله عمدتا از طریق سوزاندن چال کردن و با اناسشتن در سطح زمین بوده است. که در هر حال جز به آلودگی خاک و هوا و آب نمی انجامد. در سالهای اخیر خصوصا در کشورهای اروپایی حرکتی زیادی برای اولا کم کردن حجم زبالهها و ثانیا اسفاده از بخشهای قابل اسفاده آن با ماسطلاح "چرخه مجدد"، تحت تاثیر حسسهای طرفسز سبسنسده اند. مثل اسفاده از کاغذهای ناطله برای تولید مجدد کاغذ و بهمین ترتیب ناطری و سبیره اما تا کون مسجر به ننجهد سببی نشده است. جرا که ما ماهمت اسفادهی این کشورها در سفاست است. هر جسد در یارنای از کشورها مثل آلمان و سوئد که حسس دفاع از محیط رسن در آنها قوی است و چنین فرهنگی در میان مردم با گرفته موفقی سدهاند سظور

## اول ماه مه ... د نباله از صفحه ۶

دو جرجر دیگر از شعار محوری ما، نحریم مراسم نرمانشی و نحم مستقل کارگری. به سنا هسجان با بر حا خواهد سئود، بلکه سس از سس ساند بر آنها تاکد کردد.

ار میان مطالبات جاری کارگران ساند بر مسشری و طسوسرین آنها انگسش کذاسنت. هم برای نسلع موثر این مطالبات و حلوسگیری از کم سدن آنان در لاسلای محومسعی از شعارها و هم برای انجام رسند نحم هر حد سسسر دستر کارگران. ار همس رو ساید بر سسعی حدائقل سسسرود مسناس ما نرورم، بدسری حس کار و سسد سگری کد

همه سکاران را تحت پوشش نگرد؛ کاگسز ساعسز کار کار برای رنار؛ مزد برابر در برابر کار برابر برای رنار؛ و بالاخره برسست سناختن حنی تشکل و حنی اسنصاب، تاکد کردد.

در پایاا سار هم براین سسئلد تاکد مسکس که سدون سذارک بر حوسله و کار سارمانگرانه ار طریق محافل کارگری و سدون سسوزرک نسلع بر اهمست برگراری مراسم مستقل روز اول ماه مه و سسرس منطق حسس همسنگی سسواس سست رسمدد کارگری در سطح جهان. به رنار رسند و قابل فهم نودههای کارگر، قادر بحواسیم سئود اسقام سسسرود کارگران را در این روز سارمان دسهم و کامی دسکر



**صدای کارگر**  
راهنمای تازه برای کارگران و معلمان ایران و جهان

★ **برنامه های سراسری صدای کارگر:**  
هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه ۷۵ متربرابر با مگاهرتز پخش میشود.  
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.  
★ **جمعه هارنامه ویژه پخش میشود.**  
★ **برنامه های صدای کارگرویزه کرستان:**  
۶ ساعت از نظر به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود.  
همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.  
جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود.

**آدرس در خارج از کشور**  
**فرانسه**  
ALIZADI, BP195  
75564 PARIS Cedex 12  
France  
**آلمان**  
Postfach 650226  
1 BERLIN 65  
Germany

برای تماس با سازمان از خارج کشور، با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳-۲۰-۴۹ در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل کنترل مکالمات تلفنی یا خارج از کشور توسط رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود.

کمکهای مالی خود را به حساب زیر وارد کنید و رسید بانکی آنها به آدرس نشره در فرانسه ارسال کنید.  
**CREDIT LYONNAIS  
MERCURE 808  
CPT.43956<sup>a</sup> HASSAN  
PARIS - FRANCE**

**اگر میلیاردهائی که در جنگ خلیج تلف شد، صرف توسعه میشد**

سال صندوق کمک برای توسعه کشاورزی سازمان ملل متحد.  
• نم در موشک مارتین ۶۰۰ هزار دلار است که برابر برآمد سالانه هزار آفریقائی است.  
نم در هواپیمای جنگنده اف ۵ - ۷۰ میلیون دلار است که معادل است با سه برابر بودجه سالانه عا و اکوادور. نم در هواپیمای اف ۵ - ۵۰ میلیون دلار است که برابر است با بودجه سالانه گامبا. نم در تانک ام بک - ۲ میلیون دلار معنی برابر است با نم ۱۸۰۰ نی آرد.  
هرسه در بیوزار هواپیمای - ۵۲ - ۱/۳ میلیون دلار معنی برابر است با نم ۳۰۰۰ نی آرد.

• طبی محاسباتی که تا کنون انجام شده، هرستهای نظامی جنگ خلیج فارس ۱۱۳/۳ میلیارد دلار را سبقت داده است. این رقم سواست سالانه تعداد حسانی را صندت دوسه سال حل کند.  
• این رقم برابر است با: تولد نا حالی احتمالی جیل کشور آفریقائی؛ ترب نس از دههکاری کوی آفریقا؛ هزار برابر کنگهائی صروری پوست به ۱۲ میلیون مانر و کونک که در نشت کشور آفریقائی در آستانه برگ سر میرسد؛ و برابر است با مخازن صروری برای پوسته شش سال کن قاره آفریقا.  
• یک روز حکم سی ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار خرج داشت؛ این معنی: هرسه یک تا دو همد دههکاری کن آفریقا و سی از بودجه سد

لیست کمکهای مالی ویژه برای ایستگاه رادیوئی و تشکیلاتهای داخل کشور

نمارة	مبلغ	نام
۱	۲۰۰ مارك	قاسی - م
۲	۱۱۳۰ مارك	م - ۶۳
۳	۶۰۰ مارك	زانك
۴	۱۰۰۰ مارك	محمود تلاحت
۵	۳۰۰ مارك	حس قاسی
۶	۲۰۰ مارك	صادق رنکی
۷	۱۵۰ مارك	هادی بجزور
۸	۵۰۰ مارك	نساب
۹	۳۰۰ مارك	سرس
۱۰	۲۰۰ مارك	الف - انوری
۱۱	۱۰۰ مارك	حس آردس - الف
۱۲	۵۰۰ مارك	انراجه تحارل
۱۳	۳۰۰ مارك	سرس انراکوروب
۱۴	۲۰۰ مارك	سحر انراکوروب
۱۵	۳۵۰ مارك	حکونز
۱۶	۳۰۰ مارك	شی سکوچی
۱۷	۱۵۰ مارك	حواد مسعود
۱۸	۱۰۰۰ مارك	ك - مالا زاند
۱۹	۱۵۰ مارك	و - احلائی
۲۰	۱۰۰ مارك	طاهره و سوری
۲۱	۳۰۰ مارك	مانی و سلوئر
۲۲	۷۰۰ مارك	بونك

**دزلابلای مطبوعات**

- ★ "راه آزادی" پاسخ ندارد
  - ★ کیهان هوائی و "نگرش مادن تاریخی" راه کارگر!
  - ★ سازمان "اکثریت"، جناح رفسنجانی را قویا "تاکید" میکند!
- در صفحه ۱۰

برای آبونان نشره "راه کارگر" و خرید سایر انتشارات سازمان، با آدرس زیر مکاتبه کنید.  
**Postfach 1124  
5200 Siegburg 1  
Germany**  
پول آبونان و سایر انتشارات را به حساب بانکی زیر واریز کرده و رسید آنها به آدرس پستی فوق ارسال کنید.  
**H - SHIRAZI  
Postgirokonto Nr 361938 - 504  
Bankleitzahl 37010050  
Köln - Germany**